HAFT-E-SOBH DAILY

هفت صبح

ویژه آخر هفته

روزنامه فرهنگی، اجتماعی، شهری واقتصادی ایران
پنجشنبه | ۲۸ دی ۱۴۰۲
۱۶ صفحه
شماره ۳۶۹۲
قیمت در تهران و البرز ۶۰۰۰ تومان
سایر استان‌ها ۵۰۰۰ تومان

سلام خانم صادقی...

درباره چرخه‌ای که احتمالا دوباره آغاز خواهد شد صفحه ۰۴

شش خودرو روی پله برقی

در هفته‌ای که گذشت بازار راکد خودرو ترمز برید صفحه ۰۵ را بخوانید

سرشبکه قمار از استانبول دیپورت می‌شود؟

یک نماینده مجلس ترکیه می‌گوید شهروندی سعدالله امیرشقاقی سلب شده است

● ملاقات حساس در الجزیره / ۱۰۰ قصه دیگر از لابه لای تاریخ ● چین به دنبال پادرمیانی است / آیا بحران میان تهران و اسلام‌آباد شکل گرفته است؟ ● مورد عجیب قتل بر سر جای پارک! / آدمکشی بر سر این موضوع کوچک ترند حوادث شده است! ● یک شیب ملایم یکنواخت / نگاهی به دو جریان خبری موازی که درباره پرونده خبرنگاران آزادشده اطلاع‌رسانی‌های متفاوتی داشته‌اند ● دانلود را فراموش کن! / نتفلیکس از افزایش مخاطبان و درآمد در سال ۲۰۲۳ خبر داد ● این مطالب را در صفحات مختلف امروز دنبال کنید

طبیبان ادیب طبیبان سیاسی

فهرستی از پزشکانی که نامشان ورای طبابت در تاریخ ثبت شده. چه به سپیدی و چه به سیاهی

در بسته آخر هفته بخوانید:

● بازیگر؛ پنهان شده در پوست شیر
بهترین بازی‌های ۱۴۰۰ تا به امروز

● هیچ جا شونه خود آدم نمیشه
شوخی‌ها و طنازی‌های شبکه‌های مجازی هفته

● اینجا فقط من سوال می کنم!
یادداشت‌هایی خواندنی از ابراهیم افشار، مهدی افخمی، مرجان فاطمی، رضا فراهانی، حمید رستمی

● شبیه‌سازی بازی با کره
بازی فرداشب مقابل هنگ کنگ که می‌تواند ما را برای بازی احتمالی با کره‌جنوبی آماده کند

گردش به راست ایرانی‌ها در اروپا

درباره نماینده‌های ایرانی تبار مجلس‌های اروپایی که برخلاف انتظار معمولا سیاست‌های سختگیرانه‌ای علیه مهاجران و مسلمانان را دنبال می‌کنند

نگین باقری | ضرب‌المثل قدیمی است که می‌گوید: مهمان از مهمان بدش می‌آید. این مصداق ایرانی‌تبارهایی است که بعد از گرفتن اقامت و شهروندی در غرب راهی کرسی قدرت می‌شوند و سیاست‌های ضد مهاجر پیش می‌گیرند. تعداد ایرانی‌هایی که از نردبان قدرت بالا رفته‌اند و نماینده پارلمان، وزیر و ... شدند کم هم نیست. مثلا در کشوری مثل سوئد تا امروز ۱۸ ایرانی تبار روی این صندلی‌ها نشسته‌اند اما در همسایگی آن، فنلاند، حتی دست یک ایرانی هم به قدرت نرسیده. این گزارش قرار است دنبال جوابی برای این سوال باشد که ایرانی‌تبارهای ساکن اروپا، روی کدام صندلی نشسته‌اند و از کدام جبهه سیاسی بلند شده‌اند؟ از دنده راست جهان و احزاب محافظه کار که اغلب سیاست‌های ضد مهاجر دارند یا آن سوی این جبهه، نزدیک به سوسیالیست‌ها، سوسیال دموکرات‌ها، احزاب چپ یا احزاب سبز؟ با سرشماری ایرانی تبارهای پارلمان و دولت‌های اروپایی به نظر می‌رسد تا امروز ۱۹ نفر از احزاب چپ و ۱۵ نفر از احزاب راستگرا وارد فعالیت‌های سیاسی شده‌اند. اما این روزها در کل اروپا عمدتا احزابی در راس قدرت هستند که اغلب شعارهای رایج دست راستی می‌دهند. شعارهایی که بخشی از آن شامل سختگیری بیشتر برای مهاجرین می‌شود. نکته جالب هم درباره ایرانی‌ها این است که عمر فعالیت سیاسی سوسیال دموکرات‌ها دیگر به پایان رسیده. در حال حاضر پنج ایرانی تبار چپ و در مقابل هشت راستگرا در پارلمان یا دولت کشورهای اروپایی بر سر قدرت هستند.

سوئد: اگرچه سال ۲۰۱۸ این بلوک چپ بود که در مسیر قدرت سیاسی، دولت را به دست گرفت، ولی سال ۲۰۲۲ برای مردم این کشور با پیروزی احزاب دست راستی به پایان رسید. حزبی با سیاست‌های افراطی ضد مهاجر.

بلوک چپ:

۱-اردلان شکرابی: او نه فقط عضو بلکه از اعضای هیات رهبری حزب سوسیال دموکرات سوئد بوده. شکرابی سال ۲۰۱۴ به همراه شش ایرانی دیگر وارد پارلمان می‌شود و بعد بر اساس شکل نظام سیاسی این کشور، نخست وزیر او را به عنوان وزیر امور اجتماعی انتخاب می‌کند. او سال ۲۰۲۲ هم توانست به پارلمان راه یابد.

۲-لیلا نراقی: او تا سال ۲۰۱۶ به نمایندگی از حزب سوسیال دموکرات نماینده پارلمان سوئد (ریکسداگ) بود.

۳-خشایار فرمانبر: فرمانبر هم سال ۲۰۱۴ مانند اردلان از حزب سوسیال دموکرات وارد پارلمان می‌شود و سپس نخست وزیر او را به عنوان وزیر توسعه انتخاب می‌کند. فرمانبر ۱۲ سالگی از ایران خارج شده و ۱۵ سالی است به عضویت حزب درآمده.

۴-آیلین فاضلیان: فاضلیان در حالی که ۲۳ ساله بود عضو شورای رهبری شاخه زنان حزب سوسیال — دموکرات سوئد شد و سال ۲۰۱۸ از همین حزب به پارلمان راه یافت.

۵-آیدا کرمعلی: او دو ساله بود که همراه خانواده از تبریز به سوئد آمد و سال ۲۰۱۸ به عنوان یک نماینده سوئد از حزب سبز برای پارلمان انتخاب شد. حزب سبز، یکی از زیر مجموعه‌های ائتلاف سوسیال دموکرات‌هاست درنتیجه نه تنها مخالفتی با ورود مهاجران ندارد بلکه حمایت از آنها را یک وظیفه انسانی می‌داند.

۶-آزاده رجحان گوستاوسون: این سیاستمدار در ایران زاده شده و ۵ سالگی با خانواده به سوئد مهاجرت کرده است. او سال ۲۰۱۴ به عنوان نماینده مجلس سوئد از حزب سوسیال دموکرات انتخاب شد و سال ۲۰۲۲ هم دوباره به این صندلی رسید.

۷- نوشی دادگستر: مهرنوش یا همان نوشی دادگستر سال ۲۰۲۰ به رهبری حزب چپ سوئد رسید.

۸- علی اثباتی: اثباتی ۴ سال رئیس حزب چپ جوان بود. کمی بعد از شروع فعالیت او به عنوان یکی از مشهورترین وبلاگ نویس‌های سیاسی این کشور شهرت پیدا کرد و از سال ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۲ عضو پارلمان سوئد شد. برخلاف بسیاری از نماینده‌های ایرانی تبار که رابطه خوبی با نظام سیاسی حاکم در ایران ندارند، رسانه استکهلمیان ۴ سال پیش در گزارشی نوشت که او شهادت سردار قاسم سلیمانی را نقض آشکار قوانین بین‌المللی دانسته بود. همچنین گفته می‌شود ۱۳ سال پیش مقاله بلندی درباره رد تقلب در انتخابات سال ۱۳۸۸ هم به نگارش درآورده.

۹-دانیال ریاضت: او سال ۱۳۷۰ در تهران به دنیا آمده و سال ۲۰۱۴ به نمایندگی از حزب چپ عضو مجلس ملی شده است.

بلوک راست

۱- رومینا پورمختاری: او که مدتی رئیس شاخه جوانان حزب لیبرال بوده سال پیش به عنوان وزیر اقلیم و سال قبل محیط زیست معرفی شد.

۲-پریسا لیلی استراند: او از سال ۲۰۱۰ به عضویت حزب مدرات در آمد؛ حزب راست میانه رو که به سیاست‌های ضد مهاجر خود شهرت دارد. استراند سال قبل به‌عنوان وزیر فرهنگ معرفی شد.

۳-علیرضا آخوندی: آخوندی که اصفهان به دنیا آمده و عضو حزب مرکز است. یعنی موافق سیاست بازار آزاد و تمرکززدایی از دولت. او یک بار سال ۲۰۱۸ و بار دیگر سال ۲۰۲۲ وارد پارلمان شد.

۴- حنیف بالی: این سیاستمدار سوئدی سال ۲۰۱۴ راهی پارلمان سوئد می‌شود. او عضو هیات اجرایی حزب مدرات است. حنیف بالی قصه عجیب و دردناکی دارد. در کرمانشاه به دنیا می‌آید اما والدین او عضو فرقه مجاهدین بودند که راهی کمپ اشرف شدند و این کودک را به سران کمپ سپردند تا به همراه صدها کودک دیگر به اروپا بفرستند. او سه سالگی وارد سوئد شد و تا بزرگسالی بین هشت خانواده مختلف زندگی کرد.

۵-تینا قاسمی: سال ۲۰۱۴ تینا قاسمی از حزب مدرات راهی پارلمان سوئد شد.

۶- جاسمین فرید مقدم: جاسمین یا همان یاسمین فرید مقدم، ۳۱ ساله است و سال ۲۰۲۲ از شهر استکهلم و حزب مدرات یا همان میانه رو که یک حزب سیاسی لیبرال محسوب می‌شود وارد پارلمان شد و البته به دلیل اینکه جانشین موقت بود این نمایندگی تا اول اوت ادامه داشت.

۷-آرمان تیموری: سال ۲۰۱۸ از حزب لیبرال وارد پارلمان سوئد شد.

۸-نیما غلامعلی‌پور: او عضو حزب دموکرات‌های سوئد است. این حزب خود را محافظه کار با ملی گرا توصیف می‌کند و یک حزب راست افراطی، محافظه کار ملی گرا و ضد مهاجر خوانده شده‌است. او سال ۲۰۲۲ از این حزب به پارلمان رسید.

۹-رشید فریور: این سیاستمدار ۴۱ ساله اصالتا تبریزی سال ۲۰۲۲ از حزب دموکرات‌های سوئد راهی پارلمان شده که توضیحات آن بالاتر آمد.

بلژیک

دریا صفایی: عضو حزب ان.اف.آ که سال ۲۰۱۹ راهی پارلمان بلژیک شده است. ان.اف.آ به عنوان یک حزب محافظه کار شناخته می‌شود که از لیبرالیسم اقتصادی، کاهش مالیات و سیاست‌های ضدمهاجرتی سفت و سخت دفاع می‌کند. احزاب افراطی دست راستی سال ۲۰۱۹ توانستند در انتخابات فدرال بلژیک بیشترین تعداد کرسی را به دست بیاورند. تا امروز هیچ ایرانی راهی احزاب سبز و چپگرای این کشور نشده است.

دانمارک

جناح چپ:

ناهید ریاضی که عضو اتحادیه‌های کارگری دانمارک است یک بار در انتخابات پارلمان نامزد شد اما به آن راه نیافت.

جناح راست:

آناهیتا ملکیان: آناهیتا ۸ سالگی از ایران خارج شد و سال ۲۰۱۹ به عنوان نامزد حزب «شهروندان نو» پارلمان دانمارک معرفی شد. بعد از سر و صدای بسیار درباره محتواهای او در اینستاگرام، آناهیتا موفق نشد وارد پارلمان شود. «شهروندان نو» تندروترین حزب دست راستی دانمارک است و آناهیتا بین کاربران شبکه مجازی به اسلام ستیزی و ضد مهاجر بودن شهرت پیدا کرد.

نروژ

جناح چپ:

مسعود قره‌خوانی: او تهران متولد شده. ابتدا سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۷ رهبری حزب کارگر نروژ را برعهده گرفته و سپس از سال ۲۰۱۷ به عنوان یک عضو حزب سوسیال دموکرات این کشور وارد مجلس شده. قره خوانی از سال ۲۰۲۱ به صندلی ریاست قوه مقننه رسیده است.

جناح راست:

محمود فرهمند: فرهمند به عنوان عضو حزب محافظه کار و لیبرال سال ۲۰۱۹ وارد پارلمان شد. او بین سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۱ میلادی هم به عنوان عضو علی‌البدل مجلس ملی نروژ حضور داشته. محمود فرهمند، بین سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۲ میلادی مشغول خدمت در نیروهای مسلح نروژ بوده و حتی در افغانستان هم حضور داشته‌است.

هلند

فرح کریمی: او عضو حزب سبز چپ است و از سال ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۶، عضو مجلس نمایندگان هلند بوده. به جز این تا امروز ایرانی دیگری راهی سیستم سیاسی هلند نشده.

آلمان:

مانند سوئد، ایرانی‌ها در ساختار قدرت آلمان هم نقش زیادی داشته‌اند.

جناح چپ:

۱-کاوه منصوری: او عضو حزب سوسیال دموکرات است و بعد از اینکه این دوره وارد پارلمان (پارلمان مرکزی آلمان فدرال) آلمان شد و آخر این هفته قرار است به عنوان وزیر اقتصاد و انرژی معرفی شود.

۲- پارسا مروی: او از سال ۱۹۹۹ به SPD (حزب سوسیال دموکرات آلمان) پیوست و سال ۲۰۲۱ از طریق فهرست ایالتی به بوندستاگ یا همان مجلس ملی آلمان رفت. ادامه در صفحه ۰۳

ستون پنجشنبه
دکتر امیررضا مافی

بازی ادا

سال‌های دبیرستان که بیشتر از قبل اهل خواندن، نوشتن و سینما شدم و حرف‌های گنده‌گنده فلسفی می‌زدم، «بازی» را کسر شأن متفکر و هنرمند می‌پنداشتم. بیشتر سعی می‌کردم قیافه آدم‌های اهل اندیشه را به خود بگیرم، مثل آن‌ها لباس بپوشم، به دیدن تئاتر، تماشای فیلم و کافه بروم و در حرف‌زدن نوع خاصی از لحن و تأکیدگذاری را استفاده کنم. در واقع آن روزها ادای تفکر از سلوک متفکر برایم مهم‌تر بود؛ یا بهتر است بگویم صرفاً ادا بود، چون سلوک، امر فردی، وجودی و منحصر در غلیان و جولان اندیشه است. من چند سالی بازی نمی‌کردم، در هر جمعی که آدم‌ها به بازی مشغول بودند، کنار می‌کشیدم و با ژست دانای کل، حقارت وضع بشر در اشتغال به لهوولعب را شماتت می‌کردم. به نظرم می‌رسید تمام لحظات، ساعات و آنات آدم باید به روشنفکری و گزاره‌آوردن از فلان فیلسوف و بهمان هنرمند بگذرد و آدم‌حسابی، آدم چانه‌گرم این حوزه است. بعضی از خط‌خطی‌های آن دوران را هنوز دارم و گنده‌گویی‌هایش به خنده‌ام می‌اندازد. البته تک‌وتوک اوراقی هم هستند که چیزهایی برای خود دارند و حساسیت ذهنم را نسبت به جهان نشان می‌دهند و واقعاً واجد مسئله‌اند. بااین‌حال در آن دوران «ادا» از «اندیشه» جلوتر بود. هنوز هم در جهانی که من می‌بینم ادا از اندیشه جلوتر است و چه‌بسا سبقتی گرفته که اسب اول شرط‌بندی از سایر رقبا. در جهان امروز، جهان واقعیت متورم، در میان سلبریتی‌ها و ویترین‌های شخصی شبکه‌های اجتماعی، مقبول‌تر کسی است که ادای بیشتری بلد باشد، تا آنکه حرف بهتری بزند. در واقع، ترند واقعیت، از امر واقعی جلوتر است و همه بازیگر هشتگ‌ها هستند تا بازیکن بازی‌ها. در نوجوانی و جوانی فلسفی من، دنیای بازی، نامحترم، خفیف و سخیف بود، حال‌آنکه من در بازی جهان، ادای تفکر را در می‌آوردم. تیپ و قیافه و حرف‌زدنم، برآمده از اندیشه نبود، بلکه من آن شکلی لباس می‌پوشیدم و سخن می‌راندم که متفکر بنمایم و این خود یک بازی بی‌پایان بود. من در بازی ژست‌ها و اداها غوطه می‌خوردم و فکر می‌کردم این بازی نیست و واقعیت متفکر یا هنرمند همین اطوارهاست. اما هرچه بیشتر می‌اندیشم احساس می‌کنم این از آن امور محنت‌زاست که مثلاً هنرمند، قبل از اینکه به جنون هنر دست پیدا کند، لباس مجنونان را بپوشد، از عرف جامعه دور شود و جور دیگری ادا در بیاورد، داخل بازی شود و این خود بازی در بازی است، یا اینکه به قول معروف «غوره نشده، مویز شود». من اتفاقاً با آدم‌هایی که بروزشان ـ هر چه هست ـ همراه و پابه‌پای سلوکشان است، رابطه بهتری دارم تا آدم‌های بیشماری که بابت هر چیزی ادا در می‌آورند. فرق ادا درآوردن و واقعیت یک آدم این است که اگر فرد به این فکر کند که مثلاً چه لباسی بپوشد که هنرمندتر به نظر بیاید، یا چگونه رفتار کند که متفکر پنداشته شود، یعنی آگاهی‌اش را در مسیر چگونگی ابراز و اظهارش قرار دهد، ادایش از تفکرش جلوتر است. اما اگر آدمی ناخودآگاه و بی‌فکر لباس بپوشد، حرف بزند و خودش باشد ولو همان شکل دیگری، قابل پذیرش خواهد بود. ادا یکی از مهم‌ترین آسیب‌های هر خاستگاه اندیشه و هنری است. ادا باعث می‌شود که امر حقیقی پشت بازی واقعیت که خود یک بازی در ساحت بزرگ‌تر است گم شود. ادا موجب می‌شود که دیگر چیزی از معنا باقی نماند و بازیگری جای واقعیت را بگیرد. کاش می‌دانستیم که چقدر بازی خوب است و چه اندازه باید بازی کرد. بازی را در دنیای جدی وارد نمی‌کنی، آغاز و پایانش معلوم است و قبل و بعد دارد. اما بازی ادا، همواره است و موجب جدایی خودت از واقعیت و بعدتر خودت از خودت می‌شود. امروز معتقدم آدم‌هایی که اهل جهان بازی هستند، از آدم‌هایی که درگیر بازی جهان‌اند خیلی جلوترند و کاش ما از دسته اول بودیم: بدون اداواطوار بیخودی!

حقایق و افسانه‌ها درباره نات کوین

داستان بیت کوین تکرار می‌شود یا چشم و انگشت‌مان را قربانی می‌کنیم؟

گروه بازار | تب نات‌کوین به دفتر کوچک و صمیمی هفت‌صبح رسیده. بابک و مهرداد دو تایی هرکدام پشت میزشان کز کرده‌اند و تند تند چیزی را روی صفحه گوشی خود لمس می‌کنند. مقاومتم برای نادیده گرفتن نات‌کوین شکست خورده و باید درباره آن چیزی بنویسیم. اما چی؟ نات‌کوین چیست و چطوری توانسته ظرف مدتی کوتاه این‌طوری از ناکجاآباد ظاهر شود، پست‌های اینستاگرامی را اشغال کند و مرزها را یکی‌یکی پشت‌سر بگذارد؟ تقریبا از یک‌هفته پیش همه درباره ارز دیجیتال جدید حرف می‌زنند و وارد هرجایی که می‌شوید یکی دو نفر مثل ربات انگشت‌شان را به سرعت روی یک مثلث طلایی روی صفحه موبایل فشار می‌دهند. آدم احساس می‌کند اگر تنها یک ثانیه دست از کار بکشند، هیولایی از گوشی بیرون می‌آید و جهان به پایان می‌رسد. مهرداد می‌گوید با لینک من وارد شو که ۲۵ هزار نات‌کوین بگیرم. بابک بدون اینکه سرش را از گوشی بیرون بکشد، می‌گوید این یکی را هم شکار کردی؟ نفر بعدی باید با لینک من وارد شود. می‌پرسم چند تا نات‌کوین دارید. مهرداد همین‌طور که تند تند روی صفحه گوشی کلیک می‌کند، می‌گوید ۷۵ هزار تا!

۱ بازی نات‌کوین در تلگرام یکی از موضوعات پرسروصدا بین کاربران شبکه‌های اجتماعی و فعالان بازار ارز دیجیتال است. نات‌کوین در اصل رباتی تلگرامی است که در آن کاربران می‌توانند به ازای هر بار ضربه زدن به صفحه نمایش، یک سکه به اندوخته‌های خود اضافه کنند. به‌شکل خنده‌داری اسم این کار را گذاشته‌اند استخراج! چون کل بازی در فضای تلگرام انجام می‌شود بعضی‌ها به خود تلگرام نسبتش داده‌اند و اعتقاد دارند با یکی از میم‌کوین‌های مشهور بعدی دنیا سروکار داریم که می‌تواند یک‌شبه کلی آدم را غنی و ثروتمند کند. گروهی دیگر به ماجرا مشکوک هستند. عده‌ای آن را مضحک می‌دانند و در عوض دسته‌ای می‌گویند کل پروژه نات‌کوین، کلاهبرداری است.

۲ نات‌کوین، بازی مبتنی بر تلگرام است. ساده به‌نظر می‌رسد. هرجا هستید می‌توانید گوشی را روشن کنید، فیلترشکن بزنید، ربات تلگرامی را احضار کنید و مثل دیوانه‌ها تند تند روی صفحه کلیک کنید تا امتیازتان بالا برود. خیره‌شدن زیاد به صفحه گوشی احتمالا پدر چشم‌هایتان را درمی‌آورد. گردنتان حتما بعد از مدتی دچار اسپاسم خواهد شد و اگر اهل افراط و تفریط هستید شاید کار به جاهای باریک بکشد. کلی آدم همین الان روی کره خاکی دارند تمام این دردسرها را به‌جان می‌خرند تا شاید وعده پولدار شدن با نات‌کوین محقق شود. دوباره به اول پاراگراف بروید و این‌بار بخوانید نات‌کوین فقط یک بازی مبتنی بر تلگرام نیست. کسانی که به نات‌کوین اعتیاد پیدا کرده‌اند، می‌گویند نات‌کوین می‌خواهد در آینده یک ارز مجازی باشد و هر سکه‌ای که با کلیک کردن به‌دست آورده‌اید، در آن زمان حکم یک توکن را ایفا خواهد کرد.

۳ در حال حاضر تنها راه استخراج و دریافت نات‌کوین از طریق ربات تلگرامی رسمی نات‌کوین است و امکان خرید و فروش آن وجود ندارد. استخراج نات‌کوین براساس روش‌های ماینینگ متداول انجام نمی‌شود. ادامه در صفحه ۰۶

چین به دنبال پادرمیانی است

آیا بحران میان تهران و اسلام آباد شکل گرفته است؟

ایران سه‌شنبه‌شب حملاتی پهپادی و موشکی به اهدافی در پاکستان انجام داد. این حمله پس از آن صورت گرفت که ایران دوشنبه‌شب هم اهدافی را در اربیل و سوریه کـه مرتبط با تروریست‌ها بود، هدف قرار داده بود. به گفته مقام‌های محلی، حمله موشکی و پهپادی ایران به منطقه «کوه سبز» در نزدیکی شهر پنجگور در بلوچستان پاکستان بوده است. حمله موشکی و پهپادی ایران در داخل خاک پاکستان، در حالی صورت گرفت که وزیر خارجه ایران در نشست اخیر اتحادیه دولوی در سوئیس با نخست‌وزیر موقت پاکستان دیدار دوستانه‌ای داشت.

ایران اعلام کرده مقرهای گروهک تروریستی جیش‌الظلم یا همان جیش‌العدل را در دو موج، اماج حمله قرار داده است. در موج نخست این حملات، دو پایگاه این گروهـک در منطقه کوه سبز بلوچستان پاکستان توسط موشک و پهپاد هدف قرار گرفت. در موج دوم این حملات موشکی و پهپادی، پایگاه‌های دیگری از این گروه در نزدیک شهر تربت در بلوچستان پاکستان هدف قرار گرفت و منهدم شد. ایران در سال‌های اخیر بارها از دولت پاکستان خواسته یا تروریست‌ها در این مناطق برخورد کند و این کشور بستر سازماندهی و عملیات علیه ایران نشـود. ایـن گروهک در سال‌های اخیر در مرز با ایران عملکاتی را ایجاد کرده بودند. حملات این گروهک به راسک در روز ۲۴ آذرماه امسال باعث شهادت ۱۱ مامور پلیس و زخمی شدن هشت نفر دیگر شد. این عملیات مسلحانه و تروریستی توسط گروه جیش‌الظلم به انجام رسید.

واکنش پاکستان چه بود؟

گاف جیش‌العدل

گروه تروریستی جیش‌العدل که در اطلاعیه اول خود از هدف قرار گرفتن منازل جنگجویان این گروه در خاک پاکستان خبر داده بود، احتمالا با تذکر مقامات پاکستانی در صدد ترمیم این گاف برآمد و با انتشار اطلاعیه دوم، نوشت که موشک‌ها از خاک ایران منحرف شـده و به پاکستان اصابت کردند. در این اطلاعیه آنها به آسیب‌های وارده به تشـکیلات خود اشاره‌ای نکرده‌اند. همزمان با ایـن ماجرا، دولت چین از ایران و پاکستان خواست که خویشتنداری کنند و اقداماتی انجـام ندهند که منجر به تشـدید تنش‌ها شود.

تماس تلفنی از راه‌دور

حسـین امیرعبداللهیـان وزیر چهارشـنبه در حالی که در کنفرانس داووس شـرکت داشـت با وزیر خارجه پاکسـتان تلفنـی تماس گرفت تلفنی حسین امیرعبداللهیان وزیر امور خارجه کشـورمان با آقای جلیل عباس جیلانی، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی پاکستان، طرفین درخصوص آخریـن وضعیت روابـط دوجانبه گفت‌وگو و تبادل نظر کردند.

امیرعبداللهیان با تاکید بر احـترام جمهوری اسلامی ایران به حاکمیت و تمامیت ارضی کشور دوست، برادر و همسایه پاکستان گفت حاکمیت و تمامیت ارضی پاکستان قویا مورد توجه ماست. وزیر امور خارجه کشـورمان خاطرنشـان کرد جلسه مشترک ما با نیروی هوایی به پایان رسید و گزینه‌های پاسـخ لازم به ایران در این جلسه مورد بررسـی قرار گرفـت. گزارش‌های محلی حاکی اسـت که پهپادهای شناسایی نیروهای سپاه پاسداران ایران در ارتباط مورد حمله قرار گرفته شده. منظور از این فرد، سعدالله زاهدی است که تا قبل از این سال‌ها در ترکیه بود و اگر هنوز در این کشور باشد، به زودی به ایران دیپورت می‌شـود. اما ایـن فرضیه احتمـالا راه به جایی نمی‌برد چرا که همکار اصلی سعدالله، یعنی فرشـید که فرزند اوست، سـاکن کاناداسـت و احتمالا خود سعدالله هم خیلی وقت اسـت از این کشور خارج شده.

شهادت فرمانده سپاه سراوان

چهارشـنبه سـرهنگ پاسـدار حسـینعلی جاودان فرجانشـین فرمانده سپاه سراوان در بازگشـت از مأموریت اداری بود، مورد اصابت گلوله قرار گرفت و به شهادت رسید.

سپاه سلمان استان سیسـتان و بلوچستان به نام سرهنگ پاسدار حسینعلی جاودان‌فر که در بازگشـت از مأموریت اداری بود، در جاده خاش به زاهدان مورد اصابت گلوله قرار گرفت و به شهادت رسـید. در ساعات اولیه تعدادی از گمانه‌زنی‌ها خبر از دست داشتن تروریست‌های جیش‌العدل در این حمله می‌داد. برخی از رسانه‌ها مدعی شدداند دو نفر دیگر هم به همراه سرهنگ جاودان‌فر به شهادت رسیده‌اند.

امنیت ایران بارها توسط این گروهک تروریستی ایرانی از خـاک پاکسـتان مورد تهدید قرار گرفته و این گروهک بارها مسـئولیت اقدامات تروریستی در خاک ایران را به‌عهده گرفته است. امیرعبداللهیان افزود عملیات ضدتروریستی نیروهای مسلح جمهوری اسـلامی ایران، علیه این گروهک تروریسـتی ایرانی بوده و هیچ‌یک از اتباع پاکسـتانی در این عملیات مورد حمله قرار نگرفته‌اند.

وزیر امور خارجه پاکسـتان تاکید کرد، امنیت ایران نیز امنیت پاکستان است و هرگاه تهدیدی در خاک پاکسـتان علیه جمهوری اسلامی ایران وجود داشته، دولت پاکسـتان علیه آن اقدام کرده است. از طرف ایران خواست اطلاعات مربوط به گروه‌های تروریسـتی در خاک پاکسـتان را به گروه‌های تروریسـتی در خاک پاکسـتان توسط نیروهای پاکستان انجام شود.

از داووس چه می دانیم ؟

مهسا مژدهی | داووس شهر کوچکی در سوئیس است که تا سال ۱۹۷۱ تنها به عنوان یک پیست اسکی ساکت و آرام شناخته می‌شد. هر چند این شهر در اطراف رشته‌کوه مشهور آلپ قرار گرفته اما تا قبل از دهه هفتاد فقط برای اسکی‌بازان اهمیت داشت. تا اینکه در سال ۱۹۷۱ مبلادی یک اقتصاددان آلمانی به نام «کلاوس شواب» تصمیم گرفت در گوشه‌ای دور از هیاهوی سیاسیون، جایی برای جمع شدن رهبران اقتصادی و سرمایه‌داران اروپایی پیدا کند. این گردهمایی کمی بعد به نشست داووس تبدیل شد و تنها محدود به کشورهای اروپایی نماند. رویدادهای سال ۱۹۷۳ میلادی از جمله جنگ اعراب و اسرائیل باعث شد که اجلاس داووس به جای تمرکز بر مسائل مدیریتی، نگاه خود را به مشکلات سیاسی و اقتصادی و امنیتی روز معطوف کند و یک‌سال بعد، برای اولین‌بار رهبران سیاسی جهان به داووس دعوت شدند. داووس از دولت یازدهم به این سو برای ایران اهمیت زیادی پیدا کرد. می توان گفت در کنار شانگهای، داووس یکی از مهم‌ترین نشست‌هایی است که ایران اغلب به آن دعوت شده و مقاما تش نماینده‌ها را از دست نمی‌دهند. فرصت داووس، برای همه کشورهای جهان یک امکان استثنایی را فراهم می کند. مثلا جوادظریف در داووس به گفت‌وگو با کشورهای ۱+۵، با جان کری و وزیر خارجه آمریکا نشست. در داووس اغلب کشورها تلاش می کنند تا نظر سرمایه‌گذاران را به خود جلب کنند. از آنجایی که تهران تحت تحریم‌های شدید بین‌المللی قرار دارد، استفاده از این امکان برای تیم وزارت خارجه چندان کار آسانی نیست. تعداد کشورهایی که بتوانند با ایران به‌دور از تحریم‌ها و تنبیه تجارت داشته باشند، اندک هستند. با این حال حضور مقامات ایرانی در داووس، حتی در شرایطی که سرمایه‌گذاری خارجی بسیار سخت به‌نظر می‌رسد، نشان دادن این امر است که تهران قصد کناره‌گیری از اقتصاد جهان را ندارد.

در نشست اخیر که حسین امیرعبداللهیان مهمان آن بود، وزیر خارجه کشورمان در دیگر از تریبون یکی از مهم‌ترین اجلاس‌های بین‌المللی اعلام کرد ایران آمادگی لازم برای احیای برجام را دارد. اینکه خواسته‌های ایران تا چه اندازه در فضای پرتشویش بین‌المللی و در وضعیتی که بایدن وقت زیادی در کاخ سفید ندارد، مورد توجه قرار گیرد، امری جداگانه به حساب می‌آید اما حضور در نشستی با اهمیت داووس و سخن گفتن از احیای برجام می تواند پیام مشخصی را به جهان صادر کند که می‌گوید ایران قصد منزوی شدن را ندارد.

کنفرانس داووس مانند مونیخ یک کنفرانس امنیتی نیست. اما هر ساله مسائل مرتبط با امنیت کشورها هم در آن مطرح می‌شود. در شرایطی که ایران به تازگی یک حمله تروریستی خونبار را پشت سر گذاشته، مشارکت سیاسی و دیدارها با مقامات کشورهای دنیا و نزدیک می‌تواند تهران را در شرایط بهتری قرار بدهد.

گزارش روز

سرشبکه قمار دیپورت می‌شود؟

یک نماینده مجلس ترکیه می‌گوید شهروندی سعدالله امیرشقاقی سلب شده است

«این صفحه رو بکش بالا و وارد سایت شو» تا سال پیش این یکی از روش‌های رایج کلاهبرداری شـاخ‌های مجازی در اینستاگرام بود. همان افراد عجیب غریبی که معمولا ترکیه ساکن بودند، بـا رفتارهـای هنجارشـکنانه فالوور می‌گرفتند و با تبلیغ سایت‌های قمار و شرط بندی پول روی پای می‌گذاشتند. حالا شهروندی سرشـبکه اصلی این سـایت‌های قمار کـه بـا بـسیاری از سـلبریتی‌های ایرانـی در ارتباط بود گرفته شد. منظور از این فرد، سعدالله امیرشقاقی است که تا قبل از این ساکن ترکیه بود و اگر هنوز در این کشور باشد، به زودی به ایران دیپورت می‌شـود. اما ایـن فرضیه احتمـالا راه به جایی نمی‌برد چرا که همکار اصلی سعدالله، یعنی فرشـید که فرزند اوسـت، سـاکن کاناداسـت و احتمالا خود سعدالله هم خیلی وقت اسـت از این کشور خارج شده.

خبر از کجا آمد؟

ایـن خبر مهـم را دیـروز یکـی از نماینده‌های مجلس ترکیه در توئیتر نوشت. «ادم تاشکایا» از چند سال قبل به دنبال بازداشت شـاخ‌های مجازی بـا رفتارهـای هنجارشـکنانه یـا و بدوفحـاشی هنجارشـکنانه یـا عکس‌هـای جملـی اول فالوئـر می‌گرفتند و بعد سایت‌های خودشان را تبلیغ می‌کردند. حتی بسـیاری از سلبریتی‌های سـینما و موسیقی هم گاهی تبلیغ آنهـا را می‌کردند. برای مثال شـادمهر، یا برخی از ریپرها این سـایت‌ها را اسـتوری کرده و از نفوذ اجتماعی‌شان به نفع تبلیغات استفاده می‌کردند. ان وقت مخاطبانشـان که اغلب نوجوانان هستند، جذب سایت‌ها می‌شـدند و به روش‌های مختلف مثل شـرط بندی، بازی یا... پول را حسابشان خارج می‌کردند. پول کجا می‌رفت؟ از طریق این سایت‌ها وارد سایت مادر (متعلق به امیرشقاقی‌ها) امیرشـقاقی‌ها با شـاخ‌های مجازی ارتبـاط می‌گرفتند و سـایت آنهـا را طراحی می‌کردند.

بـا رفتارهـای عجیـب و نامتعارف و بدوفحـاشی هنجارشـکنانه یـا عکس‌هـای جملـی اول فالوئـر می‌گرفتند و بعد سایت‌های خودشان را تبلیغ می‌کردند. حتی بسـیاری از سلبریتی‌های سـینما و موسیقی هم گاهی تبلیغ آنهـا را می‌کردند. برای مثال شـادمهر، یا برخی از ریپرها این سـایت‌ها را اسـتوری کرده و از نفوذ اجتماعی‌شان به نفع تبلیغات استفاده می‌کردند. ان وقت مخاطبانشـان که اغلب نوجوانان هستند، جذب سایت‌ها می‌شـدند و به روش‌های مختلف مثل شـرط بندی، بازی یا... پول را حسابشان خارج می‌کردند. پول کجا می‌رفت؟ از طریق این سایت‌ها وارد سایت مادر (متعلق به امیرشقاقی‌ها) می‌شـد آن وقت هرکـدام از اعضا به سبک شبکه‌های هرمی، سهم خود را از هر تراکنش برداشت می‌کردند و سود خود را می‌گرفتند.

سعدالله که بود؟

سـعدالله تا امـروز خود را بـه عنوان پزشـک، دندانپزشـک، مدیر آژانس مدلینگ و تاجـر معرفی کرده. اینطور که نماینده مجلس ترکیـه می‌گوید به همه این‌ها اتهام‌هـای تجارت مواد مخدر را هـم باید اضافـه کنیم. همه این اتهام‌ها را و تبدیل بـه مرد هزار چهره کرده اسـت. فرزند او فرشید نام دارد که فرشید متولد ۱۳۷۴ است و از ۱۶ سـالگی به کانادا مهاجرت کرده. او در این کشـور آتی خوانده و تا امروز با پرداخت پول‌های هنگفت چند دیپ با رهبرهای معروف منتشر کرده. این پدر و پسر هر از گاهی فلط عکسی از زندگی مجلل خود یا پول‌های سایت‌های قمار و شرط بندی پست یا استوری می‌کردند. اما مثل شاخ‌های مجازی، خیلی وارد جنجال‌های نمایشـی اینستاگرامی نمی‌شدند. قبل از این هم دیپورت‌هایی این سر شبکه مشخص بودند اما وقتی روش دیگر بعد از اجـرای شـدن رمز پویا کنار گذاشته شـد. در روش دوم کاربر پولی برنده می‌شـد اما سـایت ناگهان اکانـت او را مـی‌بسـت یا کلا ادمین‌ها جواب او را نمی‌دادند و مثلا به بهانه‌های مختلفی مثل تکراری بودن، که ملی او را دسـت‌به‌سـر می‌کردند. یا یک روش دیگر این بود که کلا دامین سـایت را عوض می‌کردند. یعنی انگار اصلا سـایتی وجود نداشـته که شما ادعایتان را مطرح کنید.

نحوه کارکرد سایت‌های قمار

گاهـی بـه روش سـاده فیشـینگ اطلاعات حساب مشتری را می‌گرفتند و جیبش را خالـی می‌کردند که این میلاد حاتمی بازداشت شد و روی تخته نوشـتن اختصاری اسامی‌شان نبود. ساشا سبحانی از مهره‌های اصلی بود. سجـال، خلسـه، لینو رپ‌های دیگری بودند که حاتمی اسامی آنها را به عنوان مهره‌های دیگر این سایت‌ها اعلام کرد. داوود هزینه و ندا یاسـی و علیشمس هم باید به این اسامی افزود. سایت این افراد چطور کار می‌کرد؟

نحوه کارکرد سایت‌های قمار

گاهـی بـه روش سـاده فیشـینگ اطلاعات حساب مشتری را می‌گرفتند و جیبش را خالـی می‌کردند که این روش‌ها با شـاخ‌های مجازی و بدوفحـاشی هنجارشـکنانه یـا عکس‌هـای جملـی اول فالوئـر می‌گرفتند و بعد سایت‌های خودشان را تبلیغ می‌کردند. حتی بسـیاری از سلبریتی‌های سـینما و موسـیقی هم گاهی تبلیغ آنهـا را می‌کردند. برای مثال شـادمهر، یا برخی از ریپرها این سـایت‌ها را اسـتوری کرده و از نفوذ اجتماعی‌شان به نفع تبلیغات استفاده می‌کردند. ان وقت مخاطبانشـان که اغلب نوجوانان هستند، جذب سایت‌ها می‌شـدند و به روش‌های مختلف مثل شـرط بندی، بازی یا... پول را حسابشان خارج می‌کردند. پول کجا می‌رفت؟ از طریق این سایت‌ها وارد سایت مادر (متعلق به امیرشقاقی‌ها) می‌شـد آن وقت هرکـدام از اعضا به سبک شبکه‌های هرمی، سهم خود را از هر تراکنش برداشت می‌کردند و سود خود را می‌گرفتند.

سعدالله که بود؟

سـعدالله تا امـروز خود را بـه عنوان پزشـک، دندانپزشـک، مدیر آژانس مدلینگ و تاجـر معرفی کرده. اینطور که نماینده مجلس ترکیـه می‌گوید به همه این‌ها اتهام‌هـای تجارت مواد مخدر را هـم باید اضافـه کنیم. همه این اتهام‌ها را و تبدیل بـه مرد هزار چهره کرده اسـت. فرزند او فرشید نام دارد که فرشید متولد ۱۳۷۴ است و از ۱۶ سـالگی به کانادا مهاجرت کرده. او در این کشـور آتی خوانده و تا امروز با پرداخت پول‌های هنگفت چند دیپ با رهبرهای معروف منتشر کرده. این پدر و پسر هر از گاهی فلط عکسی از زندگی مجلل خود یا پول‌های سایت‌های قمار و شرط بندی پست یا استوری می‌کردند. اما مثل شاخ‌های مجازی، خیلی وارد جنجال‌های نمایشـی اینستاگرامی نمی‌شدند. قبل از این هم دیپورت‌هایی این سر شبکه مشخص بودند اما وقتی روش دیگر بعد از اجـرای شـدن رمز پویا کنار گذاشته شـد. در روش دوم کاربر پولی برنده می‌شـد اما سـایت ناگهان اکانـت او را مـی‌بسـت یا کلا ادمین‌ها جواب او را نمی‌دادند و مثلا به بهانه‌های مختلفی مثل تکراری بودن، که ملی او را دسـت‌به‌سـر می‌کردند. یا یک روش دیگر این بود که کلا دامین سـایت را عوض می‌کردند. یعنی انگار اصلا سـایتی وجود نداشـته که شما ادعایتان را مطرح کنید.

تصویری از حضور محبا دهقانی سرباز سرنیال مستوران ۲ در خبرگزاری دولتی ایرانا

۸ آزمون این گونه برای وداع مورینیو با تیم رم استوری گذاشته است.

۸ پیمان جبلی رئیس سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران شامگاه سه‌شنبه ۲۶ دی ۱۴۰۲ از پشت صحنه برنامه تلویزیونی حسینیه معلی بازدید کرد.

گالری

خرای بابا

استوری جدید گلزار در پیست اسکی را می‌بینیم.

۸ احمدرضا عابدزاده که در شبکه‌های اجتماعی حضور فعالی دارد و معمولا ویدئوها و عکس‌هایی از تمرینات انفرادی و آمادگی بدنی بالای خود به اشتراک می‌گذارد، در سکوت این روزها در آمریکا به سر می‌برد. او در یکی از آکادمی‌های کالیفرنیا مشغول به مربیگری است و حالا از این موضوع عکس و ویدئوهایی منتشر شده است.

۷ جشنواره آدم برفی در اردبیل سرد و سپید

تصویری از حضور محبا دهقانی سرباز سرنیال مستوران ۲ در خبرگزاری دولتی ایرانا

۸ آزمون این گونه برای وداع مورینیو با تیم رم استوری گذاشته است.

تصویری از حضور محبا دهقانی سرباز سرنیال مستوران ۲ در خبرگزاری دولتی ایرانا

دیپلماسی

نگاهی به روابط تاریخی ایران و پاکستان

از زمان تشکیل کشور مسـتقل پاکستان در سال ۱۹۴۷، تهران و اسلام‌آباد روابط حسنه‌ای با یکدیگر داشته‌اند. وجود مرز مشترک طولانی و همچنین اشتراکات فرهنگی و دینی می‌تواند زمینه مهم‌ترین نقش‌آرایی مذکور، باوجود اینکه پاکستان از متحدان اتلات متحده در منطقه به حساب می‌آید اما دو کشور روابط خوب خود را پس از انقلاب اسلامی هم حفظ کردند.

مشهد و لاهور از مهم‌ترین شهرهای پاکستان با یکدیگر خواهرخوانده‌اند و اگر گذارتان به کتاب پارسی تا پاریز نوشته باستانی پاریزی خورده باشد، از قول او شـنیده‌اید که در جیان‌های شـهری که اقبال لاهوری را در خود پرورانده زبان فارسی از چه اندازه کاربرد دارد. از طرف دیگر از مهم‌ترین چهره‌های تاریخ پاکسـتان ایرانی به حساب می‌آیند. همین ذوالفقار علی بوتو نخسـت‌وزیر فقید و مشـهور پاکسـتان، نصرت بوتو که خود چهره‌ای شناخته شده در تاریخ این کشور اسـت اصلیتی اصفهانی داشت. با این حساب نسب بی‌نظیر بوتو، دختر این دو و نخسـت‌وزیر پیشین پاکستان هم به ایران می‌رسد.

ایران و پاکستان در سـه سـال گذشته سطح همکاری‌های خود را گسـترش داده بودند و روابط این دو در روزهای خوشش به سر می‌برد. البته دو طرف همیشه با مسـائل مرزی رو به رو بوده‌اند.

وجود مرزی طولانی بین ایران و پاکسـتان و دسترسی محدود دولت مرکزی اسلام‌آباد به دیگر مردم این مناطق صعب‌العبور باعث شـده تا فرصت برای گروه‌های تروریسـتی فراهم باشد. این گروه‌های تروریسـتی عامل جنایات بسیاری در ایران به حساب می‌آیند.

اسلام‌آباد پس از هر حمله قول همکاری‌های امنیتی با ایـران را مطرح می‌کنـد. اما عملا این اتفـاق نمی‌افتد. از آنجایی که دسـتگاه ارتش و دسـتگاه امنیتی در پاکسـتان تا حد زیادی مستقل از دولت عمل می‌کنند، برخی از مقامـات معتقدند شیطنت آنها هم در بروز روابط این دو در روزهای خوشش بی‌تاثیر نبوده. البته دو طرف همیشـه با مسـائل مرزی رو به رو بوده‌اند.

وجود مرزی طولانی بین ایران و پاکسـتان و دسترسی محدود دولت مرکزی اسلام‌آباد به دیگر مردم این مناطق صعب‌العبور باعث شـده تا فرصت برای گروه‌های تروریسـتی فراهم باشد. این گروه‌های تروریسـتی عامل جنایات بسیاری در ایران به حساب می‌آیند.

اسلام‌آباد پس از هر حمله قول همکاری‌های امنیتی با ایـران را مطرح می‌کنـد. اما عملا این اتفـاق نمی‌افتد. از آنجایی که دسـتگاه ارتش و دسـتگاه امنیتی در پاکسـتان تا حد زیادی مستقل از دولت عمل می‌کنند، برخی از مقامـات معتقدند شیطنت آنها هم در بروز روابط این دو در روزهای خوشش بی‌تاثیر نبوده. البته دو طرف همیشـه با مسـائل مرزی رو به رو بوده‌اند.

مورد عجیب قتل برسر جای پارک!

آدمکشی بر سر این موضوع کوچک ترند حوادث شده است!

سارا غضنفری
هفت صبح

شاید وقتی متهم اعتراف می‌کند به دلیل جای پارک خودرو دست به قتل زده است دود از کله‌تان بلند شـود که این دیگر چه بود، مگر قتل‌ها به برنامه‌ریزی و خشـم و خصم و کینه نبود؟ آخر آدم سر جای پارک هم قتل می‌شود؟ و پاسـخ بله است و شاید باید به این موضوع اشـاره کرد که در روزگاری که سر می‌بریم طاقت کم شـده، صبوری به پایین‌ترین شکل ممکن خود رسیده و ممکن است یکی وسـط خیابان دعوا یا سختی در ترافیک در حالی که همه دارند بیشـتر سرش بوق می‌زنند جای پارک پیدا کند و در حالی که سعی می‌کند دنده عقب دارد پارک شود رسید. سیدذهم آذرمسال، در پی اعلام مرکز فوریت‌های پلیسـی ۱۱۰ مبنی بر مرتع منجر به جرح ۲نفر در منطقه پونل، پیگیری موضوع در دستور کار پلیس قرار گرفت. با حضور مأموران انتظامی در محل حادثه و بررسی‌های صورت گرفته مشـخص شـد، ضارب به دلیل جای پارک خودرو با مردی ۵۶ ساله درگیر شده و پس از هل دادن و نزاع این فرد را مجروح کرده است. فرد مجروح پس از انتقال به بیمارسـتان فوت کرد. متهم ۴۷ ساله ۳۰ دقیقه بعد از قتل دسـتگیر شـد و علت قتل را دعوا بر سر جای پارک خودرو اعلام کرد.

قتل همسایه در اصفهان

رئیس پلیس آگاهی فرماندهی انتظامی استان اصفهان از شناسـایی و دسـتگیری فردی که با قتل جای پارک خودرو، همسـایه خود را به قتل رسـانده بود خبر داد. روز چهارشـنبه بیسـتم دی ماه یکـی از شـهروندان با مرکز فوریت‌های پلیسـی ۱۱۰ فرماندهی انتظامی استان اصفهان تماس گرفته و از نزاع و درگیری شدید بین دو شـهروند خبر می‌دهد که واحد گشـت پلیس در محل حضور یافته و مشاهده می‌کند مردی ۳۵سـاله بر اثر ضربات متعدد چاقو به قتل رسیده و قاتل نیز از محل متواری شده است. با کشته شـدن این شهروند، تیمی تیمی زبـده از کارآگاهـان اداره دهم پلیس آگاهی قرار گرفت. کارآگاهان در گام نخسـت پلیس تحقیقات در این خصوص را آغاز کردند. در بررسی‌های علمی و تخصصی صورت گرفته توسط کارآگاهان مشخص شد قاتل و مقتل هر دو با هم همسایه بوده که همسایه بر سر جای پارک خودرو با هم اختلاف داشتند و روز حادثه نیز به همـین دلیل با هم درگیر شـده بودند. متهم بعد از چهار روز توسط مأموران دستگیر شـد. متهم در اعترافاتش گفت: در روز حادثه همسـایه‌ام مانند همیشه بر سـر جای پارک خودرو با من درگیر شده و شروع به گفتن ناسزا و کلمات رکیک کرد و من هم که دیگر تحمل شنیدن حرف‌هایش را نداشتم و خونم به جوش آمده بود چاقوی ضامن‌داری که بیشتر اوقات در جیبم بود را در آورده و چند ضربه به او زدم و پس از آن به سـرعت محل را ترک کرده و به ترمینال رفتم و سـریعا بلیتی به مقصد استان قزوین گرفتم تا در منزل اقوامم پنهان شـوم که تنها چند روز بعد مأموران پلیس آگاهی به سراغم آمدند و دستگیرم کردند.

درگیری مرگبار در رفسنجان

مردی ۵۶سـاله در درگیری برای جای پارک خودرو در منطقه پونل شهرسـتان رفسنجان واقع در شهرسـتان تالش در شمال ایران به قتل رسید. سیدذهم آذرمسال، در پی اعلام مرکز فوریت‌های پلیسـی ۱۱۰ مبنی بر مرتع منجر به جرح ۲نفر در منطقه پونل، پیگیری موضوع در دستور کار پلیس قرار گرفت. با حضور مأموران انتظامی در محل حادثه و بررسی‌های صورت گرفته مشـخص شـد، ضارب به دلیل جای پارک خودرو با مردی ۵۶ ساله درگیر شده و پس از هل دادن و نزاع این فرد را مجروح کرده است. فرد مجروح پس از انتقال به بیمارسـتان فوت کرد. متهم ۴۷ ساله ۳۰ دقیقه بعد از قتل دسـتگیر شـد و علت قتل را دعوا بر سر جای پارک خودرو اعلام کرد.

قتل به خاطر جای پـارک در مرکز شهر تهران

۲۷ آبان امسـال، رئیس پلیس آگاهی تهران بزرگ از قتل یک مرد ۳۵ ساله پس از درگیری به‌خاطر جای پـارک در تهران خبـر داد. در پی وقوع یک فقره قتل در مرکز شـهر تهران، موضوع رسـیدگی به این پرونده در دستور کار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی قرار گرفت. کارآگاهان در گام نخسـت با تن پیمایی جسد مقتول یک جراحت عمیق روی سینه سـمت چپ او مشـاهده کردند. کارآگاهان در تحقیقات میدانی و اطلاعاتی از محل وقوع جرم دریافتند، مقتـول و قاتل هر دو یکی از باشگاه‌های ورزشـی مرکز شهر تهران هستند و هر دو هم اختلاف داشتند و روز حادثه نیز به همـین دلیل با هم درگیر شـده بودند. متهم بعد از اعتراف به قتل، با انگیزه دفاع از خود به پارکینگ مراجعه و در آنجا به دلیل درگیری لفظی به‌خاطر جای پارک با یکدیگر در گیری فیزیکی انجـام داده و قاتل بـا زدن یک ضربه چاقو به سینه مقتول از محل متواری می‌شود. متهم در بازجویی‌های اولیـه با وجود مدارک و مسـتندات از ارتکاب جرم، صراحتا به قتل مرد ۳۵ساله اقرار کرده و گفت که در باشگاه با مقتول تمرین می‌کردیم و وی را می‌شناختم. پس از تمرین در پارکینگ با موتورسیکلت قصد خروج از پارک داشتم که مقتول از روی موتور خودش یک ضربه به موتور من زد و همانجا از زد که روی زمین افتادم و بیهوش شدم و وقتی به هوش آمدم نمی‌دانستم گذشته چه و میثم را به بیمارسـتان منتقل کردم منجر به قتل او شـود و سریعا از محل متواری شدم.

جنایت در سیرجان

درگیری سـه جوان با یک فرد سـالخورده در سـیرجان بر سـر جای پارک خودرو با قتل مرد سـالخورده روسـتایی به پایان رسید و بدین ترتیب باز هم آسـتانه تحمـل پایین به جنایتی هولناک کشـید. فرمانـده انتظامی جدید سیرجان در نخسـتین روز کاری‌اش از شناسایی و دستگیری قاتل فراری در عملیات ضربتی خبر داد. سرهنگ پاسدار حسـین فرهی در حالی جزییات خبری منتشـر کرد که فقره قضایی، رئیس دادگسـتری تهران و مدیرعامل فوه قضائیه تاکید کرده دو پیمان جدی نشـود. این دو جوان ۳۰جوان و یک مرد سـالخورده در یکی از روسـتاهای شهرستان سیرجان در تیر ماه امسال و بر قاتل از صحنه جنایت، بررسی موضوع به صورت ویژه در دستور کار کارآگاهان دایره مبـارزه با جرایم جنایـی پلیس آگاهی سیرجان قرار گرفت. کارآگاهان پلیس آگاهی با انجـام اقدامات پلیسـی و اطلاعاتی قاتل را شناسایی کردند و با هماهنگی مرجع قضایی در عملیاتی غافلگیرانه وی را در یکی از استان‌های جنوبی به دام انداختند. متهـم در ابتدا منکر شـد، اما در مواجهه بـا دلایل و مدارک موجود، به ارتکاب قتل اعتراف کرد.

قتل پسر ۲۶ساله بر سر جای پارک

۱۶ تیـر امسـال درگیری خونین بین چند نفر به مأموران کلانتری نسیم شـهر گزارش شد و مأموران بـه محل درگیـری رفتند و پس از بررسی‌های اولیه مشخص شد که درگیری بر سر جای پارک خودرو بوده و در جریان آن پسر ۲۶سالـه‌ای به نام میثم از سوی مرد همسایه به نام اکبر چالوخرده به بیمارستان منتقل شده و دیگری هم حضور داشتند.

شهادت فرمانده سپاه سراوان

چهارشـنبه سـرهنگ پاسـدار حسـینعلی جاودان‌فر جانشـین فرمانده سپاه سراوان در بازگشـت از مأموریت اداری بود، مورد اصابت گلوله قرار گرفت و به شهادت رسید.

سپاه سلمان استان سیسـتان و بلوچستان به نام سرهنگ پاسدار حسینعلی جاودان‌فر که در بازگشـت از مأموریت اداری بود، در جاده خاش به زاهدان مورد اصابت گلوله قرار گرفت و به شهادت رسـید. در ساعات اولیه تعدادی از گمانه‌زنی‌ها خبر از دست داشتن تروریست‌های جیش‌العدل در این حمله می‌داد. برخی از رسانه‌ها مدعی شدداند دو نفر دیگر هم به همراه سرهنگ جاودان‌فر به شهادت رسیده‌اند.

سوژه روز

یک شیب ملایم یکنواخت

نگاهی به دو جریان خبری موازی که درباره پرونده خبرنگاران ازادشده اطلاع‌رسانی‌های متفاوتی داشته‌اند

روز یکشنبه حوالی سـاعت ۴ بعدازظهر الهـه محمـدی و نیلوفر حامـدی، دو خبرنگاری که درباره مهسـا امینی گزارش تهیه کـرده بودند، از زندان آزاد شـدند. دادگاه تجدیدنظر پس از ۱۷ ماه موافقت کرده بود که هر کدام از آنها با یک وثیقه ۱۰میلیارد تومانی موقتا آزاد شـوند. از لحظه آزادی تـا دو روز بعـد، بیانیه‌ها، اظهارات و توئیت‌هایی منتشـر شـد که نشـان‌دهنده یک شـکاف عمیق بر سر پرونده این دو خبرنگار بود.بگذارید وقایع را با هم مرور کنیم.

تشکیل پرونده جدید

روز یکشـنبه آزادی ایـن دو خبرنگار با اطلاع‌رسانی و واکنش مثبت بسیاری از روزنامه‌ها و کاربران شـبکه‌های مجازی همراه شد اما طرف دیگر چه ماجراهایی در جریان بود؟ اصولگرایان تندرو در توئیتر نوشـتند که چطور دو جاسـوس با قید وثیقه آزاد شدند؟ این فضا ادامه داشـت تا اینکه روز دوشـنبه فهیم قاضیه اعلام کرد: «پرونده جدیدی بـرای آزادی موقت برای دو متهم زن به دلیل کشف حجاب تشکیل شد.»

همان روز دوشـنبه یک سـاعت بعد از این خبر، میزان، خبرگزاری قوه قضائیه، یک نقل قول از رئیس دادگستری تهران منتشـر کرد. علی القاضی‌مهر در نشسـت شـورای عالی قوه قضائیه اینطور توضیح داده بود که طبق قانـون باید این دو نفر بعد از یک‌سـال آزاد می‌شـدند تا حکم تجدیدنظر صادر شود. جمله آخر قاضی القاضی‌مهر این بـود: «در آینده نزدیک حکم این دو نفـر از دیوان عالی صادر و ابلاغ خواهد شد.» به نظر می‌رسید که این اظهارات اولین واکنش‌های منفی درباره آزادی این دو خبرنگار بوده است.

آن اقلیت! مهرداد خدیر در عصر ایران در حاشـیه واکنش‌ها به آزادی الهـه محمدی و نیلوفر حامدی نوشـت: «قلبتی علاقه ویژه‌ای به تبدیل اسـتثنا به قاعده دارد. زندان قاعده نیست ولی نگاه آنان به زندان این گونه است؛ در دولتی که عباس عبدی -به اتهامی که بعدتر از آن تبرئه شد- زندانی بود پرسیدند: آیا راست که شـما روزهای جمعه به مرخصی می‌آیید؟ او پاسخ داد: راست این اسـت که ۶ روز هفته در زندان هستم! یعنی اصل بر آزادی باید باشد نه زندان. دربارهٔ چرایی زندانی بودن بایـد بپرسید نه دلیل به مرخصی آمدن!»

وقتی هم از نویسنده این سـطور به سردبیر یک هفته‌نامه هم هسـت - که امروز با به ۲۹ سالگی می‌گذارد- می‌پرسند چگونه با این همـه برخورد در دوره‌های قبل و ظهـور فضای مجازی و مشکلات اقتصادی دوام آورده‌اید پاسخ می‌دهم از زنده‌ها درباره چرایی زنده بودن نمی‌پرسند بلکه دلیل مرگ را جویا می‌شوند! البته بیشتر در پی آن‌اند که پاسخ بشنوند: از خودشان! هر از چند گاهی هم می‌شنویم به خاطر انتخ

دستور زبان عشق

اگر ما / اگر من و تو
یکدیگر را عاشق نبودیم
چه‌کس می‌فهمید / وصال چیست؟ / جدایی کدام است؟

لطیف هلمت

رسول اکرم صلی الله علیه و آله :

مَن عَفا عَن مَظلَمَةٍ أبدَلَهُ اللّه بِها عِزّا فِی الدُّنیا وَالآخِرَةِ
هر کس از ظلمی که در حق او شده گذشت کند، خداوند به جای آن در دنیا و آخرت به او عزّت می‌بخشد.
بحار الانوار (ط-بیروت) ج ۶۶، ص ۳۸۲

واگویه‌های انتظار

ما در دلتنگی دستی نداشتیم
و در فاصله‌ای که داشتیم / هزار دست داشتیم.
سلام بر تو که حقیقتا دلتنگِ توأم / و سلام بر من برای آن که دلتنگم ...!

محمود درویش

اوقات شرعی تهران: اذان صبح ۰۵:۴۴ | طلوع خورشید ۰۷:۱۲ | اذان ظهر ۱۲:۱۴ | غروب خورشید ۱۷:۱۶ | اذان مغرب ۱۷:۳۶

هفت صبح | روزنامه فرهنگی، اجتماعی، شهری و اقتصادی
سال سیزدهم | شماره ۳۶۹۲ | پنجشنبه | ۲۸ دی ۱۴۰۲
صاحب امتیاز: شرکت هفت صبح ماندگار
مدیر عامل: علی مزینانی

مدیر مسئول و سردبیر: آرش خوشخو
دبیر آنلاین: صدرا بکتاش
مدیر هنری: وحید غفاری

هفت صبح

بازنشر مطالب روزنامه هفت صبح صرفا با اجازه کتبی مجاز است، در غیر این صورت ممنوع و قابل پیگیری قانونی است
pr@7sobh.com
www.7sobh.com

نشانی: تهران، خیابان سهروردی جنوبی، خیابان اقلیمی، کوچه شازاد، پلاک ۳
کد پستی ۱۵۶۶۷-۶۵۳۵۱
تلفن و نمابر: ۸۸۴۰۳۸۵۴ | شماره پیامک: ۰۹۲۰۲۰۰۱۷۰۷
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۴۳۱۹۸۸-۰۲۱ توزیع: دنیای اقتصاد تابان | چاپ: پیام همشهری - جام جم
اشتراک اینترنتی: www.jaaar.com

سلام خانم صادقی...

درباره چرخه‌ای که احتمالا دوباره آغاز خواهد شد

از دیدن خانم ژیلا صادقی با کت رنگی و روسری رنگی‌تر و استایل حجاب لبنانی در برنامه زنده تلویزیونی شگفت‌زده شدیم. این باز شدن یک پرونده قدیمی است. تنوع در پوشش. برای آنکه بین نوجوان و جوان تنوع پسند با مسئله حجاب فاصله نیافتد. این پرونده هر دهه یک بار روی میز می‌آید. آن بخش امنیتی در دستگاه‌های ناظر و آن گروهی که واقع بینانه نگران انشقاق‌های اجتماعی هستند، این ایده را حمایت می‌کنند و از نوع پوشش کشورهای اسلامی دیگر مثال می‌زنند. مثل کویت و یا لبنان. هر دفعه گروه‌های طراح مد دست به کار می‌شوند و نمایشگاه برگزار می‌شود و بعد با اولین مخالفت جدی، داستان فراموش می‌شود. طیف مذهبی‌تر، این نوع حرکات را بر نمی‌تابد. به نظر آنان در این مورد باید بنیادین رفتار کرد. به هرشکلی که شده. رنگ‌های سیاه و خاکستری و قهوه‌ای که در پشت هرکدامشان استدلال خاصی وجود دارد و دوری از هرگونه پوشش و رنگ که باعث جلب توجه می‌شود. حتی مقاومت بخش‌هایی از جامعه نسبت به این دیدگاه بنیادین، آنها را در ایده‌هایشان دچار تجدید نظر نکرده است، هرچند گاه که مخالفت‌ها بالا می‌گیرد و حتی ذات خود مسئله حجاب مورد تهاجم قرار می‌گیرد، اعضای این طبقه متنفذ ترجیح می‌دهند مصلحت جویانه تا مدتی سکوت کنند و از فعالیت‌های خود بکاهند. هم در سال‌های ۸۸ تا ۹۱ و هم در سال ۱۴۰۱ تا ۱۴۰۲ این نوع رفتار را به عینه دیده‌ایم. این گروه و این طبقه به شدت متنفذ، با اشتیاق در انتظار تکنولوژی‌های جدید در شناسایی چهره‌ها و همین طور تصویب لایحه حجاب هستند تا در چندمین دورخیز خود طی این چهل و پنج سال، ایده‌های سختگیرانه خود در مقوله پوشش بانوان را جاری کنند. ستادهای امر به معروف و خطبای محترم جمعه به‌خصوص در مشهد و اصفهان و شیراز در انتظار این اتفاق هستند. دورنمای این ماجرا را باز هم می‌شود حدس زد. حدسمان را نمی‌گوییم تا دچار دردسر نشویم.

به هرحال حضور خانم صادقی با این پوشش رنگارنگ آن هم در دوره‌ای که حتی استفاده از چادر مشکی و پوشش کامل بدن و صورت در شیوه‌ای غیر از همان شیوه سنتی، اتهام حجاب استایل و انحراف را با خود حمل می‌کنند، اتفاق عجیبی است. می‌شود حدس زد که خبرگزاری فارس از بازشدن این جبهه ناگهانی در مقوله پوشش دلخور شود. شاید روزنامه همشهری هم که پرچمدار منازعه شهردار با شبکه‌های تلویزیونی بود، به این داستان بپیوندد. شاید این ضدحمله آن قدر قوی از آب دربیاید که باز هم مثل دوره‌های قبل مقوله رنگ و تنوع مختومه شود و داستان‌های دوره‌های قبل تکرار شود. نمی‌دانیم راستش. به هرحال به این نوع چرخه‌ها عادت کرده‌ایم.

دنده عقب
اشکان عقیلی‌پور

رفقا به نظر من کسانی که این روزها ازدواج می‌کنن کار بسیار مهم و خطیری انجام میدن ولی اون کسانی که به این مجالس عروسی دعوت میشن، بسیار بسیار قابل ترحم هستن. چرا که با سکه سی میلیونی، وقتی کارت دعوت میرسه دستشون که هفته آینده به صرف شیرینی و شام تشریف بیارین فلان جا و نسبت هم جوریه که باید یک هدیه‌ای بدن، اون کارت دعوت، از صدتا احضاریه دادگاه هم ترسناک‌تر میشه...

یادمه یک زمانی، دریافت کارت عروسی خوشحال کننده بود و مثلا اگر عروسی یکی از دوستانمون بود و یکی رو دعوت می‌کردند و اون یکی رو نه، کلی دلخوری به وجود می‌آمد و داستان‌ها شروع می‌شد که:«مگه ما رفیق نبودیم...» یا «مگه ما قاطی آدم نبودیم...» یا «دستش درد نکنه... خوب مزد رفاقتمون رو داد...» و این حرف‌ها... ولی چند وقتیه که اوضاع یه خورده عوض شده.

یک دوستی دارم که چند روز پیش کارت عروسی‌اش را آورد جلوی خونه تحویل بده. یعنی می‌خوام خدمتتون عرض کنم یک جوری هم آورد که هیچ جوره نتونم زیرش بزنم که کارت به دستم نرسیده:

- «آقا این هم کارت، خدمت شما... با همراه تشریف بیار حتما.» / «این که افتخاریه برای من... حتما مزاحم میشم. فقط یک سفر کاری در پیش دارم که فکر می‌کنم تاریخش با مراسم شما...» / «اصلا فکرشم نکن. به هیچ وجه. حتما منتظرتم. کلی از تو پیش خانمم تعریف کردم... آبروی منو نبری‌ها.» / «آقا این چه حرفیه. آبروی تو به من چیکار داره...» / «خیلی کار داره.»

تو دلم گفتم وای به آبروی تو که به من بستگی داره. خلاصه با اصرار و قسم، کارت رو تحویلمون داد و به محض این که در منزل رو بستم، پریدم رو گوشی‌ام و رفتم سراغ قیمت سکه... هر جور حساب می‌کردم، همون بهتر بود که بهانه سفر کاری رو بیارم و قید آبروی طرف رو هم بزنم. فوقش رابطه‌اش رو قطع می‌کنه. با این قیمت سکه هر چی کمتر با دیگران رابطه داشته باشم خیلی هم بهتره.

مشغول سبک سنگین کردن دوستی و قیمت سکه بودم که تصمیم گرفتم با یکی از دوستان مشترک تماس بگیرم و مزه دهنش را بفهمم...

- «ببین... عروسی فلانیه ها...» / «نه بابا...» / «والا... یه ساعت پیش هم کارتشو آورد.» / «نه بابا...» / «والا... برای تو کارت نیاورده؟» / «نه خدا رو شکر... ولی از صبح، سه چهار مرتبه زنگ زده. از شانسم تو یه جلسه‌ای بودم و جواب ندادم... پس جریان این بوده. دمت گرم خبر دادی.» / «ارادت. مگه نمی‌خوای بیای؟» / «معلومه که نه... حداقل باید یه نیم سکه بگیرم. بدبخت میشم که...»

حرف‌های دل من رو خیلی صریح و پوست کنده می‌گفت که یهو جیغ کشید:

- «وای اومد پشت خطم. وای اومد پشت خطم. آقا من یه مدت گوشیمو قطع می‌کنم... تماس‌هامون از طرف من.»

دو سه روزی از دوست فراریم بی‌خبر بودم تا این که امروز صبح، یک پیغام ازش رسید:

- «حواستو جمع کن... به غیر از فلانی، بیساری هم داره عروسی می‌گیره. حواست باشه جواب ندی. فعلا هم دم پرش نپلک تا بخیر بگذره... اوضاع خیلی خرابه.»

جواب دادم: «دمت گرم. جبران می‌کنم محبتت رو...»

۱۰۰ قصه دیگر از لابه لای تاریخ - ۱۴۲

آرش خوشخو

ملاقات حساس در الجزیره

چقدر از ماجرای اشغال سفارت آمریکا همان حادثه‌ای که به شکل بلند مدت تاریخ سیاسی ایران راتحت تاثیر خود قرار داده ناشی از تحریکات گروه‌های چپ بوده؟ این فرضیه از سوی گروه‌های نزدیک به لیبرال‌ها در داخل و خارج کشور مورد تاکید قرار گرفته است. به‌نظرم این نگاه، آن حس کینه و دشمنی که در میان طبقات مذهبی نسبت به آمریکایی‌ها وجود داشته نادیده می‌گیرند. به‌خصوص وقتی یادمان بیاید که انفجار رستوران خوانسالار در میدان آرژانتین و یا حمله به اتوبوس کارکنان آمریکایی توسط نیروهای تندرو مذهبی شکل گرفته بود و ربطی به چریک‌های کمونیست نداشته است. نیروهای مذهبی جدا از پس‌زمینه کودتای ۲۸ مرداد، آمریکا را دلیل فضای فرهنگی منقلب تهران و دیگر شهرها می‌دانستند و مخالفت آیت‌الله خمینی با لایحه کاپیتولاسیون را دلیل اصلی تبعید ایشان قلمداد می‌کردند. خب این را هم بگویم که بعد از اشغال سفارت آمریکا نیروهای چپ و کمونیست در یک حالت خلسه باورنکردنی قرار گرفته بودند و در روزنامه‌ها و گردهمایی‌هایشان این شادمانی را نمی‌توانستند پنهان کنند. با این حال بعید است که حرکت عجیب دانشجویان با تحریک گروه‌های کمونیست شکل گرفته باشد. راستش این ایده واکنشی ناگهانی به ملاقات بازرگان، دکتر یزدی ودکتر چمران با برژینسکی مشاور امنیت ملی کارتر و دستیارانش بود (از جمله رابرت گیتس که بعدها وزیر دفاع آمریکا هم شد). فحوای آن ملاقات که در بین اعضای شورای انقلاب هم واکنش‌هایی به همراه داشت چه بود؟

«در آن ایام که هیات ایرانی و در راس آن مهدی بازرگان برای شرکت در جشن‌های بیست و پنجمین سالگرد انقلاب الجزایر در الجزیره به‌سر می‌برد، یک هیات آمریکایی به ریاست برژینسکی هم در آن مراسم حضور داشت و اولین ملاقات بلندپایه بین مقامات ایرانی و آمریکایی پس از دیدار وزیران خارجه ایران و آمریکا در مجمع عمومی سازمان ملل در نیویورک، در حاشیه آن مراسم و در محل اقامت نخست‌وزیر ایران انجام شد؛ یکی از اعضای هیات آمریکایی امروز وزیر دفاع آمریکا است و اوست که با سخنرانی در دانشگاه ملی امور دفاعی ایالات متحده در واشنگتن گفته در آن ملاقات حاضر بوده و روایتی از آن دیدار ارائه کرده است.

«رابرت گیتس»جوان در سال ۱۹۷۹(۱۳۵۸)پنج سالی می‌شد که از سازمان سیا به شورای امنیت ملی نقل مکان کرده بود و ظاهرا همراهی وی با برژینسکی در مقام مشاور امنیت ملی کارتر هم به این دلیل بوده است، هر چند چنانکه در سوابق کاری گیتس آمده است وی در اواخر همین سال مجددا به سازمان سیا بازگشت.گیتس که در دوره دوم ریاست جمهوری جورج دبلیو بوش، وزیر دفاع شد در سخنرانی اخیرش گفته:«من در نخستین ملاقات (پس از انقلاب ایران) میان یک مقام ارشد دولت آمریکا و مقام‌های ممتاز دولت ایران در الجزیره در پایان اکتبر ۱۹۷۹ حضور داشتم.

نخست وزیر (مهندس بازرگان)، وزیر دفاع (مصطفی چمران) و وزیر خارجه (ابراهیم یزدی) ایران خواستار ملاقات با برژینسکی شدند که برای مراسم ۲۵مین سالگرد انقلاب الجزایر در الجزیره به سر می‌برد، و من هم با او بودم. برژینسکی از من خواست برای یادداشت برداشتن همراهش بروم. ما وارد جلسه شدیم و لب کلام ما این بود که «ما انقلاب شما را می‌پذیریم. ما کشور شما را به رسمیت می‌شناسیم.ما دولت شما را به رسمیت می‌شناسیم. ما همه سلاح‌هایی را که قرارداد فروش آنها با شاه بسته شده بود را به شما می‌فروشیم. ما دشمن مشترکی در همسایگی شمالی شما داریم. می‌توانیم در آینده با هم کار کنیم.» اما مقامات ایرانی شرکت کننده در این جلسه خواستار تحویل گرفتن محمدرضا شاه پهلوی شدند.پاسخ آنها این بود که «شاه را به ما بدهید.» هر کدام مواضع خود را پنج یا شش بار تکرار کردند و در پایان برژینسکی برخاست و گفت «تحویل شاه به شما با غرور ملی ما ناسازگار است.» و این پایان کار بود. »

اینکه در آن گفت‌وگویی که قرار بود کوتاه انجام شود ولی یکساعت و ۲۵ دقیقه به طول انجامید چه گذشت،سال‌ها تحت‌الشعاع این قرار گرفت که چه کسی درخواست ملاقات کرد؟چرا دولت بازرگان،امام و شورای انقلاب را در جریان نگذاشت؟و سرانجام هم با پخش خبر این دیدار از تلویزیون و اعتراض‌های گسترده‌ای که پس از آن انجام شد و تصرف سفارت آمریکا سه روز پس از آن،داستان الجزایر همچنان با روشن نشدن برخی ابعاد آن و نیز سر به مهر ماندنش باقی ماند .

عجیب است که تقاضای هیات بلندپایه ایرانی به شدت انقلابی بوده و موضعی سازش ناپذیر مقابل برژینسکی اتخاذ کرده بودند اما بازتابش در تهران مصالحه و سازش بود. اما چگونگی مقدمات این ملاقات هم جنجالی شده بود. به گفته بازرگان، «دو روز قبل از عزیمت من به الجزایر کاردار سفارت آمریکا در تهران به من اطلاع داد که برژینسکی مایل است هنگام اقامت من در الجزایر، ملاقات و مذاکره انجام دهد و امروز این دیدار انجام شد». بازرگان بعدها این روایت را این گونه تکمیل کرد:«آقای دکتر یزدی اطلاع داشت و من هم به ایشان گفته بودم که در آن جشن استقلال ترکیه که ناهار مهمان بودیم، کاردار اطلاع داد: «شما که می‌روید الجزایر آقای برژینسکی هم آنجا می‌آید، بنابراین احتمال دارد به ملاقات شما بیاید... این را آقای دکتر یزدی می‌دانست.» در حالیکه در روایت رابرت گیتس این ملاقات به درخواست ایران انجام شده بود. در شهریور ۵۹، ابراهیم یزدی یک روایت دیگر نقل می‌کند:او [برژینسکی] عیناً مثل «شِمر ابن ذی‌الجوشن» که شب عاشورا به دیدن ابوالفضل رفت به دیدن آقای مهندس بازرگان آمد. مهندس بازرگان هم گفتند چه کنیم او را بپذیریم یا نپذیریم؟

هرچه بود آیت‌الله خمینی از برنامه‌ریزی برای این ملاقات بی‌خبر بودند و از قرار این اتهام متوجه دکتر یزدی بوده که قبل از سفر به دیدار آیت‌الله خمینی رفته ولی از احتمال چنین دیداری حرفی نزده بود. سه روز بعد از این ملاقات حساس، به سفارت آمریکا در تهران حمله و اشغال شد. دولت استعفا داد و تنها چهار روز بعد از آن ملاقات مهم در الجزایر دیگر نه بازرگان نخست وزیر بود و نه یزدی وزیر امور خارجه و نه دکتر چمران وزیر دفاع. تمام شده بود...

سایت‌نگار

قیمت سنگین باروری، مصایب یارانه شکر، افعی شدن برانکو

گزارشی از میزان از حضور حجت‌الاسلام اژه‌ای در مجتمع قضایی بعثت و دادسرای ناحیه ۱۶ واقع در جنوب پایتخت: رئیس عدلیه به‌صورت از پیش اعلام‌نشده وارد جلسه بازپرسی سه متهم به سرقت شد که از قضا در زمره سارقان سابقه‌دار بودند؛ قاضی‌القضات در ابتدای ورود خود به این جلسه، به گونه‌ای که متهمان متوجه حضور وی نشوند، در نزدیک درب ورودی قرار گرفت و با دقت به استماع دفاعیات این سارقان سابقه‌دار پرداخت. وی سپس در اتاق بازپرسی حاضر شد و با این سه متهم به گفت‌وگو پرداخت و مورد به مورد و مستدلاً، دفاعیات آمیخته با اکاذیب آن‌ها را واگویه کرد.

رئیس عدلیه خطاب به این سه متهمِ سابقه‌دار گفت: چنانچه در این پرونده جرم شما اثبات شود، باید از حضور مجددتان در جامعه جلوگیری کرد تا زمانی که به‌صورت کامل مجازات قانونی خود را سپری کنید؛ این امر هم صرفاً به سبب دزدی‌ها و کسب مال حرامتان نیست بلکه به سبب تهدید امنیت جانی و روانی شهروندان به‌واسطه آزادی شماست.

حجت‌الاسلام محسنی اژه‌ای در ادامه سرکشی خود از مجتمع قضایی بعثت و دادسرای ناحیه ۱۶ تهران، در یکی دیگر از دادگاه‌های رسیدگی به پرونده سرقت حضور یافت و به استماع دفاعیات ۵ متهم این پرونده پرداخت که سه تن از آن‌ها در جلسه دادگاه حضور داشتند و دو تن دیگر از زندان به‌صورت برخط، محاکمه می‌شدند. همچنین ۴ شاکی نیز که منازل‌شان مورد سرقت واقع شده بود، در جلسه دادگاه حضور داشتند.

رئیس عدلیه سپس خطاب به این متهمان سابقه‌دار گفت که مهم‌تر از آن طلا و یا وجوهی که شما از منازل شهروندان سرقت کرده‌اید، آن امنیت روانی است که شما از آن‌ها سلب کرده‌اید و باز مهم‌تر از همه اینها، عدم تنبّه و پشیمان و نادم نبودن شماست که این امر به وضوح در مطالبی که می‌گویید، آشکار است. اژه‌ای سپس خطاب به قاضی حاضر در دادگاه تصریح کرد که این متهمان چنانچه جرم‌شان آشکار شد، با عنایت به سابقه‌دار بودن‌شان به هیچ‌وجه نباید مشمول تأسیسات ارفاقی و آزادی مشروط شوند و در فهرست عفو نیز نباید قرار گیرند چرا که ترحم به این قبیل مجرمان، ظلم به مردم است.

سلاجقه، رئیس سازمان محیط‌زیست گفت: در شرایط بسیار اضطرار، بارورسازی ابرها گزینه‌ای است که می‌توان در سطح محدود انجام داد. از نظر علمی بارورسازی ابرها یک گزینه است، اما بسیار گران‌قیمت است و صرفه اقتصادی ندارد.

در بسیاری از نقاط دنیا این کار را انجام نمی‌دهند. در شرایط بسیار اضطرار، گزینه‌ای است که می‌توان در یک سطح محدود در شرایط خاصی از رطوبت، ضخامت و درجه حرارت ابر این کار را انجام داد.

دولت کانادا روز سه‌شنبه ۱۶ ژانویه (۲۶ دی ماه) با انتشار فهرستی از موسسات پژوهشی در ایران، چین و روسیه به پژوهشگران هشدار داد «در صورتی که با این مراکز همکاری تحقیقاتی داشته باشند، بودجه دولتی پژوهشی دریافت نخواهند کرد.» در این فهرست نام ۱۲ موسسه پژوهشی ایرانی از جمله دانشگاه صنعتی شریف به چشم می‌خورد. این می‌تواند خبر بدی برای آن دسته از فارغ‌التحصیلان شریف باشد که برای تحصیلات تکمیلی کانادا را هدف خود قرار داده بودند.

«جلوگیری از خطرات امنیتی ناشی از به اشتراک گذاری فناوری‌های پیشرفته توسط دانشگاه‌های کانادا با پژوهشگران کشورهای مذکور»، هدف این تصمیم دولت کانادا اعلام شده است. دانشگاه‌های صنعتی شریف، دانشگاه شهید بهشتی، موسسه فیزیک کاربردی، سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی ایران و ۸ مرکز دیگر از جمله انستیتو پاستور ایران، موسسه تحقیقات هوا و فضا، دانشگاه علوم پزشکی بقیةالله، موسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاع، دانشگاه امام حسین، مرکز مطالعات فیزیک و دانشگاه نیروی هوایی ستاری از جمله این موسسات هستند.

اتاوا همچنین ۸۵ موسسه پژوهشی از چین و شش دانشگاه از روسیه را در این فهرست جای داده است. این سیاست جدید قرار است در ماه‌های آینده اجرایی شود.

دولت کانادا تاکید کرده که «به هیچ وجه نمی‌خواهد تحقیقات در حوزه‌هایی از جمله هوش مصنوعی، علوم کوانتومی، رباتیک، بیوتکنولوژی، سلاح‌های پیشرفته، فناوری فضا و ماهواره و ادغام ماشین و انسان با پژوهشگران ایرانی، چینی و روسی به اشتراک گذاشته شود.»

مهرداد بذرپاش در پایان جلسه هیات دولت با حضور در جمع خبرنگاران درباره آخرین وضعیت مسکن مهر گفت: مسکن‌های مهر به اتمام رسیده از عدد ۱۱۳هزار هم عبور کرد و تمام همکارانم در وزارت راه با همه مشکلاتی که در رابطه با کمبود منابع برای اتمام مسکن‌ها داشتند، دارند با سرعت خوبی کار را جلو می‌برند. در ابتدای دولت گفتم ۲۴۰ هزار واحد مسکن مهر باقی مانده از دولت‌های گذشته به ما به ارث رسیده بود.

یارانه شکر و سلام بر دیابت/جوان نوشت: شناسایی ۱۶میلیون ایرانی با «اضافه‌وزن بالا» در پویش ملی سلامت که وزارت بهداشت خبر داد، بهترین نشانه از رسوخ سیاست غلط یارانه‌های غذایی و نداشتن تفکر تغییر و نوآوری در دهه‌های طولانی است. چاق‌ها آنانی هستند که خودشان را با اقلام یارانه‌ای مثل شکر و نان و روغن زیان‌آور نباتی سیر می‌کنند. یک لیوان نوشابه که ۱۲ حبه قند دارد و یک نان تافتون که در بدن تبدیل به قند می‌شود و بسا خوردنی‌های دیگری که ترکیبی از این دو هستند و چون هنوز یارانه می‌گیرند، از بقیه ارزان‌ترند، خوراک اصلی کسانی شده است که حالا درباره آنان از چاقی و بیماری‌های بی‌شمار مرتبط با چاقی نگرانیم.

مسئولان چه در حوزه اقتصاد و چه کلان‌تر هنوز گمان می‌کنند که باید به آرد سفید و شکر و روغن نباتی که خوراک بیشتر مردم است، یارانه داد و افتخار کرد که خوراک مردم فقیر را تأمین کرده‌ایم! سپس توفان دیابت و چاقی و بیماری‌های قلبی و عروقی و آن انسان چاق فاقد کارایی و توان عملیاتی می‌ماند روی دست بخش دیگر دولت‌ها یعنی وزارتخانه‌های بهداشت و بیمه‌ها. آنگاه ده‌ها برابر پول یارانه‌ای را که در جای نادرست هزینه می‌کنیم، برای درمان سیاست‌های غلط خود خرج خواهیم کرد.

محمد مهدی اسماعیلی صبح چهارشنبه ۲۷ دی در حاشیه جلسه هیات دولت در جمع خبرنگاران درباره مشکل ایجاد شده برای عمره مفرده و بازگشت وجه واریزی ثبت‌نام‌کنندگان اظهار کرد: هماهنگی لازم با بانک مرکزی انجام شده و کسانی که می‌خواهند، پولشان به سرعت به آن‌ها برمی‌گردد.

وی در ادامه تاکید کرد: آنچه مربوط به سازمان حج بوده ما انجام داده‌ایم و من از آقای امیرعبداللهیان هم چند روز پیش خواهش کردم که سریع‌تر این موضوع را تعیین تکلیف کنند، چون وضعیت خوبی نیست و مردم منتظر هستند. ان‌شاءالله دوستان وزارت خارجه همت کنند و با همتایان سعودی‌شان این مشکل را حل کنند و دولت سعودی هم با تلاش بیشتر این مسئله را حل کند.

سپهر خلجی صبح چهارشنبه در حاشیه جلسه هیأت دولت در جمع خبرنگاران با اشاره به وضعیت پرونده دزدیده شدن فرش‌های کاخ سعد آباد گفت: پرونده سرقت از کاخ سعدآباد که بیش از ۴۸ تخته فرش که بعضاً مربوط به دوره قاجار است و قابل قیمت‌گذاری نیست در دولت گذشته اتفاق افتاد. رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت اضافه کرد: این موضوع توسط معاونت حقوقی دولت سیزدهم پیگیری شد که در جمع‌بندی نهایی به ۱۰ نفر مظنون از مقامات دولت قبل رسیدند. پرونده‌ای تشکیل شد و با توجه به اینکه مظنون اصلی شرایط خاصی داشت، پرونده سال گذشته به دادگاه ویژه روحانیت ارسال شد. این پرونده در حال بررسی است و منتظر نتیجه آن هستیم. سرنوشت این فرش‌ها معلوم نیست و وضعیت پرونده توسط معاونت حقوقی اطلاع‌رسانی می‌شود.

حرف‌های محمد مایلی کهن در ستایش از گل‌محمدی و انتقاد از برانکو: به نظر من بهترین سرمربی برای پرسپولیس در حال حاضر یحیی گل‌محمدی است. نتایجی که آقایحیی در این چند سال گرفت واقعا کم‌نظیر بود و این مسئله نشان می‌دهد که عملکرد بسیار خوبی داشته است.

به اعتقاد من بهتر است گل‌محمدی را دوباره برگردانند و اگر واقعا کاری از دست من برمی‌آید، حاضرم خودم با آقا یحیی صحبت کنم تا دوباره به پرسپولیس برگردد.

برانکو نشان داد که هنوز پیشنهاد پرسپولیس را نه رد کرده و نه قبول کرده است. آقای برانکو مار خورده و افعی شده است؛ برانکو با پولی که در فوتبال ایران درآورد، الان نصف کرواسی را خریده است! برادرش هم ایران آمد و پول درآورد. بنده خدا برادر برانکو که اصلا توپ را نمی‌شناخت اما به ایران آمد و قرارداد بست و به نان و نوایی رسید!

دنیای اقتصاد نوشت: از شب یلدا به این طرف، موج بزرگی از اخبار و شایعات در مورد پرداخت پول‌های هنگفت به مهمانان تلویزیون ایجاد شده است.

راست و دروغش گردن سایت‌هایی که این اخبار را در مقیاس وسیع پوشش می‌دهند، اما گفتند آن شب به حسن ریوندی و علیرضا بیرانوند و مهدی هاشمی‌نسب دستمزدهای چند صد میلیونی تا یک میلیارد تومانی داده‌اند تا ساعتی روی آنتن باشند.

با آغاز مسابقات جام ملت‌های آسیا، این روند تشدید هم شده و از جمله یک برنامه که مشغول دعوت از مهمانان سرشناس در شبکه نسیم است، حسابی سر کیسه را شل کرده.

صحبت از این است که آنها مثلا به علی پروین و یحیی گل‌محمدی مبالغ ۴۰۰ یا ۶۰۰ میلیون تومانی پرداخت کرده‌اند.

از صحت و سقم این اخبار آگاه نیستیم، اما توالی گزارش‌ها و نیز تکذیب نشدن موضوع، نشان می‌دهد احتمالا گمانه‌زنی‌ها بیراه نیست. چه اینکه تلویزیون پیش از این هم رسم داشته به مهمانانش سکه و پول بدهد.

می‌دانیم که در خیلی از کشورهای جهان ستاره‌ها برای حضور در مقابل دوربین پول می‌گیرند، اما پرسش اینجاست که آیا آنجا هم تلویزیون به شکل دولتی اداره می‌شود و پولش را مستقیم از جیب مردم برمی‌دارد؟

اگر رسانه‌های خصوصی سخاوت به خرج بدهند، هیچ اشکالی ندارد و به کسی هم مربوط نیست. به هر حال لابد حساب و کتابی با خودشان دارند که باعث می‌شود در نهایت سود کنند، اما بحث ارگانی که از بیت‌المال بودجه می‌گیرد فرق می‌کند. آیا واقعا مملکت «فقیر» ندارد که پول مردم باید صرف این چیزها شود؟ بعد هم مگر در همین تلویزیون و رسانه‌های همسو، صبح تا شب به سلبریتی‌ها انتقاد وارد نمی‌شد؟ پس چرا این‌طور جاها برای جذب مخاطب به آنها متوسل می‌شوند و کلی هم هزینه می‌کنند؟ وقتی مهمانان گذری برنامه با چنین ارقامی روی آنتن تلویزیون می‌روند، خدا می‌داند محمدرضا گلزار چقدر گرفته تا راضی شود اجرای یک مسابقه جدید را در این رسانه بر عهده بگیرد!

اطلاعیه کیومرث طهماسب فرزند زنده نام استاد ناصر طهماسب که در صفحه شخصی منتشر شد: «بدین‌وسیله اعلام می‌دارد که با توجه به توسعه هوش مصنوعی AI در زمینه صداسازی و صداگذاری، کلیه اشخاص حقوقی و حقیقی از جمله سازمان‌های دولتی، نیمه دولتی، شرکت‌های نیمه خصوصی و خصوصی، استودیوهای ضبط و صداگذاری و کلیه مراجع و مراکزی که به این فعالیت اشتغال دارند و در این یادداشت به آنها اشاره نشده باشد و از قلم افتاده باشند، به هیچ عنوان مجاز به استفاده از صدای «ناصر طهماسب» که با استفاده از ابزارهای هوش مصنوعی مجددا بازسازی و یا ساخته و پرداخته شده باشد نبوده، نیستند و نخواهند بود. همچنین ذکر این نکته ضرورت دارد که به‌رغم درخواست‌های متعدد در خصوص استفاده از صدای ایشان در زمان حیات با استفاده از تکنولوژی فوق مطرح و درخواست گردیده بود ولی هیچگاه مورد تایید ایشان قرار نگرفت.»

مراسم معرفی مجموعه ۷۸ جلدی فرهنگنامه «اسارت و آزادگان» و نکوداشت «مسعود ده‌نمکی»، شامگاه دوشنبه در تالار رودکی برگزار شد.

حسن رحیم‌پور ازغدی در ارتباطی تلفنی با این مراسم خطاب به نسل جوان گفت: افرادی همچون ده‌نمکی به تشویق کسی کار ندارند و خلاف جریان عمل می‌کنند و عادت به سختی دارند. اولاً باید از کار جدید ایشان تقدیر بکنیم و قدر آن را ۵۰ یا ۱۰۰ سال بعد نسل‌های بعد خواهند فهمید. هنوز غربی‌ها بر اساس یادداشت‌ها و متون محتواهای جدید را به نام مستند تولید می‌کنند و این در راستای مدیریت افکار عمومی به اسم تاریخ گذشته است. ده‌نمکی وارد هر کاری شده در رده یک آن قرار گرفته است. ایشان وقتی نشریه منتشر کرد پرفروش‌ترین شد و مستندهای ایشان پرفروش شد. در سینما هم که وقتی وارد شد پرفروش‌ترین فیلم‌های سینمایی شد که نشان می‌دهد یک جوهره انقلابی دارد که باید به استقامت، شجاعت و خلاقیت ایشان احترام گذاشت. او کارهای زیادی انجام می‌دهد و بیشتر از بسیاری مجموعه‌ها که بودجه‌های زیاد دارند، کار می‌کند. مراسم معرفی مجموعه ۷۸ جلدی فرهنگنامه «اسارت و آزادگان» و نکوداشت «مسعود ده‌نمکی»، شامگاه دوشنبه با حضور جمعی از آزادگان و اهالی فرهنگ در تالار رودکی برگزار شد.

بیست‌ویکمین دوره مسابقات هندبال قهرمانی مردان آسیا و انتخابی دیدارهای جهانی از پنجشنبه شب ۲۱ دی ماه در منامه بحرین آغاز شده و تیم هندبال کشورمان که در مرحله مقدماتی در گروه B قرار داشت با کسب دو پیروزی برابر تیم های نیوزیلند و چین و یک شکست مقابل تیم کره‌جنوبی پر افتخارترین تیم قاره آسیا به عنوان تیم دوم گروه راهی مرحله یک چهارم نهایی شده و به جمع هشت تیم برتر این رقابت‌ها راه یافت.

تیم ایران در اولین مسابقه خود با نتیجه پر گل ۴۰ بر ۱۷ مقابل نیوزیلند به پیروزی رسید. شاگران رحیمی‌زاده یکشنبه شب هم برابر تیم چین با نتیجه ۲۴ بر ۲۲ پیروز شده و سه‌شنبه شب ۲۶ دی ماه برابر تیم مقتدر کره‌جنوبی با نتیجه نزدیک ۲۶ بر ۲۴ مغلوب شدند. هشت تیم راهی مرحله یک چهارم نهایی شده و باید از روز پنجشنبه ۲۸ دی ماه در دو گروه با یکدیگر مسابقه دهند. این گروه‌بندی به این ترتیب است:

گروه اول: قطر - ژاپن - ایران - امارات

گروه دوم: کره‌جنوبی - بحرین - کویت - عراق

ایسنا به نقل از بلومبرگ نوشت : ساکنان هنگ‌کنگ دیگر طولانی‌ترین امید به زندگی در جهان را ندارند و این شهر تاج خود را به ژاپن واگذار کرده است زیرا کووید و استرس کلی بر طول عمر تاثیر می‌گذارد. بر اساس آخرین آمار منتشر شده در این هفته توسط دولت هنگ‌کنگ، انتظار می‌رفت که زنان در هنگ‌کنگ در سال ۲۰۲۲ به‌طور متوسط تا ۸۶/۸ سال زندگی کنند، در حالی که این رقم برای همتایان ژاپنی آنان ۸۷/۱سال است. شایان ذکر است اطلاعات مربوط به سال ۲۰۲۳ هنوز منتشر نشده است.

این داده‌ها نشان می‌دهد امید به زندگی برای مردان در مرکز مالی آسیا مانند سنگاپور ۸۰/۷ و کوتاه‌تر از سوئد، ژاپن و نروژ است.

سال‌ها هنگ‌کنگ همواره در صدر نظرسنجی‌های جهانی طول عمر قرار داشت اما ساکنان به‌طور فزاینده‌ای تحت فشار قرار گرفتند و سلامت جسمی و روانی در سال‌های اخیر در بحبوحه ناآرامی‌های اجتماعی و بیماری همه‌گیر بدتر شده است.

در نظرسنجی اخیر، ساکنان هنگ‌کنگ کمترین سطح رفاه فیزیکی، روانی، اجتماعی و شغلی را در بین ۱۲ مورد از جمله ایالات‌متحده، بریتانیا، سرزمین اصلی چین و سنگاپور گزارش کردند. مهمترین عوامل استرس‌زا در شهر شامل هزینه بالای زندگی و عدم اطمینان در مورد آینده است.

نرخ مرگ‌ومیر این شهر در اثر کووید در یک نقطه بالاترین میزان در جهان بود زمانی که سالمندان به‌طور خاص تحت تأثیر ویروس کرونا قرار گرفتند.

شش خودرو روی پله برقی

در هفته‌ای که گذشت بازار رکود خودرو ترمز برید

گروه خودرو | افزایش قیمت عجیب خودروها در دو هفته اخیر در سر لیست اخبار رسانه‌ها قرار گرفت. حالا دقیق مشخص نیست واردات قطره‌چکانی به این ماجرا دامن زد یا داستان مربوط به همان فروش ۱۲۰ هزار دستگاه مازاد دو خودروساز دولتی در حاشیه بازار بانرخ ۵ درصد است؛ آن هم تا پایان سال! در این میان نباید از تعرفه مونتاژی‌ها و سایر قضایا نیز غافل شد. مثلا نرخ دلار که بالا می‌رود شاهد افزایش قیمت خودروی تولید داخل هستیم! به هرحال ماجرا هرچه هست، کار تا جایی پیش رفت که حتی برای تارا نوشتند این خودرو میلیاردی شد. در این پرونده سراغ شش خودرویی که در دو هفته اخیر افزایش قیمت نجومی داشتند، رفته‌ایم که آیا این مشخصات خودرو با قیمتش همخوانی دارد؟ به هرحال بررسی بازار نشان می‌دهد خودروهای داخلی افزایش ۳۰ تا ۸۰ میلیون تومانی را تجربه کرده‌اند.

کوئیک SR
مدل ۱۴۰۲ / قیمت ۴۰۵ میلیون تومان

قیمت کارخانه این خودرو ۲۹۲ میلیون و ۶۲۸ هزار تومان است. کوئیک در بازار ظرف این مدت حدود ۱۵ میلیون تومان افزایش قیمت داشته است. تحویل نسخه جدید کوییک S دو رنگ یا همان کوییک SR که مجهز به استانداردهای ۸۵گانه شده، توسط شرکت سایپا از آبان امسال آغاز شد. سایپا کوییک SR به پیشرانه ۱/۵ لیتری تنفس طبیعی مجهز است و ۸۷ اسب‌بخار را با گشتاور ۱۲۸ نیوتن متر تولید می‌کند. این پیشرانه یورو ۵ بوده و جعبه‌دنده ۵ سرعته دستی توان آن را به چرخ‌های جلوی کوییک فیس‌لیفت می‌رساند. دو کیسه هوا، چراغ روشنایی روز، تهویه الکتریکی، سیستم صوتی MP۳ و USB، سنسور پارک عقب، سامانه BCM، نمایشگر و دستیار تعویض دنده GSI، ترمز ABS، EBD و BAS، بدنه دورنگ، رینگ آلومینیومی، دریچه گاز برقی و... از جمله امکانات کوییک اس‌آر است. هاچبک کوچک سایپا، ۴۰۰۵ میلیمتر طول، ۱۶۷۸ میلیمتر عرض و ۱۵۳۲ میلیمتر ارتفاع دارد و فاصله بین محورها نیز ۲۴۱۰ میلیمتر و وزن خالص آن ۱۰۶۵ کیلوگرم است. کوییک اس برای طی کردن ۱۰۰ کیلومتر راه، ۷/۱ لیتر بنزین می‌سوزاند.

دنا اتوماتیک
مدل ۱۴۰۲ / قیمت ۹۴۵ میلیون تومان

نسخه سفید این خودرو ۵ میلیون تومان ارزان‌تر است. قیمت کارخانه این خودرو ۵۴۵ میلیون و ۱۰۰ هزار تومان است. دنا اتوماتیک از ۸۱۰ میلیون تومان به ۹۳۰ میلیون تومان در این مدت رسیده است. نسخه «پلاس توربو اتومات» که از گیربکس ۶ سرعته اتومات بهره می‌برد و به همین دلیل نیز وزن خالصش حدود ۷۰ کیلوگرم بیشتر شده. درباره گیربکس اتومات این خودرو باید این نکته را بدانید که حتی در حالت تیپ ترونیک نیز به شما اجازه نمی‌دهد دور موتور را بالاتر از ۴۵۰۰ ببرید. دنا پلاس توربو اتومات که تحویل آن از نیمه اول ۹۹ شروع شد، در تجهیزات و کیفیت ساخت متاسفانه دقیقا مانند دنا پلاس توربو دنده‌ای است؛ فقط با این تفاوت که به «فرمان برقی» مجهز شده. از تابستان ۱۴۰۱ نیز دناپلاس توربو با گیربکس ۶ دنده به بازار کشورمان آمد که تنها تفاوتش با مدل‌های توربو ۵ دنده، بازهم در «فرمان برقی» خلاصه می‌شد. ایران خودرو همچنین از زمستان ۱۴۰۱ نسخه لوآپشن دنا پلاس معمولی را هم به بازار آورد که رینگ آلومینیومی نداشت و ترمز عقب آن نیز از دیسکی به کاسه‌ای تغییر کرده بود. شرکت ایران‌خودرو در بهار ۱۴۰۲ دو آپشن جدید «سنسور نور» و «سنسور باران» را به خانواده دنا پلاس توربو (دستی و اتومات) افزود.

پژو پارس
صفر / قیمت ۸۲۵ میلیون تومان

با اینکه بارها اعلام شده است پژو پارس از چرخه تولید حذف خواهد شد اما همچنان تولید می‌شود. پژو پارس نیز با رشد ۶۰ میلیون تومانی، قیمت ۸۲۵ میلیون تومانی را ثبت کرده است.قیمت کارخانه این خودرو ۳۴۰ میلیون تومان است.پژو پارس این روزها در قالب دو تیپ با نام‌های پارس سال (با پیشرانه ۱/۸ لیتری XU۷ و پارس LX با پیشرانه ۱/۶ لیتری TU۵ به مشتریان تحویل داده می‌شود که هر دو تیپ علی‌رغم شباهت‌های فنی و افت کیفیت در طی چند سال اخیر، از شرایط مناسبی در بازار فروش برخوردارند. ایران خودرو از اواخر سال ۹۷، «رینگ آلومینیومی» را از تجهیزات استاندارد پارس LX و اتومات و همچنین «ترمز عقب دیسکی» را هم از تجهیزات استاندارد پارس LX حذف کرد. ایران‌خودرو همچنین از بهار ۱۴۰۱، تیپ‌های جدیدی را با نام «پارس سفارشی» و «پارس سفارشی ELX» به بازار فرستاد. در پارس سفارشی ELX چندین ویژگی جدید دیگر نیز نصب شده که عبارتند از: سنسور نور، سنسور باران، سنسور باد تایر، آینه تاشو برقی، صندلی برقی و مالتی‌مدیا (دوربین عقب با مانیتور لمسی). هر دوی این تیپ‌ها، هم با موتور XU۷P و هم با موتور TU۵ فروخته شدند و تنها تفاوتشان در آپشن، اضافه شدن «کروز کنترل» بود که فقط روی پارس TU۵ سفارشی ELX نصب است. ایران خودرو به دلیل رعایت استانداردهای ایمنی، در سال ۱۴۰۲ آپشن‌های «چراغ دی‌لایت» و همچنین «چراغ پوزیشن لامپ» را به تجهیزات استاندارد خودرو اضافه کرد.

هایما اس ۸
مدل ۱۴۰۱ / قیمت یک میلیارد و ۸۶۰ میلیون تومان

قیمت هایما S۸ مدل ۱۴۰۱ هم با رشد ۱۰۰ میلیونی، یک میلیارد و ۸۶۰میلیون تومان شد. قیمت کارخانه این خودرو یک میلیارد و ۲۱۳ میلیون تومان است. پرچمدار هایما در ایران، نخستین‌بار و در جریان نمایشگاه خودروی تهران در بهار ۱۴۰۱ رونمایی شد. سپس از پاییز همان سال نیز تولید انبوهش در کارخانه ایران‌خودرو خراسان آغاز شد. هایما S۸ متولد سال ۲۰۱۸ است اما ابتدا از مدل ۲۰۱۹ به بازار جهانی آمد. این خودرو، همه چیزش با سایر کراس‌اوورهای خانواده هایما فرق دارد؛ به عنوان مثال، طراحی آن با مدل‌های S۵ و S۷ که پیش از این در بازار کشورمان دیده بودیم، کاملا فرق دارد. حتی اسمش هم شبیه بقیه اعضای خانواده هایما نیست! چراکه با یک عدد (۸) شروع شده و سپس یک حرف لاتین (S) به‌دنبال آن آمده است. البته این نوع نامگذاری، شاید شروع سبک جدید نامگذاری محصولات هایما باشد چراکه ون هایما vX که سال ۲۰۲۰ معرفی شد و همچنین کراس‌اوور پلاگین هیبرید هایما P۶ که در سال ۲۰۲۱ به بازار چین آمد نیز با همین شیوه جدید، نامگذاری شده‌اند. بااینکه هایما S۸ وزن خشکی معادل ۱۵۶۰ کیلوگرم دارد اما می‌تواند صفر تا ۱۰۰ را در ۸ ثانیه طی کند و حداکثر به سرعت ۱۸۰ کیلومتر برساعت برسد. ضمن اینکه مصرف ترکیبی‌اش نیز تنها ۷/۲ لیتر است.

تارا اتوماتیک
تیپ V۴ / قیمت یک میلیارد و ۶۰ میلیون تومان

قیمت تارا اتوماتیک تیپ V۴ که گران‌ترین سواری داخلی در بازار آزاد است، به مرز یک میلیارد تومان رسیده است. تارا اتوماتیک تیپ V۴ اوایل دی‌ماه در بازار آزاد خودرو حداکثر ۹۱۵ میلیون معامله می‌شد و حالا ظرف سه هفته شاهد رشد تقریبا ۱۰۰ میلیونی قیمت سدان اتوماتیک جدید ایران‌خودرو هستیم. تارا اتوماتیک تیپ V۲ که اردیبهشت امسال و قبل از عرضه تارا V۴ چنین ارقامی را به‌چشم دیده بود، الان در بازار آزاد خودرو یک میلیارد و ۶۰ میلیون تومان است. قیمت این خودرو در کارخانه ۶۸۱ میلیون و ۴۳۴ هزار تومان است. تارا اتوماتیک تیپ V۴ از نظر فنی تفاوتی با نسخه فعلی (تیپ V۲) ندارد و همان پیشرانه ۱/۶ لیتری TU۵ پلاس روی آن نصب شده است. این پیشرانه ۱۱۳ اسب بخار قدرت را با گشتاور ۱۴۴ نیوتن متر تولید می‌کند و جعبه دنده شش سرعته اتوماتیک AT توان را به چرخ‌های جلوی این سدان ملی انتقال می‌دهد. هنوز مشخص نیست تارای جدید از جعبه دنده‌های ساخت DAE استفاده می‌کند یا لندای (Landay) روی آن نصب می‌شود. در تارا اتوماتیک V۴ امکانات جدیدی مانند بازشوی برقی صندوق عقب با سنسور حرکتی پا، صندلی برقی شش حالته راننده، دوربین عقب با خطوط پارک متحرک، چراغ خوش‌آمدگویی زیر درها و زیرپایی و... اضافه شده است.

شاهین cvt
اتومات ۱۴۰۲ / قیمت ۸۰۰ میلیون تومان

شاهین سی‌وی‌تی اتومات مدل ۱۴۰۲ صفر ۸۰۰ میلیون تومان به فروش می‌رسد. شاهین رشد ۱۵ میلیون تومانی داشته است. قیمت کارخانه این خودرو ۶۴۱ میلیون و ۷۱۸ هزار تومان است. شاهین CVT در قسمت فنی، هیچگونه تغییری نسبت به شاهین دنده‌ای G نداشته و فقط وزن خالصش، حدود ۵۰ کیلوگرم افزایش یافته است. ضمن اینکه مصرف ترکیبی خودرو نیز که در شاهین دنده‌ای معادل ۷/۵ لیتر بوده، در شاهین CVT به حدود ۷/۲ لیتر رسیده است. شاهین اتوماتیک در قسمت فنی نیز مجهز به گیربکس CVT با تعویض دنده ۷ سرعته تیپ‌ترونیک است. همچنین وزن خودرو حدود ۵۰ کیلوگرم افزایش یافته و به عدد ۱۳۲۰ کیلوگرم رسیده است. ضمن اینکه مصرف سوخت شاهین CVT معادل ۷/۵۲ لیتر اعلام شده که تقریبا ۰/۳ لیتر از شاهین MT، بیشتر است. پیشرانه توربوشارژر M۱۵T در این نسخه از شاهین ۴ سیلندر و ۸ سوپاپ دارد. جعبه‌دنده شاهین اتوماتیک توسط شرکت پانچ بلژیک تولید می‌شود که در سطح جهانی شناخته شده است و در بازارهای جهانی حضوری فعال دارد. این جعبه‌دنده در تیپ ترونیک قابلیت تعویض دنده ۷ سرعته به‌صورت مصنوعی را دارد. شاهین یکی از پرحاشیه‌ترین خودروهای ملی در تاریخ صنعت خودروی ایران است. فرآیند توسعه این خودرو چندین بار با وقفه و تغییر مواجه شد تا در نهایت مشتریان ایرانی توانستند با شاهین ارتباط برقرار کنند. اعلام قیمت بالاتر نسبت به تارا دنده‌ای، کمبود امکانات رفاهی و ایمنی و همچنین مشکلات مونتاژی در سری‌های نخست، مانع از آن شدند که شاهین به خودروی موفقی در ایران تبدیل شود.

چهارچرخ

انتشار اولین تصاویر از نسل جدید کادیلاک

پدال نوشت: اولین تصاویر رسمی نسل دوم کادیلاک XT۵ منتشر شده است. این خودرو سال آینده در چین و آمریکای شمالی عرضه خواهد شد.در چین، خودروسازان باید پیش از رونمایی یک خودروی جدید، تصاویر و اطلاعات آن را در اختیار وزارت صنعت این کشور قرار دهند که در وب‌سایت این وزارتخانه منتشر می‌شود و از این طریق، می‌توانیم خیلی از خودروها را قبل از معرفی رسمی ببینیم. جدیدترین خودرویی که تصاویر آن در وب‌سایت وزارت صنعت چین منتشر شده، نسل بعدی کادیلاک XT۵ است. این خودرو اما علاوه بر چین، برای بازار آمریکا هم اهمیت خواهد داشت. حال به لطف تصاویر وزارت صنعت چین، می‌توانیم طراحی نسل دوم این کراس‌اوور میان‌سایز کادیلاک را ببینیم. طراحی این ماشین به‌وضوح تکاملی از نسل کنونی است اما طراحان در به‌روزرسانی XT۵ خوب عمل کرده و آن را مطابق با جدیدترین زبان طراحی کادیلاک شکل داده‌اند. خودرو حالا فرمی عمودی‌تر و جعبه‌ای شکل پیدا کرده است و در جلو از چراغ‌های باریکی استفاده می‌کند که بالای جلوپنجره جای گرفته و توسط یک تریم نقره‌ای به هم متصل شده‌اند. کمی پایین‌تر، چراغ‌های عمودی آشنای کادیلاک جلب‌توجه می‌کنند درحالی‌که جلوپنجره کمی نسبت به نسل قبلی کوچک‌تر شده است. در قسمت جانبی، شاهد طراحی ساده‌تری هستیم که درعین حال نمای شیک‌تری را ایجاد کرده و خطوط جدیدی را بالای دهانه گلگیرها نشان می‌دهد. نسل جدید XT۵ رشد ابعادی جزئی را تجربه کرده است. طول این ماشین ۴۸۸۸ میلی‌متر اعلام شده که حدود ۷۵ میلی‌متر از نسل قبلی بیشتر است. این افزایش احتمالاً فضای بار و سرنشین XT۵ را بیشتر خواهد کرد.

نیم کلاچ

خطر تعدیل نیرو در خودروسازان خصوصی

تولید بدون ارز، شیر بی‌یال و کوپال است

صنعت خودروی کشور از جمله صنایعی است که در دوران تحریم بیشترین آسیب را تحمل کرده است. از تصمیمات یک‌شبه و بدون کارشناسی ۵ سال اخیر در وزارت صمت تا نظرات غیر متخصصان تصمیم‌ساز همه و همه باری است که بر دوش این صنعت سنگینی می‌کند. در سال‌های اخیر حتی یک سنگ از راه این صنعت برداشته نشده و وزارت صمت به عنوان سیاستگذار کلان با تصمیمات غیرکارشناسی بیشترین سهم را در ناکامی این صنعت دارد.

به گزارش عصر خدمات اما اگر امروز همه این مشکلات را در یک کفه ترازو و مشکلات ارزی خودروسازان را در کفه دیگر قرار دهیم، قطعا این کفه مشکلات ارزی است که پایین‌تر می‌ایستد. عدم تخصیص به موقع و کافی ارز به خودروسازان چه در بخش خصوصی و چه در بخش دولتی به ویژه در شش ماهه دوم سال جاری باعث شده کم‌کم چراغ تولید که به زحمت روشن مانده است، کم‌نور و کم‌نورتر شود.

صنعت خودروی کشور حتی در اشل دو خودروساز داخلی که معتقدند پلتفرم‌های آنها کمترین وابستگی ارزی را دارند، باز هم دست‌کم حدود ۳۰ درصد به مواد اولیه خارجی وابسته است. این در حالی است که برای گسترش فناوری در محصولات و پلتفرم‌های جدید ماژولار قطعا وابستگی به ارز و قطعات های تک حتی بیشتر است. زیرا هنوز به ویژه در بخش قطعات الکتریکال خودرو، قطعه‌سازان داخلی به آن جایگاه کیفی نرسیده‌اند.ضمن اینکه حتی قطعه‌سازان نیز خود برای تهیه مواد اولیه نیازمند ارز هستند. یکی از دلایل افت تولید خودرو در کشور در دو خودروساز بزرگ طی شش ماهه دوم سال در مقاطعی عدم اختصاص ارز مورد نیاز به قطعه‌سازان است.

شرایط سخت بخش خصوصی

در بخش خصوصی حتی شرایط سخت‌تر است. خودروسازان بخش خصوصی برای دستیابی به ارز مورد نیاز تقریبا دست به هر کاری طی سه سال اخیر زده‌اند. از تعامل و تهاتر با معدن‌داران مس و روی و آهن گرفته تا صادرات فرش و پسته همه روش‌هایی بوده که خودروسازان بخش خصوصی در پیش گرفته‌اند تا چراغ تولید را روشن نگه دارند اما طی سال گذشته عدم تعامل وزارت صمت، بانک مرکزی و به‌طور کلی بدنه دولت در حوزه صنعت خودرو بیش از هر دوران دیگری قابل لمس است. البته خبردرمانی اختصاص ارز از طرف بانک مرکزی و وزارت صمت و... همواره نقل همه برنامه‌های خبری بوده است. اما آنچه امروز واقعیت ماجراست، ایستادن همه خودروسازان در صف ارزی است.هرچند محمدرضا فرزین رئیس کل بانک مرکزی گفته از ابتدای سال تاکنون به واردات خودرو و قطعات آن ۵ میلیارد و ۴۱۶ میلیون دلار ارز اختصاص داده‌اند اما سوال اینجاست که این مقدار کافی بوده و در زمان مورد نیاز پرداخت شده است؟ با این احوال اما عباس علی‌آبادی وزیر صمت که می‌گفتند تکنوکراتی اهل فن است و اهل تکنیک را راهی جاده مخصوص می‌کند، تا به امروز بر مبنای سابقه مپنایی خود تنها کابل برق ضعیفی را به صنعت خودرو وصل کرده که خود یک نیاز جدید ارزی برای خودروسازان است!

رفع چالش ارز به جای برقی‌سازی

در حقیقت شاید اگر وزیر صمت قبل از اینکه با عجله به فکر برقی کردن جاده مخصوصی‌ها باشد، به فکر رفع چالش‌های ارزی آنها بود، امروز خطر تعدیل نیرو به ویژه در خودروسازان خصوصی وجود نداشت. در واقع به قول یکی از فعالان و کارشناسان بازار خودرو به نظر می‌رسد، آقای وزیر در حوزه خودرو آنچنان که باید تصمیم‌گیر نیست! البته این همه ماجرا نیست، زیرا خودروسازان باتوجه به شرایط موجود ارزی طبق روال هر ساله در ماه‌های پایانی سال نمی‌توانند برنامه‌های دقیقی برای توسعه محصول و سرمایه‌گذاری برای سال آتی داشته باشند. در حقیقت در شرایط فعلی نمی‌توان خودروسازی را یافت که بتواند حتی یک برنامه کوتاه‌مدت یک ساله تدوین کند و به سمت آن پیش برود.

مسکوت ماندن پروژه‌های جدید

بسیاری از پروژه‌های خودروسازان به ویژه در بخش خصوصی به دلیل کمبود ارز مسکوت مانده است و معرفی محصولات جدید نیز در هاله‌ای از ابهام ارزی قرار دارند. حتی خبرهایی در جاده مخصوص وجود دارد که خودروسازان به دلیل عدم دریافت ارز مورد نیاز تولید را کاهش داده‌اند تا از اندک منابعی که در اختیار دارند در زمان بیشتری استفاده کنند.روی دیگر این سکه خدشه‌دار شدن اعتبار خودروسازان در بیرون از مرزها و همکاری با شرکای خارجی است. زیرا با توجه به کمبود ارز خودروسازان داخلی نتوانسته‌اند به تعهدات در همکاری‌های مشترک عمل کنند و از این رو بعضی از شرکای خارجی میل به ادامه همکاری با خودروسازان ایرانی ندارند.

وب گردی

پیشرفته‌ترین شاسی‌بلند چانگان توسط سایپا به ایران می‌آید

چرخان نوشت: چانگان دیپال S۷ به‌عنوان پیشرفته‌ترین شاسی‌بلند چانگان توسط سایپا به ایران می‌آید. خبرها حاکی از آن است که گروه خودروسازی سایپا طرح واردات چانگان دیپال S۷ را به‌عنوان پیشرفته‌ترین شاسی‌بلند چانگان در دستور کار خود قرار داده و به‌زودی نیز شاهد ورود مدل‌های اولیه این شاسی‌بلند چینی خواهیم بود. این شاسی‌بلند که با نام چانگان شنلان اس ۷ نیز شناخته می‌شود، در تیپ هیبرید E-REV به بازار ایران راه پیدا خواهد کرد. چانگان دیپال S۷ در نسخه هیبریدی به یک موتور ۱/۵ لیتری تنفس طبیعی به‌همراه موتورهای برقی مجهز شده است. موتور بنزینی ۱/۵ لیتری تنفس طبیعی در این خودرو عملکردی مشابه ژنراتور دارد و می‌تواند قدرتی برابر با ۹۴ اسب بخار را به تولید برساند. موتور برقی این خودرو نیز قادر به تولید قدرتی برابر با ۲۳۸ اسب بخار و گشتاور ۳۲۰ نیوتن‌متر است. چانگان S۷ DEEPAL هیبریدی در دو تیپ با مجموعه باتری ۱۸/۹۹ کیلووات‌ساعت و ۳۱/۷۳ کیلووات‌ساعتی عرضه می‌شود که به‌ترتیب با یک بار شارژ کامل امکان پیمایش مسافتی برابر با ۱۲۰ کیلومتر و ۲۰۰ کیلومتر را فراهم می‌سازد. همچنین پیمایش این دو تیپ در حالت ترکیبی نیز به‌ترتیب ۱۰۴۰ کیلومتر و ۱۱۲۰ کیلومتر خواهد بود. البته در حال حاضر مشخص نشده این خودرو در کدام تیپ روانه بازار ایران خواهد شد. چانگان دیپال S۷ از ۲۷ سنسور مختلف برای ارائه قابلیت رانندگی خودکار بهره می‌برد؛ یعنی این خودرو بدون دخالت راننده نیز قادر به حرکت خواهد بود. چانگان برای این سیستم از چیپست ۸۱۵۵ اسنپدراگون کوالکام نیز استفاده کرده است. از امکانات رفاهی و ایمنی این خودرو می‌توان به سامانه کنترل پایداری و کنترل کشش (ESP)، ترمز اضطراری خودکار (AEB)، رادار تصادف از جلو (FCW)، سیستم نور بالای اتوماتیک (IHC)، سیستم کمکی کروز هوشمند(ICA)، کروز کنترل هوشمند تطبیقی(ACC)، سیستم کمکی حرکت در ترافیک (TJA)، سیستم کمکی ماندن در بین خطوط (LKA)، رادار نقطه کور (BSD)، رادار تصادف از عقب (RCTA)، سیستم هشدار خروج از خط (LDW)، سیستم هشدار و پیش‌بینی برخورد در اثر تغییر لاین (LCA)، باز و بسته کردن و تنظیم آینه‌های جانبی به‌شکل برقی و مجهز به گرم‌کن، ترمز پارک برقی و اتوهولد، سنسورهای نور و باران، سیستم نمایش فشار باد تایرها (TPMS)، مانیتور لمسی، آینه الکتروکرومیک، هدآپ دیسپلی، دستگیره‌های مخفی و سیستم تهویه مطبوع اتوماتیک اشاره کرد.

دیجیتال

راهنمای خرید پخش بلوتوثی ارزان برای ماشین تیبا آبی

آبان فریزان | شبیه بالاخره خودم را از شر پخش فابریک ماشینم خلاص کردم. ماشین مدل ۱۳۹۵ است و تا حالا دستگاه پخش بدون عیب و ایراد کار کرده اما از وقتی ۶۰۰هزار تومان پول دادم و اکانت اسنپ‌فودی یک‌ساله خریدم احساس کنار شدیدی به اتصال بلوتوث دارم. دستگاه پخش ماشین من با تکنولوژی اواخر دهه ۸۰ کار می‌کند. فلش می‌خورد اما اتصال بلوتوث ندارد. روزانه یک‌ساعت تا دو ساعت را در ماشین سپری می‌کنم و علاوه بر اینکه تا الان تمام قطعات موسیقی ساخته شده در طول تاریخ بشریت را چندمرتبه مرور کرده‌ام حدیدا به پادکست‌ها و کتاب‌های صوتی معتاد شده‌ام.

سرتان را درد نیاورم؛ شنبه، وقتم به راسته فروشندگان سیستم‌های صوتی در خیابان سیروان تهران تا دستگاه پخش جدیدی با قابلیت بلوتوث بخرم. فروشنده مغازه‌ای شیک و بزرگ وقتی متوجه شد دنبال پخش پول کوچک برای تیبا مدل ۹۵ هستم با انگشت پایین را نشان داد و گفت برو چهارتا مغازه پایین‌تر ما از «اینا» نداریم. جایی که آدرس داده بود را در کوچه‌ای بن‌بست پیدا کردم. فروشنده دوباره مدل را به‌ما سفید. تحویلم گرفت و گفت چقدر می‌خوای بدهی.

گفتم هرچقدر کمتر بهتر! خندید و با مهربانی گفت قیمت پخش پنل ثابت از یک میلیون و ۲۰۰هزار تومان شروع می‌شود و پخش پنل متحرک از یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان به بالا. تا دو میلیون فقط می‌توانی دستگاه‌های چینی بخری. چشم‌هم‌به‌برق زد. ادامه داد، برندهای خوب مثل پایونیر، کنوود و JVC از چهار میلیون شروع می‌شوند. فاصله‌ای که ناخواسته در عوض این معایب خوب کار نمی‌کنه از یک میلیون و ۲۰۰هزار تومان شروع می‌شود و به‌قدر کافی نزدیکش نرویم، هیچ‌کدام از دستوراتش را اجرا نمی‌کنه. بعد از دو روز تحقیق‌ها این مسئله کنار آمدم‌ام و الان حتی گاهی قربان‌صدقه‌اش می‌روم. شاید این شکلی کار راحت‌تر بریم باشد؟

دستگاه پخش ماکسیمز را انتقسیم در عوض این معایب کوچک، به مزیت بزرگ ته. تا حالا ۱۰ نسخه وقتی با بلوتوث دستگاه حرف می‌زنم آن‌طرف خط درباره کم‌بودن اسم‌ها با نویز مزاحم شکایتی داشته باشند. هرچند احتمال می‌دهم حداقل یک‌دوم شکایتی‌اش دوم بیاورد. بلافاصله گفتم ولی یک میلیون بیشتر ندارم.

فاصله‌ای که ناخواسته بین فک بالا و پایینم ایجاد شده بود را کم کردم و گفتم بلوتوث داشته باشد. یادم افتاد گاهی ماشین را کنار خیابان و پی‌کار می‌کنم. اضافه کردم با پنل متحرک. این مرتبه چشم‌های فروشنده برق زد اما نگاشتم خوشحالی‌اش دوام بیاورد. بلافاصله گفتم ولی یک میلیون بیشتر ندارم.

تب تند نات‌کوین

آیا داستان متهورانه بیت‌کوین تکرار می‌شود یا قرار است سوی چشم‌ها و قوت انگشت‌هایمان را فدای رویای یک‌شبه پولدار شدن کنیم؟

ادامه در صفحه ۷

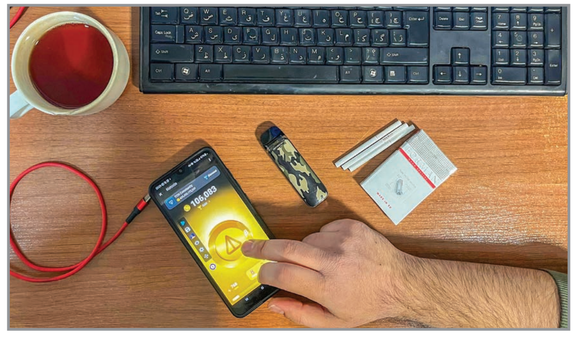

کاربران برای استخراج و دریافت نات‌کوین باید وارد ربات تلگرامی شوند و با ضربه‌زدن روی یک دکمه، نات‌کوین بگیرند. برای افزایش تعداد نات‌کوین‌های دریافتی راه‌حلی دیگری مثل افزایش انرژی، افزایش سرعت شارژ مجدد، زدن چند ضربه همزمان و استفاده از ربات Tap Bot وجود دارد.

۴ | ربات تلگرامی رسمی نات‌کوین در آدرس t.me/notcoin_bot قابل دسترس است. همه می‌توانند به‌صورت رایگان از این ربات استفاده کنند و وارد مینی اپلیکیشن یا بازی تلگرامی نات‌کوین شوند. اگر برای ورود به ربات از لینک معرفی شخص دیگری استفاده کنید، به هر دو نفر ۲۵ هزار نات‌کوین رایگان تعلق می‌گیرد. اگر حساب تلگرام شخصی که دعوت شده است، پریمیوم باشد ۵۰۰ هزار نات‌کوین رایگان به هر دوی آن‌ها می‌رسد. بعد از ورود به بازی یک دکمه بزرگ به شکل سکه نمایش داده می‌شود که با ضربه زدن روی آن می‌توانید نات‌کوین دریافت کنید. همچنین می‌توانید با مصرف کردن مقداری از نات‌کوین‌های خودتان امکانات اضافی بگیرید و تعداد نات‌کوین‌هایتان را افزایش دهید. هر روزی که به ربات و بازی نات‌کوین سر بزنید، مقداری نات‌کوین رایگان دریافت خواهید کرد. از دیگر بخش‌های ربات تلگرامی نات‌کوین می‌توان به لیگ‌های آن اشاره کرد. کاربران بر اساس تعداد نات‌کوین‌های دریافتی و راه‌کارهای مختلفی برای فروش یا اجاره عرضه کرده، در خیابانی نسبتا پردازودرخت قرار گرفته است. واحدهای آکوا بوم از دسته از خانه‌هایی هستند که شیشه‌های بسیار بزرگ و قدی دارند که البته خرید پرده برای آنها مدار از روزگار آدم در می‌آورد. ویو سردرختی مربوط به طبقه دوم و سوم است، یعنی درخت‌ها انقدری بلند هستند که اگر از پنجره نگاه کنید، آنها را خواهید دید. برخی از امکان‌ها از عبارت فرهنگی نشین استفاده می‌کنند. این یعنی می‌خواهند به شما بقبولانند که همسایه‌های آینده‌شان با فرهنگ و کمالات هستند. مذهبی‌نشین هم شامل ساختمان‌های می‌شود که خانواده‌های مذهبی در سالن آن هستند. واحدهای ویو اقیانوس هستند که از ساختمان مرکزی شهرداری ملارد دیده می‌شود. مرتضی نیستند. حامد گفته این پروژه خیلی خوب برای ما پروموت کردن بقیه پروژه‌های تحت تلگرام آمده و احتمالا درآمد اسپانسری خوبی گیرش می‌آید. پس فکر کنم بخشی از درآمد را بین استفاده‌کننده‌ها تقسیم کند که احتمالا خیلی کم است. حداقل بازی‌های تلگرامی قابل استفاده باشد. این افراد معمولا ماجرا را از دیدگاه تبلیغات و بازاریابی نگاه می‌کنند. غنچه از صمیم قلب ارزو کرده که داستان تلگرام اعلام کند با همین مستقیم جدای را خطاب قرار داده: پنیر رایگان نات‌کوین می‌شود اکانت پریمیوم خرید و با لحن خاصی نوشته: خدا شاهده من به همین هم راضی هستم. هانیه هم به وجود نات‌کوین‌ها در مجازی را توی تلهوش گذاشته بودند. مرتضی سابقه دارد ولی خیلی محدود و برای افراد خاص با امتیاز بالا. چندهفته پیش ۱۰ هزار دلار بابت طراحی لوگو پرداخت دارد. ولی نفر اول هزار دلار گیرش آمد و به‌ترتیب نفرات بعدی رقم کمتری دریافت کردند. صادق گلایه کرده: اصلا با عقل جور درنمی‌آید. کلیک کنی روی چیزی و بعازای همین کلیک ساده پول ملت آن‌هم به دلار پرداخت کنند؟ حالا شاید کلاهبرداری نباشد اما به‌نظرم نمی‌تواند از بازی ساده هم جلوتر برود.

۷ | گروهی که خودشان را بلدکار می‌دانند و ادعا دارند در برنامه‌نویسی، کامپیوتر (سخت‌افزار و نرم‌افزار)، ماینینگ و تریدساحب‌نظر هستند، گفته‌اند از دید فنی بررسی کرده‌اند. کیوان یکی از آنهاست. وقتی لانچ بشه هیچ‌کس Ton برای پرداخت کارمزد ندارد. فقط یک افزایش تقاضا برای نیتورد the open network و بعدش نهایتا باید انتظار دیده شدن پروژه‌هایی بر بستر آن و داشتن. سامان اطلاعات خوبی در حوزه زیردیجیتال دارد و معتقد است با توجه به تعداد و ارزش کل بازار بیت‌کوین، قیمت هر نات‌کوین می‌تواند حدود ۰/۰۰۰۱دلار به حتی اگر چند میلیون میلیون تومان! همین حالا ربات‌هایی برای تقلب ساخته شده‌اند. جای اعتماد آدم را می‌گیرد و کلیک‌های متوالی در حجم میلیون تحویل می‌دهد. رضا به تلگرام و پاول دورف رتبه اضافه داده، در فضای مجازی، از ملت پسول واقعی می‌گیرد. برای خودشان سه سایت ساخته‌اند تا دارد وقتی خودتان حدوده گوشی را نداشته باشید ربات می‌تواند تا ۱۲ ساعت جای شما کلیک کند بدهد. خیلی‌ها امیدوار Ton اشنایی نداشتند و الان فکر می‌کنند می‌شود با نات‌کوین اینده‌ای داشت چون سرنوشتی مثل بیت‌کوین دارد. محمد با این نظریه موافق است. هدف اصلی از ارائه نات‌کوین افزایش آگاهی و جلب توجه افراد جدید نسبت به بلاکچین تون و تون کوین بود که کاملا هم موفق شده‌اند.

۸ | نات‌کوین اغواگرانه به مسیرش ادامه می‌دهد. دلیل می‌خواهید؟ مردم همین الان پیامی برای هم فوروارد می‌کنند با این مضمون: به‌سری اخبار امده که می‌گن هر یک میلیون نات‌کوین بیست ۱۰۰ دلار ارزش دارد یعنی تقریبا پنج تا ۱۰ میلیون تومان. فعلا در حد اخبار غیررسمیه ولی قطعا وقتی تلگرام این ارز رو معرفی کرده میلیون‌ها نفر دارن استخراج می‌کنند. قطعا این تو صرافی‌ها لیست می‌شه. ارز قبلی تلگرام TON بود اولش که لیست شد ۳۷ سنت بود الان ۲/۴دلار! شما جای شخصی که چنین پیامی دریافت می‌کند و به فرستنده باور دارد باشید، وسوسه نمی‌شود؟ انگشت‌هایتان را به‌کار نمی‌اندازد؟ گام ادمی از در اندک داری بدش می‌اید؟

۹ | پیام ارسال شده برای تبلیغ جنبش انگیزی نات‌کوین را نباید جدی گرفت چون تقریبا تمام نشانه‌های یک هرزنامه تبلیغاتی در خلق و خوی مسیج‌چین را در خود جاداده؛ از رنگ بنفش زننده‌اش پس‌زمینه گرفته تا سایز و فونت نوشته. چندجا غلط املایی و تایپی وجود دارد. در چند مورد از افراق کمک گرفته‌اند و حتی یک مورد دروغگویی عمدی یا قصد فریب و هدف اغفال و فریب را شاهد هستیم. بابک می‌گوید ۵ربات و کلیک‌کردن‌های مداوم از تاکتیک‌های شبکه‌سازی و جذب کاربر استفاده کرده. مهرداد اولین نفر نیست اما در قیاس با بقیه پشت‌کار داشته. دوتایی حدود یک هفته پیش کار کلیک کردن را شروع کرده‌اند و روزانه توقع دارند چیزی بیشتر از سرگرمی و هیجان نصیبشان شود. دور هم‌دی سرگرم می‌شویم، می‌خندیم، رقابت می‌کنیم، به هیبت دوستان صمیمی و رفاقتی جان درمی‌ایم و بعدش... بنگ! هیچی. در آن پوچی مطلق کسالت‌آور کسانی کمتر دچار جذابیت

دانلود را فراموش کن!

نتفلیکس از افزایش مخاطبان و درآمد در سال ۲۰۲۳ خبر داد

سرویس تماشای آنلاین و آفلاین نتفلیکس در سال ۲۰۲۳ توانسته است به درآمد بیش از ۳۲ میلیارد دلاری برسد. این میزان درآمد ۴/۰۳ درصد نسبت به سال گذشته افزایش داشته است. درآمد سال ۲۰۲۲ بیش از ۳۱ میلیارد دلار بوده که افزایش ۶/۴۶ درصدی نسبت به سال ۲۰۲۱ داشته است. این پلتفرم آمریکایی از سال ۱۹۹۷ کارش را با اجاره دی‌وی‌دی آغاز کرد. نتفلیکس که همزمان با تغییرات فناوری دیجیتال در دنیا پیش رفت، به جایی رسید که در سال ۲۰۱۴ در ۴۱ کشور دنیا فعالیت می‌کرد و ۳۲ درصد سهم بازار فیلم در ایالات متحده را از آن خود کرده بود. این همراهی با تکنولوژی در دوران کرونا که باعث شد سینماهای دنیا تعطیل بشود، برای نتفلیکس موفقیت به همراه آورد؛ چراکه در این زمان ۱۶ میلیون کاربر جدید به نتفلیکس اضافه شدند.

گردانندگان نتفلیکس، سرگرم کردن مخاطب را اولین هدف راه‌اندازی نتفلیکس می‌دانند و در خلاصه‌ای در مورد این سرویس تماشای آنلاین نوشته‌اند: «در نتفلیکس، ما می‌خواهیم دنیا را سرگرم کنیم. با هر سلیقه‌ای که دارید و هر جایی که زندگی می‌کنید ما به شما امکان دسترسی به بهترین سریال‌های تلویزیونی، مستند، فیلم و بازی را ارائه می‌دهیم. اعضای ما آنچه را که می‌خواهند تماشا کنند، در یک اشتراک ساده می‌توانند تهیه کنند. ما به بیش از ۳۰ زبان و ۱۹۰ کشور در حال پخش استریم هستیم. داستان‌های عالی می‌توانند از هر کجا بیایند و در همه جا دوست داشته شوند. ما بزرگترین طرفداران سرگرمی در جهان هستیم و همیشه به شما کمک می‌کنیم تا داستان مورد علاقه بعدی خود را پیدا کنید.» مدیر نتفلیکس در مصاحبه‌ای گفته بود: «شاید فقط خواب بتواند جلوی سریال دیدن را بگیرد.» شاید این جمله اغراق‌آمیز باشد اما وقتی به آمار نگاه می‌کنیم، رنگی از واقعیت دارد. در این بین یکی از شعارهای اصلی نتفلیکس هم به حقیقت نزدیک شده است. چند سال پیش، نتفلیکس ادعا کرد که کاری می‌کند تا مردم دانلود کردن فیلم و سریال را فراموش کنند. طبق آماری که به دست آمده، ۱۲ درصد مخاطبان حداقل سه قسمت را در یک روز مشاهده می‌کنند. ۴۰ درصد مخاطبان، هفتگی و ۲۵ درصد آنها ماهانه سه قسمت را پشت سرهم مشاهده می‌کنند. نتفلیکس جدولی از میزان بازدید ۱۸ هزار سریالش منتشر کرده که در سال ۲۰۲۳ درمجموع بیش از ۹۳ میلیارد و ۴۵۳ میلیون ساعت تماشا داشته است.

البته روزگار نتفلیکس در دوران همه‌گیری ویروس کرونا به کلی خوش نبود و این پلتفرم محبوب در آن دوران شرایط تلخ و ناگواری را هم تجربه کرد و اگرچه در دوران قرنطینه‌های خانگی با افزایش مخاطب روبه‌رو شد اما به دلیل توقف تولید آثار و افزایش هزینه‌ها و انباشت ضررها تا آستانه ورشکستگی رفت. اما اوضاع بر همین منوال نگذشت و این پلتفرم توانست گلیم خود را از آب بیرون بکشد و مسیری صعودی را طی کند. طی این مدت، نتفلیکس که به غول استریم‌ها و پلتفرم‌ها مشهور است، پیروزی‌های متعددی به دست آورد که در این بین می‌توان به جهش ۱۶ درصدی ارزش سهام این کمپانی که معادل بیش از ۱۰ میلیارد دلار است، اشاره کرد.

گزارش نتفلیکس درباره پربیننده‌ترین محتوای این پلتفرم نیز منتشر شده است. در این گزارش سه معیار ارزیابی شده است: ساعت‌های تماشا، در دسترس بودن یک نمایش در سطح جهانی و تاریخ انتشار یک نمایش. درمجموع، این گزارش بیش از ۱۸ هزار عنوان محتوای بارگذاری شده در این پلتفرم را پوشش می‌دهد، که شامل ۹۹ درصد از کل بازدیدها و نزدیک به ۱۰۰ میلیارد ساعت تماشای برنامه‌ها و سریال‌های نتفلیکس است. گفتنی است این میزان بازدید فقط از طریق سایت نتفلیکس ثبت شده است و به طور طبیعی در دنیای اینترنت، راه‌های بیشتری برای دانلود آثار نتفلیکس است که در این آمارها ثبت نمی‌شود. بر این اساس، سریال «مامور شب» با اقتدار در رتبه اول ایستاده و بیش از ۸۱۲ میلیون ساعت تماشا را به ثبت رسانده است. (کافه سینما)

کمیک

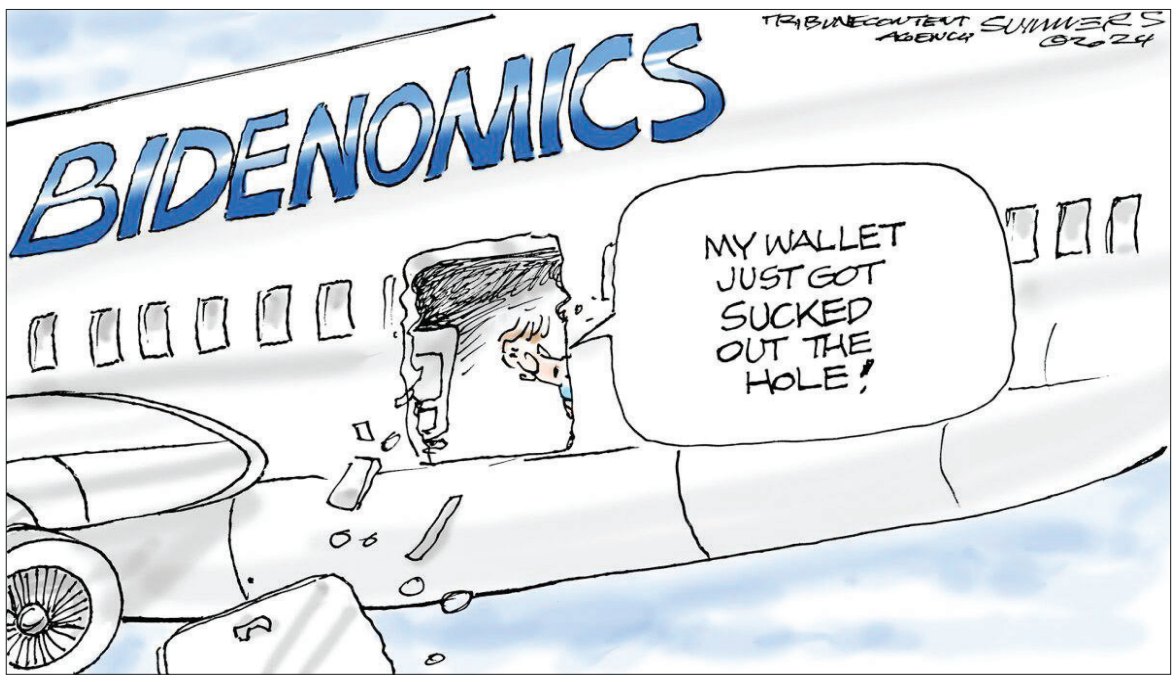

«بایدنومیکس» شعار اصلی کمپین انتخاباتی جو بایدن و ناظر بر دستاوردهای اقتصادی اوست. حال منتقدان رئیس‌جمهور آمریکا با طعنه و کنایه در این کارتون، این شعار را روی هواپیمای بوئینگی که هفته گذشته درب آن بر فراز آسمان از بدنه جدا شد و وسایل مسافران را در هوا پخش کرد، نوشته‌اند و در این بین یکی از مسافران فریاد می‌زند که بایدنومیکس کیف پولش را بلعیده است. کارتونی از یو اس نیوز

سایت‌نگار

صد و دومین روز جنگ غزه؛ تشدید حملات و بمباران در شمال و جنوب

صد و دومین روز از جنگ غزه در حالی آغاز شد که ساکنان منطقه شمال نوار غزه می‌گویند تانک‌های اسرائیلی بار دیگر به بخش‌هایی از این منطقه که هفته قبل از آن خارج شده بودند هجوم بردند و انفجارهای بزرگ و پیاپی در این منطقه روی داد. گزارش‌ها حاکی است که این نواحی روز سه‌شنبه، صحنه شدیدترین نبردها از روز اول ژانویه بود که اسرائیل اعلام کرد گستره عملیات در منطقه را کاهش می‌دهد. همچنین صدای تیراندازی متقابل در تمامی ساعات شامگاه دوشنبه در نوار مرزی با نوار غزه به گوش می‌رسید. اداره بهداشت نوار غزه روز سه‌شنبه اعلام کرد در حملات اسرائیل طی ۲۴ ساعت گذشته دست‌کم ۱۵۸ فلسطینی دیگر کشته شده و با احتساب این رقم، شمار کشته‌شدگان از شروع حملات اسرائیل تاکنون به ۲۴هزار و ۲۸۵ نفر رسیده است. علاوه بر این، بیش از ۵۷ هزار نفر مجروح و حدود ۷ هزار نفر نیز مفقود شده‌اند که تصور می‌شود جنازه آن‌ها زیر آوار دفن شده است. وزارت آموزش و پرورش فلسطین اعلام کرد که از آغاز تجاوزات اسرائیل به نوار غزه و کرانه باختری اشغالی تاکنون ۴ هزار و ۳۶۸ دانش‌آموز شهید و ۸هزار و ۱۰۱ دانش‌آموز نیز زخمی شده‌اند. اداره بهداشت غزه همچنین به گسترش هپاتیت A اشاره و تاکید کرد که این بیماری نتیجه ازدحام بیش از حد و سطح پایین بهداشت در مکان‌های حضور آوارگان در نوار غزه است. (میدل ایست نیوز و ایسنا)

ارسال پیام تبلیغاتی به فضا برای دعوت از گردشگران فرازمینی

لکسینگتون در قلب منطقه بلوگراس کنتاکی آمریکا دست به کار خلاقانه‌ای برای ترویج توریسم و گردشگری زده است. دانشمندان با ارسال پیامی به یک منظومه ستاره‌ای در فاصله ۴۰ سال نوری از ما، بیگانگان فضایی احتمالی ساکن در این منطقه از فضا را به بازدید از ایالت کنتاکی و صرف یک نوشیدنی خنک دعوت کردند. این پیام لیزری فروسرخ رمزگذاری‌شده، به سوی منظومه ستاره‌ای تراپیست-۱ ارسال شده که دست‌کم هفت سیاره زیست‌پذیر دارد. دانشمندان در لکسینگتون با ارسال پیامی به فاصله حدود ۳۸۰ تریلیون کیلومتری، این ایده تبلیغاتی جالب را پیاده کردند. اگرچه رسیدن این پیام به مقصد در حدود ۳۸ سال و ۲۶۲ روز و هفت ساعت و ۹دقیقه و ۴۲ ثانیه طول می‌کشد، این تبلیغ از نظر خلاقانه بودن، نو و جالب توجه به شمار می‌رود. به گزارش نیویورک پست، این پیام رمزگذاری‌شده، «بیت‌مپ» یا به‌اصطلاح «بیت‌نگاشت» است که به گفته دانشمندان، حاوی اطلاعاتی درباره زمین، از جمله اعداد اول، عناصر تناوبی که اجزای سازنده حیات در زمین‌اند و نیز تصاویری از انسان و اسب است. در این پیام همچنین شکل تپه‌های کنتاکی و چند کلمه کوتاه به معنای «از لکسینگتون دیدن کنید» وجود دارد که به انگلیسی ساده نوشته شده است. این نخستین پیام تبلیغاتی گردشگری است که به فضا پرتاب می‌شود و اگر حیات فرازمینی هوشمندی در آن منظومه وجود داشته باشد، ممکن است بتواند آن را دریافت و رمزگشایی کند. (اینديپندنت)

رافائل نادال سفیر تنیس عربستان سعودی می‌شود

فدراسیون تنیس عربستان سعودی روز دوشنبه در راستای اهداف این کشور برای پیشرفت‌های ورزشی گسترده‌تر و میزبانی مسابقات حرفه‌ای بیشتر، رافائل نادال را به‌عنوان سفیر این فدراسیون انتخاب کرد. به گزارش فرانس ۲۴، در بیانیه مطبوعاتی این فدراسیون به نقل از این بازیکن ۳۷ساله اسپانیایی و برنده ۲۲ جایزه گرند اسلم آمده است: «به هر گوشه عربستان سعودی که نگاه کنید، رشد و پیشرفت را می‌بینید و من از اینکه بخشی از این پیشرفت خواهم بود، هیجان‌زده‌ام.» او در ادامه افزود: «از آنجا که عاشق تنیسم، به این بازی ادامه می‌دهم. اما فراتر از بازی کردن، می‌خواهم کمک کنم تا این ورزش در سراسر جهان رشد کند و در عربستان سعودی پتانسیل واقعی وجود دارد.» نادال که در سال ۲۰۲۳ لگنش آسیب دید و از دور مسابقات خارج شد، قرار بود اکنون در حال رقابت در مسابقات آزاد استرالیا باشد اما پس از پیروزی در دو مسابقه ابتدایی در بریزبن استرالیا، هنگام تمرین دچار پارگی عضله شد و به ناچار اولین گرند اسلم سال ۲۰۲۴ را از دست داد. نادال پیش‌تر گفته بود که «به احتمال زیاد» در سال ۲۰۲۴ با رقابت‌های تنیس خداحافظی خواهد کرد. این بیانیه مطبوعاتی فدراسیون تنیس عربستان سعودی پس از سال شلوغ ۲۰۲۳ برای تنیس این کشور، که میزبان اولین رویداد تور ای‌تی‌پی بود، منتشر شد. بنا بر اعلام این فدراسیون، نادال اخیرا از یک باشگاه تنیس نوجوانان در ریاض بازدید کرده است و در این سمت و نقش جدید، در هر سال زمان معینی را به طور ویژه به این کشور اختصاص می‌دهد و آکادمی جدید «رافا نادال» را در آنجا تاسیس خواهد کرد. (اینديپندنت)

ترامپ: آن‌قدر مهاجر اخراج کنیم که تاریخ آمریکا از دوره آیزنهاور به خود ندیده باشد

دونالد ترامپ، رئیس جمهوری پیشین آمریکا در جمع هوادارانش در آیووا با حمله به سیاست‌های مهاجرتی دولت جو بایدن گفت: «باید به سطحی از اخراج [مهاجران] دست یابیم که آمریکا از زمان آیزنهاور تاکنون به چشم ندیده باشد.» این نخستین‌باری نیست که ترامپ به اخراج مهاجران اشاره می‌کند. او پیش از این نیز در سخنرانی‌های خود اعلام کرده بود اگر روزی دوباره رئیس جمهور آمریکا شود ویزای تمام دانشجویانی که به شکلی از حماس حمایت می‌کنند را باطل کرده و آنها را به کشور خود باز خواهد گرداند. ترامپ در جمع هواداران خود در آیوا گفت: «نمی‌خواهم بیش از حد نسبت به رئیس جمهور بایدن سخت بگیرم اما باید بگویم که او بدترین رئیس جمهوری است که تاریخ ما تاکنون به چشم دیده است، او در حال نابود کردن آمریکاست.» اریک ترامپ، فرزند آقای ترامپ نیز در حاشیه گردهمایی که به مناسبت پیروزی پدرش در انتخابات مقدماتی جمهوریخواهان در آیووا برگزار شده بود، گفت: «همه چیز بدتر از چهار سال پیش شده است. تمام جهان بی‌ثبات شده است. ما حتی در حال نزدیک شدن به جنگ جهانی سوم هستیم. می‌بینیم که نفتکش عظیم آمریکایی مورد اصابت موشکی حوثی‌ها قرار می‌گیرد اما اگر ترامپ سر کار بود هرگز چنین اتفاقی نمی‌افتاد. اگر ترامپ سر کار بود نه حمله فلسطین به اسرائیل روی می‌داد و نه حمله فاجعه‌بار روسیه به اوکراین.» (یورونیوز)

ینگه دنیا

گشت و گذاری در اندرونی آقای گیتس

رامتین لطیفی | بدون هیچ شک و شبهه‌ای، تاکنون نام بیل گیتس به بهانه‌های مختلف به گوش ما خورده است و می‌توان به دلایل متنوع و از مناظر مختلف، او را شناخت. برای مثال گیتس از سال ۱۹۹۵ تا سال ۲۰۱۷ و به مدت ۲۲ سال متوالی، ثروتمندترین فرد جهان به شمار می‌رفت و اکنون با ۶ پله سقوط در رده هفتم ایستاده است. به علاوه، او تا امروز توانسته است دست کم دو بار جهان و مرسومات آن را دگرگون کند و انقلابی در زندگی بشر به راه بیاندازد. بار اول رقابت سخت و نزدیک گیتس و استیو جابز بر سر طراحی و ساخت نرم‌افزاری کارآمد برای کامپیوترهای خانگی، منجر به طراحی و ساخت ویندوز توسط گیتس شد و او توانست با این دستاورد بزرگ ابتدا موجب سقوط شرکت اپل و اخراج جابز از سمتش شود و همچنین بتواند کامپیوترهای خانگی را به عنوان عضوی جدید و جدانشدنی وارد زندگی روزمره بشر بکند. دومین بار گیتس با طراحی، ساخت و معرفی ایمیل، جامعه بشری را تحت تاثیر قرار داد. پیش از ایمیل تمام مکاتبات بشری اعم از رسمی و غیررسمی به صورت کاغذی و پستی انجام می‌گرفت اما گیتس توانست با این ترفند و دستاورد بزرگ، نظام بوروکراسی مرسوم در جهان را دگرگون کند. از طرف دیگر می‌توان شبکه‌های اجتماعی امروز را فرزند ایمیل و ایده ناب او دانست. یکی دیگر از مشخصات بارز گیتس، سادگی و بی‌آلایش بودن ظاهر و پوشش اوست. همین امر سبب می‌شود گمان کنیم که او در زندگی شخصی نیز فردی ساده‌زیست است اما باید بگوییم این تصور غلط می‌باشد و زندگی گیتس یک زندگی فوق لاکچری است.

همه جت‌های شخصی بیل

اگر از قایق‌های تفریحی بگذریم، باید بگوییم که خرید جت‌های شخصی، دومین سرگرمی مشترک و گران‌قیمت ثروتمندان دنیا به شمار می‌رود و به طور قطع، بیل گیتس نیز از این قاعده مستثنا نیست. باید بگوییم او نه یکی بلکه ۴ جت شخصی در اختیار دارد. نکته جالب‌تر آنکه او دو جت مشابه از مدل گلف‌استریم جی ۶۵۰ و دو جت مشابه دیگر از مدل بمباردیر چلنجر ۳۵۰ اس در آشیانه‌های خود دارد. بر خلاف بسیاری از ثروتمندان که صاحب چند فروند جت شخصی هستند اما کمتر با آن سفر می‌کنند، بیل گیتس مدتی در حال سفر با این هواپیماهاست و به اعتقاد بسیاری، این عمل با تلاش‌های او برای حفظ و حراست از محیط زیست منافات دارد. او به طور معمول با جت گلف‌استریم خود به سفر می‌رود که حدود ۷۰ میلیون دلار می‌ارزد. تعداد و ساعات پرواز گیتس به حدی بالاست که او سریال «بازی تاج و تخت» را بر فراز آسمان و در حال پرواز تماشا کرده است.

کاخ پر زرق و برق آقای ملاک

جالب است بدانید بیش از ۸۰ میلیارد دلار از ثروت بیل گیتس تبدیل به املاک شده است و او علاقه وافری به خرید خانه، ویلا و باغ دارد. یکی از این املاک که اقامتگاه اصلی گیتس به حساب می‌آید، کاخ بزرگ ۶۱۳۰ متر مربعی اوست که در واشنگتن واقع شده است. این عمارت ۱۲۳ میلیون دلاری گیتس «چارلز فاستر کین» نام دارد که نام شخصیت اصلی فیلم «همشهری کین» است. جالب است بدانید این خانه در سال ۱۹۸۸ و به قیمت دو میلیون دلار خریداری شده بود و به دلیل تورم در مسکن ظرف ۴۵ سال اخیر، قیمت آن ۶۱/۵ برابر شده است. استخر مجهز این کاخ به حدی بزرگ است که ۲۰۰ نفر به طور همزمان می‌توانند در آن شنا کنند.

جزیره اختصاصی زنگبار

بیل گیتس یکی از مسافران دائمی کشورهای مختلف آفریقایی است. او در این قاره، به ویژه در نیجریه و کنیا، به بسط و گسترش کشاورزی نوین اهتمام ورزیده است و قصد دارد به منظور نجات زمین از تخریب بیشتر محیط زیست، رژیم غذایی بشر را از گوشتخواری به گیاه‌خواری تغییر دهد. به همین دلیل او در سال ۲۰۰۶ تصمیم گرفت یک جزیره ۱۲۶ هکتاری در آب‌های زنگبار را بخرد و با ساخت ویلایی در آن، در خلأ سفرهای کاری‌اش به آفریقا، مدتی نیز به استراحت بپردازد. او این جزیره را به قیمت ۱۳ میلیون دلار خریداری کرد. در حال حاضر این جزیره حدود ۲۵ میلیون دلار می‌ارزد. البته باید قیمت جداگانه‌ای نیز برای ویلای لاکچری گیتس در گوشه‌ای از این جزیره سرسبز در نظر گرفت. این نکته را هم باید بیافزاییم که پس از طلاق او از همسرش، ملیندا، نیمی از این جزیره به او منتقل شد و اکنون این جزیره متعلق به هر دوی این افراد است.

کتابخانه‌ای با دست‌نوشته‌های داوینچی

بیل گیتس به رغم تمام امور متعددی که به آن مشغول است، یک خوره کتاب به شمار می‌رود و از هیچ فرصتی برای مطالعه دریغ نمی‌کند. از این رو جای تعجب ندارد که بدانیم کتابخانه بی‌نظیر او که شامل نسخ خطی و اصلی است بیش از ۶۰ میلیون دلار می‌ارزد. جالب است بدانید نیمی از این مبلغ، یعنی ۳۰ میلیون دلار آن مربوط به دست‌نوشته‌های علمی لئوناردو داوینچی است که توسط بیل گیتس خریداری شد و نام او را به عنوان خریدار گران‌ترین اثر نوشتاری تاریخ جهان به ثبت رساند.

حادثه روز

دادگاه عالی فرانسه حکم استرداد آشپز و قاتل مافیایی را به ایتالیا لغو کرد

ادگاردو گرکو در سال ۲۰۰۶ به دلیل ارتکاب قتل در ایتالیا به حبس ابد محکوم شده بود. گرکو که طی ۱۶ سال متواری بود، در فوریه ۲۰۲۳ در شهر سن‌اتین فرانسه دستگیر شد. به گفته اینترپل بازداشت این فرد به کمک اطلاعات دریافتی از اهالی کالابریا در جنوب ایتالیا صورت گرفت. قرار بود این فرد طبق حکم دادگاه لیون به ایتالیا مسترد شود اما این تصمیم با تجدیدنظر دادگاه عالی فرانسه به حالت تعلیق درآمد. گرکوی ۶۳ساله که در ایتالیا تحت تعقیب است به دلیل ضرب و شتم دو رقیب مافیایی تا سر حد مرگ در سال ۱۹۹۱ در یک ماهی‌فروشی کالابریایی به حبس ابد محکوم شده بود. گرکو که مظنون به عضویت به سازمان بدنام «ندرانگتا»، یک سازمان قدرتمند مافیایی مستقر در کالابریا، در جنوب ایتالیا است، پس از صدور حکم در سال ۲۰۰۶ از کشور گریخت. او در این مدت در فرانسه زندگی می‌کرده و در شهر سن‌اتین در یک رستوران ایتالیایی به‌عنوان سرآشپز فعالیت می‌کرده است. او که با هویت جدیدی به‌نام پائولو دیمیتریو فعالیت می‌کرد، آنقدر به هویت جدید خود اطمینان داشت که در ژوئیه ۲۰۲۱ با یک روزنامه فرانسوی در خصوص دستور پخت پیتزای خود مصاحبه کرد. پس از تایید هویت وی توسط تیم‌های نظارتی پلیس فرانسه، وی دستگیر شد و به‌دنبال آن ایتالیا درخواست استرداد وی را ارائه کرده بود. (یورونیوز)

نقش‌آفرینی خاویر باردم در فصل دوم سریال «هیولا»

یلوزون

گزارش‌ها حاکی از آن است که خاویر باردم و کلویی سوینی در فصل دوم سریال «هیولا» جلوی دوربین می‌روند. این ۲ در کنار کوپر کاک و نیکلاس الکساندر چاوز که قبلا برای این سریال انتخاب شده بودند، نقش‌آفرینی خواهند کرد. عنوان فصل دوم این سریال «هیولاها: داستان لایل و اریک منندز» است و امسال پخش خواهد شد. اریک و لایل منندز، دو برادر بودند که سال ۱۹۹۶ والدین خود خوزه و ماری لوییس را به قتل رساندند. در حالی که این ۲ به قتل برای به دست آوردن ارث متهم شدند، ادعا کردند که سال‌های متمادی و طولانی توسط پدر و مادرشان مورد آزار و اذیت قرار می‌گرفتند و همین امر سبب شد کار به‌جایی برسد که تصمیم به قتل و کشتن آن‌ها بگیرند. حالا باردم و سوینی نقش والدین این دو برادر را ایفا خواهند کرد و همین خبر به جذابیت و کنجکاوی هواداران فصل اول این سریال افزوده است. فصل اول این سریال درباره یک قاتل زنجیره‌ای به‌نام جفری دامر بود و با اقبال بسیار خوبی روبه‌رو شد. گفتنی است خاویر باردم بازیگر پرسابقه و پرافتخاری است که با بسیاری از کارگردانان بزرگ و صاحب‌نام معاصر همکاری کرده و نامش در تیتراژ بسیاری از فیلم‌های مهم و تاثیرگذار دو دهه گذشته به‌چشم می‌خورد. او با «جایی برای پیرمردها نیست»، ساخته برادران کوئن، جایزه اسکار را با خود به خانه برد. (سینما سینما)

کیوسک

ساوت چاینا مورنینگ پست با عکسی از لی چیدنگ، نخست‌وزیر چین نوشت که این کشور با رشد ۵/۲ درصدی اقتصاد، مکان امنی برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی است.

گلف نیوز امارات متحده عربی در تیتر یک خود به مناقشه بین آمریکا و ائتلاف متحدانش علیه حوثی‌ها پرداخت و نوشت راه حل پایان این مناقشه، آتش‌بس و پایان جنگ در غزه است.

هفت صبح
پنجشنبه | ۲۸ دی ۱۴۰۲ | شماره ۳۶۹۲

آخر هفته

طبیبان تاریخ‌ساز
فهرست ۱۰ پزشک ایرانی که نام‌شان در تاریخ علم طب و البته سیاست در ایران...
صفحه ۱۰

شبیه‌سازی بازی با کره
بازی فردا شب مقابل هنگ‌کنگ که تیمی سرعتی است...
صفحه ۱۲

حرف‌های داغ هفته

منوچهر محمدی

شاید نیاز به کار پژوهشی باشد، اما به نظر من از دهه ۷۰ و ابتدای دهه ۸۰ علایم بحرانی این اقتصاد شروع به ظاهر شدن کرد. دلیلش هم مشخص است. اقتصاد سینما جزئی از اقتصاد کلان کشور است و اساسا هم ربطی به مدیریت‌های مختلف با سلایق مختلف وزارت ارشاد ندارد. چند ماه قبل جلسه‌ای در خدمت مسئولان ارشاد بودم که من آنجا یکی از معضلات سینمای ایران را فهرست کرده بودم، شاید در آن جلسه پروپوزالی ارائه کردم به مجموعه دوستان دولتی و صنفی که آنجا بودند که در راس آن کاهش ارزش پول ملی و تورم خیلی آیتم‌ها بود، ولی این دو مورد را اشاره کردم.

اعتماد
۲۷ دی

محمد حسین لطیفی

مگر من چند تا فیلم سینمایی می‌توانم بسازم که همان خلاقیت قبلی‌ها را داشته باشد. من الان دیگر باید مشاور بشوم که سوال جواب بدهم یا مسیر کوتاه‌تر را به جوان‌ترها نشان بدهم یا جلوی خطاهای خامشان را بگیرم. ما باید کلان فکر کنیم. در واقع مدیر فرهنگی باید کلان فکر کند. باید برنامه ۱۵ساله داشته باشد و تازه بعد از ۱۵ سال منتظر به گل نشستن جوانانی باشد که امروز شناسایی کرده است. جشنواره فجر هر سال ۵، ۶ تا فیلم خوب دارد که سازنده‌های آن خودجوش هستند و ربطی به مدیریت ندارند. این پنج فیلم اگر به ۱۵ فیلم برسند یعنی مدیریت داشته‌ایم.

نشست اقتباس در سینما
۱۶ دی

مهرداد خوشبخت

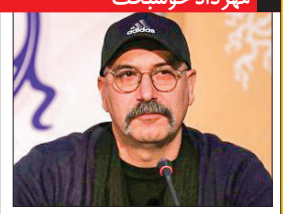

(درباره تجربه ساخت فیلم پالایشگاه): در فیلم‌هایی که مثل پالایشگاه بر اساس واقعیت ساخته می‌شوند یا هزینه تولید زیاد دارند، کمتر سراغ ستاره‌های سینما یا بازیگران گران می‌روند؛ مگر فیلم خاصی باشد. من هم در پالایشگاه و هم در آبادان یازده ۶۰ دوست داشتم آدم‌ها کنار هم و شبیه هم باشند یعنی وقتی این ویترین را نگاه کنید، یک نفر از کادر بیرون نزند و همه واقعی باشند چون از طرفی هم تماشاگر او را باور می‌کند و در این فیلم‌ها ممکن است حضور ستاره‌ها به باورپذیربودن فیلم لطمه بزند. مهم‌تر این‌که همه تیم جلوی دوربین و پشت دوربین با غیرت کار کردند و شرایط خیلی سخت را هنرمندان پذیرفتند و هنرشان را به فیلم اضافه کردند.

جام‌جم
۲۵ دی

شهروز ابراهیمی

باید بپذیریم که کشور ما در سفر از ادبیات به هنرهای سمعی و بصری کمی از قافله قهرمان‌پروری عقب مانده است، بخشی از آن به خاطر اهمیت بیش از اندازه سازندگان آثار به بخش سرگرمی است البته که باز هم منافاتی با اصل مطلب ندارد و شاید توجیهی بیش نیست. یکی از مخرب‌ترین برخوردها با آثار قهرمان‌محور، به نحوه روایت قهرمانان برای نسل حاضر برمی‌گردد، دور از دسترس کردن قهرمان و نسبت دادن خلقیات ماورایی، جایگاه قهرمان را به الگوی اسطوره تغییر می‌دهد و باورپذیری آن را سخت می‌کند. در مجموعه «ترور»، کارگردان بسیار تلاش می‌کرد مخاطب را درگیر همذات‌پنداری با شخصیت‌ها و ابعاد انسانی آن‌ها کند.

ایسنا
۲۶ دی

آیسل کاپلان

سینمای ایران را از همان نوجوانی دنبال می‌کردم و هم بخش‌های تجاری و هم آثار هنری را دوست داشتم؛ فیلم‌هایی چون «ترگس»، «مسافران» و آثار مسعود کیمیایی. هرگز با سینمای ایران غریبه نبودم و با «هامون» زندگی کردم و «کاغذ بی‌خط» را عاشقانه دوست دارم. روند سینمای ایران را چه خوب و چه متوسط دنبال می‌کنم و خوشحالم که در این سال‌ها آثار کارگردان‌های ایرانی از فروش بالایی برخوردار است. همچنین ما شاهد بسیاری از کارگردان‌های کار اولی هستیم که خودشان به مثابه اتفاقی شگرف در سینمای ایران هستند. با دیدن فیلم‌هایی چون «ابد و یک روز» یا «شنای پروانه» احساس عجیبی به من دست می‌دهد.

صبا
۲۶ دی

چهره هفته

پردیس پورعابدینی

از مانلی تا فرشته

این‌که در چهارمین سال شروع رسمی فعالیت، نقش اول یک سریال پرستاره باشی که نام آن وامدارِ کاراکتر خودت باشد، اتفاقی خاص است که برای معدودی چون پردیس پورعابدینی افتاده. فرشته، تازه‌ترین شخصیتی است که پورعابدینی در سریال «گناه فرشته» عهده‌دار آن شده؛ دختری از طبقه پایین جامعه که متهم به قتل است و حامد (شهاب حسینی) پرونده او را دست گرفته. این بازیگر، ویژگی‌های یک دختر فقیر و در عین حال نگران را در نهایت دقت ترسیم کرده. او برای انتقال احساسات، نه فقط از کلام (دیالوگ) بهره برده که استفاده‌ای کامل از اجزای صورت برده. به چشمان مضطرب او دقت کرده‌اید؟ «گناه فرشته» ساخته حامد عنقا، آرام شروع شد و طبق شنیده‌ها طوفان در راه است. بخشی از درام بر پایه رابطه حامد و فرشته بنا نهاده شده و همین، پورعابدینی را بیش از پیش در کانون توجه قرار خواهد داد. هنوز لحظات ملتهب که باید برای «فرشته دعا کرد» فرا نرسیده! آن هم برای بازیگری که تبحری حیرت‌انگیز در موقعیت‌های احساسی دارد. پورعابدینی اولین‌بار در سریال «آقازاده» دیده شد و با نقش راضیه و مانلی، تحسین‌ها را برانگیخت و حتی نامزد دریافت تندیس جشن حافظ شد. او کمی بعد مورد توجه مسعود کیمیایی برای «خائن‌کشی» قرار گرفت و عملکردی موفق از خود به‌جا گذاشت. همزمان در «بی‌مادر» نقش یک مادر جوان و مستاصل را بازی کرد و نشان داد فقط متخصص ایفای نقش دختران جوان نیست. او سال پیش در همین حوالی، آخرین لحظات حضور مقابل دوربین «غریب» را سپری می‌کرد و در نهایت برای نقش کژال، سیمرغ جشنواره فجر را به‌دست آورد. «غریزه» فیلم اکران‌نشده پردیس پورعابدینی است؛ بازیگری که شروعی موفق داشته و نشان داده است قدم‌ها را با وسواس برمی‌دارد.

این فیلم ها را ببینید

ریشه در خون / جمعه / یک بامداد / شبکه نمایش

- کارگردان: سیروس الوند
- تهیه‌کننده: حسین فرح‌بخش
- نویسنده: محمد دیهیمی
- بازیگران: فرامرز قریبیان، اکبر زنجانپور، حمید طاعتی
- محصول: ایران / ۱۳۶۲

این یکی از آن فیلم‌های مربوط به جریان فیلم‌های انقلابی در سال‌های ابتدایی دهه ۶۰است. در پاییز سال ۱۳۴۳ در یکی از شهرهای شمال ایران، جوانی به‌نام رسول علیه رژیم پهلوی فعالیت می‌کند. او در یک درگیری با ماموران امنیتی زخمی می‌شود و به جنگل می‌گریزد. در جنگل، با پیرمرد هیزم‌شکنی آشنا می‌شود. هیزم‌شکن به او کمک می‌کند و به‌تدریج رفاقتی بین آن‌ها به وجود می‌آید. او که کلبه‌اش در معرض ویران شدن به‌وسیله بولدوزرهای اداره راه است، همراه با رسول به سوی مقصدی که او دارد، می‌گریزد.

حیثیت / پنجشنبه / ساعت ۱۷ / شبکه نمایش

- کارگردان: کریستوفر نولان
- تهیه‌کننده: اما توماس، آرون رایدر
- نویسنده: جاناتان نولان
- بازیگران: کریستین بیل، مایکل کین، اسکارلت جوهانسون
- محصول: آمریکا / ۲۰۰۶

یکی از فیلم‌های محبوب کریستوفر نولان است. آلفرد بوردن شعبده‌باز، به جرم قتل رابرت انجییر محکوم می‌شود و در زندان شروع به خواندن خاطرات انجییر می‌کند. فیلم به گذشته برمی‌گردد. زمانی که هر دو دستیاران میلتون شعبده‌باز با مبتکرش جان کاتر بودند، که در نمایشی جولیا همسر انجییر هنگام انجام حقه فرار از مخزن آب، در مقابل چشمان تماشاگران خفه می‌شود و انجییر، بوردن را مقصر می‌داند که او گره نامناسب بسته است. از اینجا به‌بعد این دو نفر تبدیل به رقبای خونی هم می‌شوند که در اعمال همدیگر اخلال ایجاد می‌کنند.

فرحه / جمعه / ساعت ۱۹ / شبکه نمایش

- کارگردان: دارین سلام
- تهیه‌کننده: دیما آذر
- فیلمنامه: دارین سلام
- بازیگران: علی سلیمان، اشرف برهم و کرم طاهر
- محصول: اردن / ۲۰۲۱

از میان فیلم‌های ساخته شده درباره ظلم به ساکنان فلسطین، یکی از تأثیرگذارترین و توجه‌برانگیزترین آثار طی سال‌های اخیر، همین فیلم «فرحه» بوده است. فیلمی که روایتی تکان‌دهنده از سرنوشت یک خانواده دارد. ماجرا در روستای الطنطوره در شمال فلسطین اشغالی و برای دختری ۱۴ساله با همین نام رخ می‌دهد که در یک انباری پنهان شده است. او در روزهای طولانی که در این انباری به‌سر می‌برد، شاهد اتفاقات وحشتناکی است که توسط گروه‌های صهیونیست و با همراهی افسران انگلیسی نسبت به یک خانواده فلسطینی انجام می‌شود.

پیشنهاد ویژه هفته

شهرک | اکران آنلاین فیلم‌نت

نمای کلی

- کارگردان: علی حضرتی
- نویسنده: علی حضرتی
- تهیه‌کننده: علی سرتیپی
- بازیگران: ساعد سهیلی، کاظم سیاحی، مهتاب ثروتی، رویا جاویدنیا
- محصول: ایران / ۱۴۰۰
- زبان: فارسی
- زمان: ۱۱۰ دقیقه

درباره فیلم

علی حضرتی کارگردان جوانی است که «شهرک» را به‌عنوان دومین تجربه فیلمسازی بلند خود بعد از «سازهای ناکوک» مقابل دوربین برد. فیلمی که ساعد سهیلی، مهتاب ثروتی و کاظم سیاحی ایفاگر نقش‌های اصلی آن هستند و رونمایی آن در جشنواره چهل‌ویکم فیلم فجر، با واکنش‌های چندان مثبتی از سوی منتقدان همراه نشد. آنچه فیلم «شهرک» را به نسبت تجربه‌های متفاوت در روایت بازیگری در سینما متفاوت می‌کند، رویکرد فلسفی آن به مقوله «بازیگری» و اساسا دنیای سینماست و فیلمساز تلاش دارد در آن به این پرسش بپردازد که به‌واقع مرز میان آنچه ما بازی تصور می‌کنیم با آنچه در زندگی روزمره‌مان جریان دارد کجاست؟ حضرتی در مقام کارگردان اما بیش از آنکه در روایت خود، این مفاهیم عمیق شود، بیشتر به سمت شیطنت‌های روایی متمایل شده و تلاش کرده روایتی سرگرم‌کننده ارائه دهد.

درباره داستان

نوید فلاحتی یک جوان عاشق بازیگری است که همراه دوستانش برای تست بازیگری به یک دفتر فیلمسازی مراجعه می‌کنند اما از میان این گروه فقط نوید برای حضور در پروژه سینمایی انتخاب می‌شود. او هم گام‌به‌گام متوجه شرایط متفاوت و غیرعادی گروه تولید فیلم می‌شود و این نقطه شروع گره‌افکنی‌ها در داستان فیلم «شهرک» است. فیلمی که داستانش آرام‌آرام سروشکلی معمایی به‌خود می‌گیرد و رفته‌رفته مرز میان بازی و واقعیت در آن مخدوش می‌شود. فیلم «شهرک» از نیمه تیرماه اکران عمومی خود را آغاز کرد و در کمتر از یک ماه توانست مجموع فروش خود را از مرز یک میلیارد تومان فراتر ببرد اما خیلی‌زود سیر استقبال مخاطبان که احتمالا ناشی از کنجکاوی نسبت به داستان و فضای متفاوت فیلم بود، فروکش کرد و در مجموع عملکرد موفقی در گیشه نداشت.

درباره حواشی

یکی از نکات حاشیه‌ای درباره فیلم سینمایی «شهرک» مربوط به اولین بازخوردهای اصحاب رسانه نسبت به آن در روز رونمایی‌اش در جشنواره فیلم فجر بود. داستان فیلم که مروری کوتاه بر آن داشتیم، برای گروهی از منتقدان و اصحاب رسانه یادآور برخی فیلم‌ها و سریال‌های خارجی بود که برصدر فهرست این آثار نام «نمایش ترومن» و «اسکویید گیم» قرار داشت. فضای پرتعلیق فیلم و قرار گرفتن کاراکترها در موقعیتی تحت کنترل، یادآور «نمایش ترومن» بود و از منظر پیچیدگی‌های بازی‌ای که در مواردی جان بازیگران را تهدید می‌کند هم شباهت‌هایی به سریال «اسکویید گیم» داشت. عوامل فیلم اما هرگونه مشابهت و کپی‌برداری فیلم از این آثار را به‌شدت رد کردند. واقعیت هم این است که علی حضرتی تلاش بسیاری کرده است تا روایتی مستقل را در قالب این فیلم به تصویر درآورد.

فیلم‌های آخر هفته

شبکه نمایش
پنجشنبه ۲۸ دی
هیات منصفه فراری / ساعت ۱۳
هیچ‌گاه دیر نیست / ساعت ۱۵
حیثیت / ساعت ۱۷
کمک / ساعت ۱۹
واکنش زنجیره‌ای / ساعت ۲۱
موریتانیایی / ساعت ۲۳
جمعه ۲۹ دی
ضیافت بابت / ۱ بامداد
فرحه / ساعت ۱۹
بانکدار / ساعت ۲۱

شبکه یک
جمعه ۲۹ دی
ریشه در خون / ساعت ۱۶

شبکه دو
پنجشنبه ۲۸ دی
حانیه / ساعت ۲۴
جمعه ۲۹ دی
چشمان آبی زهرا / ساعت ۸
راه نجات / ساعت ۱۶
لبنان عشق من / ساعت ۲۴

شبکه سه
پنجشنبه ۲۸ دی
تنگنا / ساعت ۱۰
کوهی میان ما / ساعت ۱۶
جمعه ۲۹ دی
فرحه / ساعت ۱۰

شبکه چهار
پنجشنبه ۲۸ دی
در انتظار بربرها / ساعت ۲۰:۳۰
جمعه ۲۹ دی
آمونسن / ساعت ۲۰:۳۰

شبکه تهران
پنجشنبه ۲۸ دی
پنج دوست و دره دایناسورها / ساعت ۱۳:۳۰
جمعه ۲۹ دی
اقیانوس نوردها و حلقه آتش / ساعت ۹
مایکسابل / ساعت ۱۳:۳۰

شبکه کودک
پنجشنبه ۲۸ دی
فوتبال دستی / ساعت ۱۴
جمعه ۲۹ دی
خرس قهرمان / ساعت ۱۴

شبکه امید
پنجشنبه ۲۸ دی
رقابت سرد / ساعت ۱۹
جمعه ۲۹ دی
سینه سرخ / ساعت ۱۹

شبکه افق
جمعه ۲۹ دی
رهایی / ساعت ۱۰
فیلادلفی / ساعت ۱۸:۳۰

شبکه سلامت
جمعه ۲۹ دی
پنجاه درصد زندگی / ساعت ۱۱

عکس هفته

بازگشت جنجالی ژیلا

تعریف از خود! نباشد؛ پیش از بازگشت ژیلا صادقی و همزمان با دور تازه او در مقام مجری، دو مطلب نوشتیم. اشاره‌ها در تحسین عملکرد صادقی بود و همچنین گفتیم آفرین به تلویزیون که اجازه داده پوشش خانم صادقی شبیه دیگر مجریان نباشد. نوشتیم او با کت و دامن مقابل دوربین «سلام صبح بخیر» حاضر می‌شود که اتفاقی‌ست نو. در چند روز گذشته برخی رسانه‌ها و فعالان شبکه‌های اجتماعی پشت تلویزیون و ژیلا صادقی در آمده‌اند و عده‌ای هم ماجرا را به فضای باز صداوسیما به دلیل انتخابات ربط دادند. هرچه هست این تغییر کاملا محسوس! می‌تواند یکی از مصادیق همان تحول موردنظر مدیران تلویزیون باشد.

ترین‌های هفته

بازگشت هفته | انتظامی به مجنون رسید

مجید انتظامی آهنگساز مطرح کشور، بعد از چند سال دوری از سینما، موسیقی فیلم سینمایی «مجنون» را ساخت. فعالیت انتظامی در سینما سال ۵۶ با فیلم «سفر سنگ» شروع شد و تاکنون برای بیش از ۹۰ فیلم و سریال، موسیقی متن نوشته است. او جزو رکورددارن کسب جایزه از جشنواره فیلم فجر است و برای «ترن»، «بایسیکل‌ران»، «از کرخه تا راین»، «راز خنجر»، «روز واقعه»، «آژانس شیشه‌ای» و «دیوانه‌ای از قفس پرید» سیمرغ بلورین و دیپلم افتخار گرفته. «مجنون» به کارگردانی مهدی شامحمدی، محصول سازمان اوج است که در جشنواره چهل و دوم فیلم فجر حضور دارد.

تداوم هفته | علاقه غفوریان به نقش جدی

چند روز پیش از گریم متفاوت مهران غفوریان در فیلم «آبی روشن» به کارگردانی بابک خواجه‌پاشا رونمایی شد. غفوریان که مدتی است مسیری متفاوت در عرصه بازیگری در پیش گرفته، مدام خودش را در نقش‌های مختلف به چالش می‌کشد و این گریم هم حکایت از تلاش جدید او برای ثبت نقشی خاص در کارنامه دارد. غفوریان امسال با این فیلم در جشنواره فیلم فجر حضور خواهد داشت. «آبی روشن» دومین فیلم کارنامه بابک خواجه‌پاشاست. فیلم «در آغوش درخت» به کارگردانی او سال گذشته جزو آثار مهم جشنواره چهل‌ویکم بود. مهران احمدی، سارا حاتمی و مرتضی امینی‌تبار دیگر بازیگران فیلم هستند.

توضیح هفت‌صبح: بخشی از مطالب این صفحه برگرفته از شبکه‌های اجتماعی است و منبع اولیه انتشار دهنده آنها ذکر نشده است. بدیهی است که استفاده از این مطالب مصداق استفاده منصفانه طبق ماده ۷ قانون مولفان، مصنفان و هنرمندان خواهد بود.

طبیبان زیرسایه سیاست و ادبیات

فهرستی از پزشکانی که نامشان ورای طبابت در تاریخ ثبت شده. چه به سپیدی و چه به سیاهی

انتشار یک عکس و یک فیلم در روزهای جمعه هفته گذشته و شنبه همین هفته از وضعیت سلامت آقای دکتر علی‌اکبر ولایتی، باعث بحث‌های فراوانی در فضای مجازی شد. عده‌ای برای ایشان آرزوی سلامتی کردند. در این میان برخی بودند که از حاذق بودن ایشان در امر پزشکی به‌ویژه در رشته تخصصی‌شان یعنی اطفال نیز ذکر خیری کردند و این بود که متوجه شدیم چهره پزشکی او تا چه میزان زیر سایه سیاست کشیده شده است. این بود که تصمیم گرفتیم این هفته، روایتی از زندگی ۱۰ پزشک خبرساز ایرانی در تاریخ معاصر را داشته باشیم، البته با تکیه بر حرفه طبابت آن‌ها.

۱ دکتر غلامحسین مصدق

سال ۱۲۸۵ است. دکتر محمد مصدق، هنوز مدرک دکتری خود را از دانشگاه نوشتال سوئیس نگرفته. ۲۴ ساله است و ۵ سالی است که با زهرا خانم، دختر میرزا یحیی‌الدین تهرانی، سومین امام جمعه تهران، ازدواج کرده است. این زوج دو فرزند هم دارند. در همین سال یعنی غلامحسین فاجار به‌عنوان پادشاه ایران تاج‌گذاری می‌کند و در همین شرایط سومین فرزند او یعنی غلامحسین به‌دنیا می‌آید.

غلامحسین در مدرسه سن‌لویی تهران که مدرسه‌ای فرانسوی‌زبان بود، درس خواند و وقتی پدرش والی یا همان استاندار آذربایجان بود، به اروپا رفت تا طب بخواند. مقصد اول لیون فرانسه بود و بعد زودتر شوروی ملی و یک دوره وزیر خارجه شد.

یکی ۱۲۸۶ و دیگری ۱۲۹۶. ما روایت ۱۲۸۶ را قبول کردیم. همچنین در مورد محل تولد او نیز اختلاف است. برخی گفته‌اند تهران و برخی دیگر شیراز. چیزی که اما در موردش اختلافی نیست، این است که هم پدر و هم مادر او از باورمندان و مبلغان آیین (انحرافی) بهاییت بودند.

ایادی در فرانسه تحصیل کرده است. ابتدا در رشته دامپزشکی، بعد از آن این رشته را رها می‌کند و به پزشکی می‌پردازد.

او که بعد از بازگشت از فرانسه وارد ارتش می‌شود، احتمالا در اواخر دوره رضا پهلوی، روزی علیرضا، فرزند او که در آن زمان نوجوانی بوده مبتلا به نوعی بیماری می‌شود. برخی می‌گویند این بیماری روحی- روانی بوده است. پزشکی را از ارتش فرا می‌خواند و در آن زمان که پزشک خارج درس خوانده به عدد انگشتان دست بوده، قرعه به‌نام ایادی می‌افتد.

مطالعات او در اواخر دوره رضا پهلوی و دربار واقع می‌شود و او ده سالی در دربار پزشک مخصوص علیرضا پهلوی می‌شود. پس از آن در مقطعی محمدرضا پهلوی بیمار می‌شود و او از پزشک برادر به پزشک مخصوص خود شاه تبدیل می‌شود.

در حدود سی سال بعدی، ایادی، ضمن اینکه پزشک سی شاه را انجام می‌دهد، به یکی از نزدیک‌ترین همنشینی‌های وی نیز تبدیل می‌شود و از این طریق هم می‌تواند مال و منال قابل توجهی به‌دست بیاورد(از انحصار واردات برای ارتش تا دست اندازی به خاویار و شیلات) و هم می‌تواند امنیت هم‌سلکان پیاپی خود را تضمین کند و البته آنان را در موقعیت‌های مختلف حاکمیتی جا دهد.

با این حال در منابع موجود خبری از حاذق بودن که در مورد سایر تولد در کتاب عبدالکریم ایادی پزشک بدنام دوره پهلوی ،دو روایت وجود دارد.

یکی از بازماندگان فرانسوی کمک می‌گیرد و بعد هم با مشورت آنان تصمیم گرفته می‌شود تشخیص اصلی یعنی سرطان خون از خود شاه و خانواده او پنهان شود. چند ماه قبل از انقلاب هم ایران را ترک می‌کند و دو سال بعد از انقلاب را در پاریس و ژنو می‌گذراند. در حالی که خود نیز از بیماری مشابه یعنی سرطان رنج می‌برده و در نهایت در سال ۱۳۵۹ در سوئیس از دنیا می‌رود.

۲ دکتر یحیی عدل

دکتر یحیی عدل که برخی او را پروفسور هم لقب می‌دهند، متولد سال ۱۲۸۷ در تهران است. در خانواده‌ای پولدار که از اعیان تبریز بودند و پدرش یوسف عدل، حاکم ولایات بود و بعدها وکیل مجلس هم شد. او تحصیلات خود را در تبریز و کرمانشاه (یکی از شهرهایی که پدرش حاکم آنجا بود) گذراند و بعد از آن برای ادامه تحصیل به پاریس رفت. در همان مدرسه خصوصی مشهور دیستان و دبیرستان را تمام کرد و سپس وارد دانشگاه شد و در پزشکی پلی تکنیک که امتحان ورودی سختی هم داشت، قبول شد. اما به توصیه عمویش، حبیب عدل، که در تهران به رادیولوژی مشغول بود، به طب روی آورد.

موفقیتش در تحصیل را البته مدیون زنی بود که او در خانه‌اش اقامت کرده بود و با اصطلاح پانسیون شده بود. در سایت موزه تاریخ پزشکی تهران آمده که این خانم که فرزندش را در جنگ اول بین‌الملل از دست داده بود «به‌خدمت‌های درس و تحصیل و تربیت دکتر یحیی بود به طوری که تا زمانی که این خانم زنده بود پروفسور هر ساله در مسیر سفرهایشان به خارج با ایشان ملاقات می‌کرد.»

بیست و یک سال بعدی را در پاریس مشغول درس خواندن بود. استادی داشت به‌نام پروفسور گریگوار، جراح معروف و رئیس بخش جراحی انانوتومی پاریس که خیلی از کیفیت درس خواندن او راضی بود و حتی به عدل سمت ریاست درمانگاه خود را داد و حتی بعد از فارغ‌التحصیلی چون عضو خارجی بود، فرانسه اجازه استخدام در کادر دانشگاهی را نمی‌داد و با رایزنی همین پروفسور، سمت استادی هم به وی داده شد ولی در نهایت او در سال ۱۳۱۸ در ایران بازگشت. با چندین سال تحصیل در حوزه جراحی عمومی و اورولوژی و پایان‌نامه‌ای در مورد ادنوپاتی یا غدد‌ها و گره‌های لنفاوی.

در زمان بازگشت او پروفسور «اویرلین» فرانسوی را برای سامان دادن به وضع دانشکده پزشکی تهران استخدام کرده بودند و او عدل را برای تدریس انتخاب کرد. عدل ابتدا رئیس درمانگاه و بعد دانشیار شد و سپس بخش جراحی بیمارستان سینا را به او سپردند. دکتر اویرلین پزشکان دیگری را نیز برای بخش‌های دیگر معرفی کرد ازجمله: دکتر قریب برای اطفال و دکتر مصدق برای زنان و زایمان.

تبدیل بیمارستان سینا به مرکز اورژانس پایتخت، تاسیس یک واحد انتقال خون و نخستین پذیرش زیردست در پزشکی ایران را به او نسبت می‌دهند. مهم‌ترین کار او در حوزه پزشکی اما تاسیس رشته بیهوشی به شیوه جدید در ایران البته با کمک گرفتن از پزشکان خارجی بود. در کنار پزشکی البته رفت‌وآمد عدل با مقامات بلند کشور و دربار پهلوی او را تبدیل به شخصیتی سیاسی کرد و باعث شد تا بعد از کناره‌گیری اسدالله علم به دبیرکلی حزب مردم منصوب شود. او همچنین در سال ۱۳۴۲ به سناتوری مجلس سنای ایران رسید و تا چهار دوره این مقام را حفظ کرد.روایت است که به دربار رفت وآمد داشته و یکی از همنشینی‌های مهربانی‌های محمدرضا بوده. او دخترش را در غائله مسلحانه خرمدره در سال ۱۵۴ از دست داد. او در ۱۴ بهمن ۱۳۷۰ در سن ۹۴ سالگی درگذشت و با مراسمی کم‌نظیر تشییع شد.

۳ دکتر محمد قریب

دکتر محمد قریب متولد تیرماه ۱۲۸۸ در تهران است. پدر و مادرش البته اهل گیلان بودند. روستایی از توابع آشتیان در استان مرکزی که مهاجرت کرده بودند به تهران. کودکی و نوجوانی خود را در هرج و مرج جنگ جهانی اول (۱۲۹۳ تا ۱۲۹۷) گذراند. قحطی بزرگ (۱۲۹۶ و ۱۲۹۸) و پایان قاجاریه و ابتدای پهلوی (کودتای رضاخان در اسفند ۱۲۹۹) دوران. در ابتدای سال ۱۳۰۰ او پسر ۱۲ ساله‌ای بود که سال آخر خود را در دبستان سیروس گذرانده و تحصیل در دارالفنون را در مقطع متوسطه آغاز کرده بود. شش سال بعد، او جزو اولین گروه از جوانان ایرانی بود که به اروپا رفتند تا دانش خود را تکمیل کنند. عبور و مرور با کشتی و قطار انجام می‌شد و سفر به اروپا رفتند. او رشته طب را آغاز کرد و کرسی دانشکده پزشکی را برای تدریس در ایران برگزید. او در سال ۱۳۱۷ به‌طور متناوب در فرانسه درس خواند. در این میان ازدواج هم کرد و با زهرا، دختر دیپلمات دانشکده پزشکی را برای تدریس در ایران برگزید. او در سال ۱۳۱۸ به ایران بازگشت و به‌عنوان استاد دانشکده پزشکی مشغول به کار شد. او در سال ۱۳۲۱ به‌عنوان رئیس دانشکده پزشکی انتخاب شد و تا سال ۱۳۳۲ در این سمت باقی ماند. در سال ۱۳۳۲ به‌عنوان وزیر بهداری در کابینه دکتر مصدق انتخاب شد و در سال ۱۳۳۳ به‌عنوان وزیر کشور در کابینه زاهدی. او در سال ۱۳۳۴ به‌عنوان سناتور انتخاب شد و تا سال ۱۳۴۲ در این سمت باقی ماند. او در سال ۱۳۴۲ به‌عنوان وزیر دادگستری در کابینه امینی انتخاب شد و تا سال ۱۳۴۳ در این سمت باقی ماند. او در سال ۱۳۴۳ به‌عنوان وزیر کشور در کابینه امینی انتخاب شد و تا سال ۱۳۴۴ در این سمت باقی ماند. او در سال ۱۳۴۴ به‌عنوان وزیر دادگستری در کابینه علم انتخاب شد و تا سال ۱۳۴۶ در این سمت باقی ماند. او در سال ۱۳۴۶ به‌عنوان وزیر کشور در کابینه علم انتخاب شد و تا سال ۱۳۴۷ در این سمت باقی ماند. او در سال ۱۳۴۷ به‌عنوان وزیر دادگستری در کابینه علم انتخاب شد و تا سال ۱۳۴۸ در این سمت باقی ماند. او در سال ۱۳۴۸ به‌عنوان وزیر کشور در کابینه علم انتخاب شد و تا سال ۱۳۴۹ در این سمت باقی ماند. او در سال ۱۳۴۹ به‌عنوان وزیر دادگستری در کابینه علم انتخاب شد و تا سال ۱۳۵۰ در این سمت باقی ماند. او در سال ۱۳۵۰ به‌عنوان وزیر کشور در کابینه علم انتخاب شد و تا سال ۱۳۵۱ در این سمت باقی ماند. او در سال ۱۳۵۱ به‌عنوان وزیر دادگستری در کابینه علم انتخاب شد و تا سال ۱۳۵۲ در این سمت باقی ماند. او در سال ۱۳۵۲ به‌عنوان وزیر کشور در کابینه علم انتخاب شد و تا سال ۱۳۵۳ در این سمت باقی ماند. او در سال ۱۳۵۳ به‌عنوان وزیر دادگستری در کابینه علم انتخاب شد و تا سال ۱۳۵۴ در این سمت باقی ماند. او در سال ۱۳۵۴ به‌عنوان وزیر کشور در کابینه علم انتخاب شد و تا سال ۱۳۵۵ در این سمت باقی ماند. او در سال ۱۳۵۵ به‌عنوان وزیر دادگستری در کابینه علم انتخاب شد و تا سال ۱۳۵۶ در این سمت باقی ماند. او در سال ۱۳۵۶ به‌عنوان وزیر کشور در کابینه علم انتخاب شد و تا سال ۱۳۵۷ در این سمت باقی ماند. او در سال ۱۳۵۷ به‌عنوان وزیر دادگستری در کابینه علم انتخاب شد و تا سال ۱۳۵۸ در این سمت باقی ماند. او در سال ۱۳۵۸ به‌عنوان وزیر کشور در کابینه علم انتخاب شد و تا سال ۱۳۵۹ در این سمت باقی ماند. او در سال ۱۳۵۹ به‌عنوان وزیر دادگستری در کابینه علم انتخاب شد و تا سال ۱۳۶۰ در این سمت باقی ماند. او در سال ۱۳۶۰ به‌عنوان وزیر کشور در کابینه علم انتخاب شد و تا سال ۱۳۶۱ در این سمت باقی ماند. او در سال ۱۳۶۱ به‌عنوان وزیر دادگستری در کابینه علم انتخاب شد و تا سال ۱۳۶۲ در این سمت باقی ماند. او در سال ۱۳۶۲ به‌عنوان وزیر کشور در کابینه علم انتخاب شد و تا سال ۱۳۶۳ در این سمت باقی ماند. او در سال ۱۳۶۳ به‌عنوان وزیر دادگستری در کابینه علم انتخاب شد و تا سال ۱۳۶۴ در این سمت باقی ماند. او در سال ۱۳۶۴ به‌عنوان وزیر کشور در کابینه علم انتخاب شد و تا سال ۱۳۶۵ در این سمت باقی ماند. او در سال ۱۳۶۵ به‌عنوان وزیر دادگستری در کابینه علم انتخاب شد و تا سال ۱۳۶۶ در این سمت باقی ماند. او در سال ۱۳۶۶ به‌عنوان وزیر کشور در کابینه علم انتخاب شد و تا سال ۱۳۶۷ در این سمت باقی ماند. او در سال ۱۳۶۷ به‌عنوان وزیر دادگستری در کابینه علم انتخاب شد و تا سال ۱۳۶۸ در این سمت باقی ماند. او در سال ۱۳۶۸ به‌عنوان وزیر کشور در کابینه علم انتخاب شد و تا سال ۱۳۶۹ در این سمت باقی ماند. او در سال ۱۳۶۹ به‌عنوان وزیر دادگستری در کابینه علم انتخاب شد و تا سال ۱۳۷۰ در این سمت باقی ماند. او در سال ۱۳۷۰ به‌عنوان وزیر کشور در کابینه علم انتخاب شد و تا سال ۱۳۷۱ در این سمت باقی ماند. او در سال ۱۳۷۱ به‌عنوان وزیر دادگستری در کابینه علم انتخاب شد و تا سال ۱۳۷۲ در این سمت باقی ماند. او در سال ۱۳۷۲ به‌عنوان وزیر کشور در کابینه علم انتخاب شد و تا سال ۱۳۷۳ در این سمت باقی ماند. او در سال ۱۳۷۳ به‌عنوان وزیر دادگستری در کابینه علم انتخاب شد و تا سال ۱۳۷۴ در این سمت باقی ماند. او در سال ۱۳۷۴ به‌عنوان وزیر کشور در کابینه علم انتخاب شد و تا سال ۱۳۷۵ در این سمت باقی ماند. او در سال ۱۳۷۵ به‌عنوان وزیر دادگستری در کابینه علم انتخاب شد و تا سال ۱۳۷۶ در این سمت باقی ماند. او در سال ۱۳۷۶ به‌عنوان وزیر کشور در کابینه علم انتخاب شد و تا سال ۱۳۷۷ در این سمت باقی ماند. او در سال ۱۳۷۷ به‌عنوان وزیر دادگستری در کابینه علم انتخاب شد و تا سال ۱۳۷۸ در این سمت باقی ماند. او در سال ۱۳۷۸ به‌عنوان وزیر کشور در کابینه علم انتخاب شد و تا سال ۱۳۷۹ در این سمت باقی ماند. او در سال ۱۳۷۹ به‌عنوان وزیر دادگستری در کابینه علم انتخاب شد و تا سال ۱۳۸۰ در این سمت باقی ماند. او در سال ۱۳۸۰ به‌عنوان وزیر کشور در کابینه علم انتخاب شد و تا سال ۱۳۸۱ در این سمت باقی ماند. او در سال ۱۳۸۱ به‌عنوان وزیر دادگستری در کابینه علم انتخاب شد و تا سال ۱۳۸۲ در این سمت باقی ماند. او در سال ۱۳۸۲ به‌عنوان وزیر کشور در کابینه علم انتخاب شد و تا سال ۱۳۸۳ در این سمت باقی ماند. او در سال ۱۳۸۳ به‌عنوان وزیر دادگستری در کابینه علم انتخاب شد و تا سال ۱۳۸۴ در این سمت باقی ماند. او در سال ۱۳۸۴ به‌عنوان وزیر کشور در کابینه علم انتخاب شد و تا سال ۱۳۸۵ در این سمت باقی ماند. او در سال ۱۳۸۵ به‌عنوان وزیر دادگستری در کابینه علم انتخاب شد و تا سال ۱۳۸۶ در این سمت باقی ماند. او در سال ۱۳۸۶ به‌عنوان وزیر کشور در کابینه علم انتخاب شد و تا سال ۱۳۸۷ در این سمت باقی ماند. او در سال ۱۳۸۷ به‌عنوان وزیر دادگستری در کابینه علم انتخاب شد و تا سال ۱۳۸۸ در این سمت باقی ماند. او در سال ۱۳۸۸ به‌عنوان وزیر کشور در کابینه علم انتخاب شد و تا سال ۱۳۸۹ در این سمت باقی ماند. او در سال ۱۳۸۹ به‌عنوان وزیر دادگستری در کابینه علم انتخاب شد و تا سال ۱۳۹۰ در این سمت باقی ماند. او در سال ۱۳۹۰ به‌عنوان وزیر کشور در کابینه علم انتخاب شد و تا سال ۱۳۹۱ در این سمت باقی ماند. او در سال ۱۳۹۱ به‌عنوان وزیر دادگستری در کابینه علم انتخاب شد و تا سال ۱۳۹۲ در این سمت باقی ماند. او در سال ۱۳۹۲ به‌عنوان وزیر کشور در کابینه علم انتخاب شد و تا سال ۱۳۹۳ در این سمت باقی ماند. او در سال ۱۳۹۳، نمایشنامه «آی با کاله، آی بی کاله» را در ۱۲ سالگی نوشت و فیلمنامه فیلم «گاو» را در سال ۱۳۴۸ می‌نویسد. و بعد هم فیلمنامه آرامش در حضور دیگران. در همین زمان به کانون نویسندگان هم می‌پیوندد و کم‌کم به سوژه‌ای برای ساواک تبدیل می‌شود و در سال ۱۳۵۳ برای یک سال بازداشت و زندانی می‌شود.

او در سال ۱۳۵۷ ایران را ترک می‌کند و بعد از انقلاب به شکلی باورنکردنی مواضع نزدیک به سازمان مجاهدین خلق (منافقین) اتخاذ می‌کند. در سال ۱۳۶۴ در پاریس از دنیا می‌رود در حالی که کمتر کسی به‌یاد ش مانده که او پزشک هم بوده است.

۴ بهرام صادقی

از کسی می‌خواهیم صحبت کنیم که دنیا مجال چندانی برای ظهور و بروز به او نداد و در چهل و هشت سالگی با کوهی از استعداد مدفن رفته و کارهای نکرده جهان را ترک کرد. منظور بهرام صادقی است.

او متولد سال ۱۳۱۵ در نجف‌آباد اصفهان بود. پدرش خرده‌فروشی داشت و مادرش زنی فهمیده که بود گفته شده علاقه به مسائل مذهبی از همین دوران کودکی در طول دهه شصت و پس از آن به‌عنوان وزیر بهداشت، نقش قابل توجهی در کمپین کنترل جمعیت در کشور داشت که تا دوره وزارت بهداشت او یعنی از سال ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۶ هم ادامه داشت. او نیز دوره هشتم و نهم را در مجلس به نمایندگی از مردم تهران گذراند.

وی همین موضوع، او در ایران به خصوص از سوی زندگی‌نامه‌نویسان سابق و مسئولان فعلی مثل محمد باقر قالیباف یا محسن رضایی مورد توجه قرار گرفت و توانست مشابه برگ خوضی بین‌المللی هم اعضایی کسب در هانوفر دارد را در ایران نیز بسازد.

و علاوه بر شهرت در حوزه جراحی جمجمه، مسئله اعزام جانبازان ایرانی و برخی پروژه‌ها در ایران، از مدتی پیش در فضای مجازی به عنوان منبعی برای توسعه‌های مختلف در حوزه پزشکی و سبک زندگی تبدیل شده و تعداد این توصیه‌ها آن قدر زیاد شد که به نوعی به طنز تبدیل شد و آقای سعیدی در یک مصاحبه هم آن را تکذیب کرد با این حال هنوز هم افکار عمومی در ایران به خصوص عامه، او را به عنوان یکی از افتخارهای ایران و بهترین جراح مغز و اعصاب جهان می‌دانند.

۵ غلامحسین ساعدی

او را بیشتر به خاطر داستان‌ها و فیلمنامه فیلم «گاو» می‌شناسند که یکی از آغازین نقاط موج نوی سینمای ایران به حساب می‌آید اما ساعدی پیش از همه این‌ها یک پزشک بود و به تعبیر بهتر یک روانپزشک.

متولد سال ۱۳۱۴ بود. در تبریز. پدرش کارمند بود و مادرش خانه‌دار، وضع خانواده چندان خوب نبود و بنابراین برخلاف چهار پزشک قبلی این یکی در ایران تحصیل کرده است. پس از پایان تحصیلات ابتدایی و دبیرستان و گرفتن دیپلم در رشته طبیعی در تبریز او راه دانشگاه تبریز می‌شود و طب می‌خواند.

در این سال‌ها البته علاقه توامان به ادبیات و سیاست را به شکل جدی دنبال می‌کند. در دبیرستان، نخستین داستان‌هایش در هفته‌نامه «دانش‌آموز» به چاپ می‌رسد. در نوجوانی به سازمان مسئول انتشار دو روزنامه برای حزب می‌شود و یک سال بعد به اتهام همکاری با حزب مدتی بازداشت می‌شود. در دانشگاه نخستین نمایشنامه خود یعنی «سایه‌های شب» را می‌نویسد و با صمد بهرنگی رفاقتی به‌هم می‌زند. حزبی وقتی برای سربازی به تهران می‌آید پایش به محافل ادبی جلعه سخن باز می‌شود.

ولی در عین حال علاقه او به ادبیات و سیاست به او اجازه نمی‌دهد تا پزشکی را رها کند. او در سال ۱۳۴۱ دکترای تخصصی رانوپزشکی می‌گیرد. در بیمارستان روانی روزبه مشغول به کار می‌شود و در مطبش که در خیابان دلگشا در تهران قرار داشت، بیشتر اوقات بدون گرفتن حق ویزیت بیماران را معاینه می‌کرد و از تجربه این معاینات برای شناخت از انسان و پیچ‌وخم‌های روح و روان او استفاده می‌کرد. مطبش البته پاتوق روشنفکری هم می‌شود و آن‌طور که خود گفته «ال‌احمد، شاملو، بروجه‌ای نوینده، به‌آذین، سیروس طاهباز، م. آزاد و همسر منوچهر نیستانی و دیگران همیشه آنجا بودند».

در دوران دوم پادشاهی محمدرضا پهلوی یعنی بعد از کودتای ۱۳۳۲ دیگر او به‌طور رسمی یک ادیب است تا یک مبلغ. مجموعه داستان‌های او از سال ۱۳۳۴ و نمایشنامه‌هایش را از اواخر دهه سی به بازار عرضه می‌کند. در دهه چهل مجموعه داستان مشهور «عزاداران بیل» را در سال ۱۳۴۳، نمایشنامه «چوبه‌های زیر بغل» را در سال ۱۳۴۶ منتشر می‌کند و فیلمنامه فیلم «گاو» را در سال ۱۳۴۸ می‌نویسد. و بعد هم فیلمنامه آرامش در حضور دیگران. در همین زمان به کانون نویسندگان هم می‌پیوندد و کم‌کم به سوژه‌ای برای ساواک تبدیل می‌شود و در سال ۱۳۵۳ برای یک سال بازداشت و زندانی می‌شود.

او در سال ۱۳۵۷ ایران را ترک می‌کند و بعد از انقلاب به شکلی باورنکردنی مواضع نزدیک به سازمان مجاهدین خلق (منافقین) اتخاذ می‌کند. در سال ۱۳۶۴ در پاریس از دنیا می‌رود در حالی که کمتر کسی به‌یاد ش مانده که او پزشک هم بوده است.

۶ بهرام صادقی

از کسی می‌خواهیم صحبت کنیم که دنیا مجال چندانی برای ظهور و بروز به او نداد و در چهل و هشت سالگی با کوهی از استعداد مدفن رفته و کارهای نکرده جهان را ترک کرد. منظور بهرام صادقی است.

او متولد سال ۱۳۱۵ در نجف‌آباد اصفهان بود. پدرش خرده‌فروشی داشت و مادرش زنی فهمیده که بود گفته شده علاقه به مسائل مذهبی از همین دوران کودکی در طول دهه شصت و پس از آن به‌عنوان وزیر بهداشت، نقش قابل توجهی در کمپین کنترل جمعیت در کشور داشت که تا دوره وزارت بهداشت او یعنی از سال ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۶ هم ادامه داشت. او نیز دوره هشتم و نهم را در مجلس به نمایندگی از مردم تهران گذراند.

وی همین موضوع، او در ایران به خصوص از سوی زندگی‌نامه‌نویسان سابق و مسئولان فعلی مثل محمد باقر قالیباف یا محسن رضایی مورد توجه قرار گرفت و توانست مشابه برگ خوضی بین‌المللی هم اعضایی کسب در هانوفر دارد را در ایران نیز بسازد.

و علاوه بر شهرت در حوزه جراحی جمجمه، مسئله اعزام جانبازان ایرانی و برخی پروژه‌ها در ایران، از مدتی پیش در فضای مجازی به عنوان منبعی برای توسعه‌های مختلف در حوزه پزشکی و سبک زندگی تبدیل شده و تعداد این توصیه‌ها آن قدر زیاد شد که به نوعی به طنز تبدیل شد و آقای سعیدی در یک مصاحبه هم آن را تکذیب کرد با این حال هنوز هم افکار عمومی در ایران به خصوص عامه، او را به عنوان یکی از افتخارهای ایران و بهترین جراح مغز و اعصاب جهان می‌دانند.

۷ پروفسور سمیعی

دکتر مجید سمیعی یا آن طور که در افواه مشهور است پروفسور سمیعی، متولد خرداد سال ۱۳۱۶ است. او در یک خانواده اهل رشت و استان گیلان البته در تهران متولد شد ولی تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را در همان رشت گذراند.

پس از آن بود که او به المان رفت تا ابتدا در رشته زیست‌شناسی و بعد از آن در رشته پزشکی در دانشگاه بهداشی گوتنبرگ شهر مایتس درس بخواند و پس از آن دوره تخصص جراحی مغز و اعصاب را آغاز کرد و در ابتدای دهه ۷۰ میلادی درجه تخصص را در این رشته گرفت و کار علمی خود را با سمت استادیاری و معاونت جراحی مغز و اعصاب دانشگاه مایتس آغاز کرد و دو سال بعد استاد این دانشگاه شد و دو سال مانده به انقلاب رئیس بیمارستان جراحی مغز و اعصاب شهر هانوفر شد. او در دهه هفتاد به طور مشخص در جراحی قاعده جمجمه و جراحی میکروسکوپی داخل جمجمه‌ای کار کرد و در این زمینه به شهرت رسید.

با این حال شهرت پروفسور سمیعی در ایران بیش از هر چیز به خاطر کمک او برای اعزام جانبازان ایرانی آسیب دیده از سلاح‌های شیمیایی استفاده شده توسط عراق در طول دهه شصت و پس از آن بود.

به سبب همین موضوع، او در ایران به خصوص از سوی زندگی‌نامه‌نویسان سابق و مسئولان فعلی مثل محمد باقر قالیباف یا محسن رضایی مورد توجه قرار گرفت و توانست مشابه برگ خوضی بین‌المللی هم اعضایی کسب در هانوفر دارد را در ایران نیز بسازد.

و علاوه بر شهرت در حوزه جراحی جمجمه، مسئله اعزام جانبازان ایرانی و برخی پروژه‌ها در ایران، از مدتی پیش در فضای مجازی به عنوان منبعی برای توسعه‌های مختلف در حوزه پزشکی و سبک زندگی تبدیل شده و تعداد این توصیه‌ها آن قدر زیاد شد که به نوعی به طنز تبدیل شد و آقای سعیدی در یک مصاحبه هم آن را تکذیب کرد با این حال هنوز هم افکار عمومی در ایران به خصوص عامه، او را به عنوان یکی از افتخارهای ایران و بهترین جراح مغز و اعصاب جهان می‌دانند.

۸ علیرضا مرندی

بسیاری از وزرای ایرانی یا حتی تیم پزشکی امام خمینی را نیز می‌توانستیم در این فهرست بیاوریم ولی به نمایندگی از همه وزرا، آقای دکتر مرندی را اینجا داریم که در حال حاضر رئیس فرهنگستان علوم پزشکی و نیز رئیس تیم پزشکی رهبر انقلاب است. و در کارنامه سیاسی اش یک ملاقات حساس با صدام حسین در بغداد به چشم می خورد.

دکتر مرندی متولد سال ۱۳۱۸ در اصفهان است. در سال ۱۳۳۶ وارد دانشکده پزشکی دانشگاه تهران شد و ۷ سال بعد از این دانشگاه فارغ‌التحصیل شد. او نیز برای تکمیل تحصیلات خود به خارج از کشور و به طور مشخص به آمریکا رفت و بین سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۰ دوره تخصص کودکان را در دانشکده پزشکی ویرجینیا گذراند و در سال ۱۳۵۰ بورد تخصص اطفال را دریافت کرد. ۶ سال بعد هم او فوق تخصص نوزادان را دریافت کرد و بعد از آن به عنوان استاد یار و نیز به عنوان پزشک تا سال ۱۳۷۶ در آمریکا فعالیت کرد.

پس از آن به ایران بازگشت و در طول دهه شصت به عنوان معاون وزیر بهداشت، نقش قابل توجهی در کمیین کنترل جمعیت در کشور داشت که تا دوره وزارت بهداشت او یعنی از سال ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۶ هم ادامه داشت. او نیز دوره هشتم و نهم را در مجلس به نمایندگی از مردم تهران گذراند.

ورود وپروس ایدز به ایران و نیز اجرای طرح ملی واکسیناسیون قلع اطفال در سال ۱۳۷۴ نیز از دیگر تحولات مهم مسئولیت‌های آقای مرندی در حوزه بهداشت و درمان است.

۹ علی‌اکبر ولایتی

کمتر کسی است که علی‌اکبر ولایتی را نشناسد. پس از وزیر سیاسی و به شکل مختصر عبور کنیم و به پزشکی او برسیم. دکتر ولایتی متولد ۱۳۱۸ در اصفهان است. او در سال ۱۳۴۲ رأس امور دو برادر تحصیل در رشته پزشکی به دانشگاه تهران می‌رود و شاگردی دکتر محمد قریب را می‌کند که پیش از این کار خیر شرح شد. او همچنین برای تحصیل در فوق‌تخصص بیماری‌های عفونی به دانشگاه جاز هایکینز آمریکا رفته است. دوران طبابت او تقریبا از فوق تخصص آغاز می‌شود و او به همین دلیل در ابتدای انقلاب برای مدتی معاونت وزارت بهداری را به‌دست می‌آورد و بعد از آن هم حتی در دوران وزارت خارجه و پس از آن طبابت را رها نکرد. گفته می‌شود او حتی در هنگام داشتن این مسئولیت‌ها نیز تمرکز خود را برای طبابت از دست نداده و در حوزه کودکان پزشکی حاذق به‌حساب می‌آمده است. با این حال وضعیت سلامت او در ماه‌های اخیر کمی رو به وخامت رفته است. از بیماری او اطلاعی دقیق در دست نیست. در فضای مجازی پارکینسون، بیماری ای‌ال‌اس و سکته مغزی بیان شده است. از آقای ولایتی در کارانتوا تا بابین اخراج شد بعدش از نایلوی هم اخراج شد و رفت اورتون وسط جدولی. ولی ۲۰۲۲ امد رتال و تا الان هفت تا جام گرفته. اره داداش این مربیا استادن تاریخ انقضا ندارن.

خانم محرز پیش از کرونا، به دلیل فعالیت‌های چشمگیرش در حوزه ایدز شناخته می‌شد و کارشناس سازمان جهانی بهداشت درباره بیماری ایدز در ایران و منطقه مدیترانه شرقی بود و رییست مرکز تحقیقات ایدز ایران را که از سال ۱۳۹۴ راه‌اندازی داشت پر عهده داشت ولی بعد از کرونا، تقریبا هر روز در تلویزیون یا رسانه‌ها حضور داشت و مردم را به توصیه‌های ایمنی مثل استفاده از ماسک و شوخی نگرفتن کرونا دعوت می‌کرد.

۱۰ مینو محرز

هم نماینده مجلس.

او در شمیران تهران ابتدایی و متوسطه را به پایان رسانده و دیپلم طبیعی گرفته است. در کنکور سال ۱۳۴۳ رتبه ۴۹ را می‌آورد و برای تحصیل در رشته پزشکی به دانشگاه تهران می‌رود و شاگردی دکتر محمد قریب را می‌کند که پیش از این کار خیر شرح شد. او همچنین برای تحصیل در فوق‌تخصص بیماری‌های عفونی به دانشگاه جاز هایکینز آمریکا رفته است. دوران طبابت او تقریبا از فوق تخصص آغاز می‌شود و او به همین دلیل در ابتدای انقلاب برای مدتی معاونت وزارت بهداری را به‌دست می‌آورد و بعد از آن هم حتی در دوران وزارت خارجه و پس از آن طبابت را رها نکرد. گفته می‌شود او حتی در هنگام داشتن این مسئولیت‌ها نیز تمرکز خود را برای طبابت از دست نداده و در حوزه کودکان پزشکی حاذق به‌حساب می‌آمده است. با این حال وضعیت سلامت او در ماه‌های اخیر کمی رو به وخامت رفته است. از بیماری او اطلاعی دقیق در دست نیست. در فضای مجازی پارکینسون، بیماری ای‌ال‌اس و سکته مغزی بیان شده است. از آقای ولایتی در کارانتوا تا بابین اخراج شد بعدش از نایلوی هم اخراج شد و رفت اورتون وسط جدولی. ولی ۲۰۲۲ امد رتال و تا الان هفت تا جام گرفته. اره داداش این مربیا استادن تاریخ انقضا ندارن.

۱۱ مینو محرز

ایدز فهرست را البته با اسامی بسیاری که می‌توانستیم بیاوریم و فضایی برای آن نداشتیم با نام یک خانم به پایان می‌بریم. خانمی که در دوران کرونا، به شدت مشهور شد هر چند قبل از آن هم یکی از متخصصان حوزه عفونی در ایران بود.

خانم دکتر مینو محرز متولد دی ماه سال ۱۳۲۴ است. او در سال ۱۳۴۲ دیپلم گرفته است. در کنکور سال ۱۳۴۳ رتبه ۴۹ را می‌آورد و برای تحصیل در رشته پزشکی به دانشگاه تهران می‌رود و شاگردی دکتر محمد قریب را می‌کند که پیش از این کار خیر شرح شد. او همچنین برای تحصیل در فوق‌تخصص بیماری‌های عفونی به دانشگاه جاز هایکینز آمریکا رفته است. دوران طبابت او تقریبا از فوق تخصص آغاز می‌شود و او به همین دلیل در ابتدای انقلاب برای مدتی معاونت وزارت بهداری را به‌دست می‌آورد و بعد از آن هم حتی در دوران وزارت خارجه و پس از آن طبابت را رها نکرد. گفته می‌شود او حتی در هنگام داشتن این مسئولیت‌ها نیز تمرکز خود را برای طبابت از دست نداده و در حوزه کودکان پزشکی حاذق به‌حساب می‌آمده است. با این حال وضعیت سلامت او در ماه‌های اخیر کمی رو به وخامت رفته است. از بیماری او اطلاعی دقیق در دست نیست. در فضای مجازی پارکینسون، بیماری ای‌ال‌اس و سکته مغزی بیان شده است. از آقای ولایتی در کارانتوا تا بابین اخراج شد بعدش از نایلوی هم اخراج شد و رفت اورتون وسط جدولی. ولی ۲۰۲۲ امد رتال و

نکته بازی

چرا جام‌های برانکو را نادیده می‌گیری؟

بیشتر کسانی که با محمد مایلی‌کهن برخورد داشـــته‌اند، از اخلاق خوب و ادب و متانتش حرف زده‌اند اما خب متاسفانه وقتی به او فکر می‌کنیم، بیشتر از اینها، توهین‌ها و حرف‌های نه‌چندان مودبانه‌اش درباره بعضی نفرات به یادمان می‌آید. البته بعضی وقت‌ها می‌شود دلیل این ادبیات عجیب او را متوجه شد اما بعضی جاها نه! جناب مایلی‌کهن دیروز در مصاحبه‌ای درباره برانکو و بازگشـــتش به پرسپولیس گفتند: «برانکو با این حرف نشان داد که هنوز پیشنهاد پرسپولیس را نه رد کرده و نه قبول کرده است. آقای برانکو مار خورده و افعی شده است؛ برانکو با پولی که در فوتبال ایران درآورد، الان نصف کرواسی را خریده است!» جناب مایلی‌کهن! نصف بیشتر جام‌ها و افتخارات پرسپولیس در چند سال اخیر را هم برانکو به دست آورده. چرا فقط به پولی که در آورده اشاره می‌کنید؟ باز او اگر پول خوب گرفته، نتایج خوبی هم داشته و نوش جانش. در این فوتبال بعضی‌ها سال‌ها نان یک موفقیت اتفاقی را خوردند و هی قرارداد بستند و هی تیم‌شان به لیگ یک سقوط کرد و هنوز هم مدعی هستند. برانکو الان سرمربی عمان است و آن نشست خبری هم درباره بازی عمان و عربستان بود. اتفاقا مار را کسی خورده که در این نشست خبری درباره پیشنهاد پرسپولیس از او سوال می‌کند و حاشیه درست می‌کند تا دیده شود. واقعا چه دلیلی دارد که درباره برانکو اینگونه حرف می‌زنید؟ او کاملا حرفه‌ای و با رعایت اخلاق به سوال بی‌ربط خبرنگار جواب داده است. این چه ربطی به مار خوردن و افعی شدن دارد؟

شما دیگر شماره ۸ نپوش لطفا

سعید مهری همین امروز و فردا به تیم آپوئل نیکوزیای قبرس خواهد پیوست و دوباره زیر نظر ریکاردو ساپینتو بازی خواهد کرد. سرمربی پرتغالی، در استقلال هم که بود، اعتقاد عجیب و غریبی به بازی مهری داشت و الحق والانصاف این بازیکن هم تمام توانش را می‌گذاشت و پاسخ اعتماد ساپینتو را به خوبی می‌داد. اما در همان مقطع هم یک ضعف بزرگ در بازی او بود و آن تصمیمات آخر اشتباه او بود که باعث می‌شد خیلی از موقعیت‌های استقلال به هدر برود. این اتفاق در فصل گذشته و همین فصل هم رخ داد و باعث شد هواداران در فضای مجازی از او حسابی انتقاد کنند. مهری اما در یک مصاحبه به دلایل شرایط نه‌چندان خوبش در استقلال اشاره کرده و مدعی شده به دلیل پوشیدن پیراهن شـــماره ۸ که روزگاری بر تن امثال مجتبی جباری و امیر قلعه‌نویی بوده، انتظارات از او بالا بوده و البته آن پاسی که در دربی به محمد محبی نداده، بیشتر از هر چیزی به چشم آمده است! الان سوالی که برای ما پیش می‌آید این است که اگر مثلا جناب مهری پیراهن شماره ۱۵ را می‌پوشـــید، در دربی آن پاس را به محبی می‌داد؟ ضمن اینکه تفاوت بازیکنان بزرگ با دیگران دقیقا در صحنه‌هایی مثل همین رقم می‌خورد که البته فقط یک مورد نبوده و جناب مهری در چند بازی مهم و صحنه تاثیرگذار، با تصمیمات اشتباه‌شان، موقعیت‌های صددرصد گلزنی را از استقلال گرفته‌اند. امیدواریم ایشان در قبرس با پیراهنی به جز شماره ۸ بدرخشند و با تصمیمات درست، روزهای خوبی در فوتبال اروپا داشته باشند و پیشرفت کنند.

شبیه‌سازی بازی با کره

بازی فردا شب مقابل هنگ‌کنگ که تیمی سرعتی است، می‌تواند تا حدودی ما را برای بازی احتمالی با کره‌جنوبی آماده کند

جمعه شب دومین بازی تیم ملی در مرحله گروهی جام ملت‌های آســـیا مقابل تیم ملی هنگ‌کنگ برگزار می‌شـــود. این احتمالا آســـان‌ترین بازی شاگردان قلعه‌نویی در این تورنمنت خواهد بود اما اهمیت آن در تعداد گل‌های زده و بالا رفتن تفاضل گل ماســـت که می‌تواند در بازی روز آخر مقابل امارات به کمک ما بیاید. فلسطین در رنکینگ فیفا تیم ۹۹ جهان است و هنگ‌کنگ در رده ۱۵۵ قرار دارد! البته بازی امارات و فلسطین امشب برگزار می‌شود و شاگردان قلعه‌نویی یک روز بعد، با علم به نتیجه آن، با خیال راحت‌تری مقابل هنگ‌کنگ قرار خواهند گرفت.

کمی متفاوت با تقابل قبل

این هشتمین تقابل رسمی ایران و هنگ‌کنگ خواهد بود. در هر ۷ بازی قبل، این ایران بوده که به پیروزی رســـیده و هنگ‌کنگ در تمام این تقابل‌هـــا فقط یک بار موفق به باز کردن دروازه ایران شده است. هنگ‌کنگ که در بازی اول خود با نتیجه ۳ بر یک مغلوب امارات شـــده، حریف ناشناخته‌ای برای قلعه‌نویی نیست. این تیم در رقابت‌های انتخابی جام‌جهانی هم با ایران همگروه است و چند هفته پیش در تهران مقابل ما قـــرار گرفت و با نتیجه ۴ بر صفر مغلوب شد. در آن بازی با دو گل زودهنگام سردار آزمون و دو گل دیرهنگام طارمـــی و رضائیان این تیم را مغلوب کردیم اما تیمی که فردا شب قرار است مقابل ایران بگیرد، با تیمی که چند هفته پیش مغلوب ما شـــد تفاوت‌هایی دارد.

اگر ترکیب هنگ‌کنـــگ مقابل امـــارات را ترکیب پایه و اصلی این تیم بدانیم، باید بگوییم حداقل ۵۰ درصد از این ترکیب در بازی قبلی مقابل ایران غایب بودند. مهم‌ترین بازیکنی که نســـبت به بازی قبل بـــه ترکیب هنگ‌کنگ اضافه شده، «اورتون کامارگو» اســـت که اصالتا برزیلی است. او در پســـت وینگر راست بازی می‌کند و از تکنیک و ســـرعت خوبی برخوردار است و ســـازنده تنها گل این تیم مقابل امارات بود. دیگر مهره خطرناک این تیم «تان چون لوک» اســـت که با شماره ۸ پشت ســـر مهاجمان بازی می‌کند و در بازی مقابل امـــارات ۴ موقعیت گلزنی برای همبازیانش ایجاد کرد. «مـــتاور» هم که در بازی قبلی مقابل ایـــران حاضر بود، یکـــی از بهترین بازیکنان هنگ‌کنگ است که باید توســـط مدافعان تیم ملی مهار شود.

چند تغییر قطعی و احتمالی

بهردازیم به تیم خودمان! پیروزی ۴ بر یک مقابل فلسطین شروعی خوب برای شـــاگردان امیر قلعه‌نویی بود و بعید است امارات امشب بتواند مقابل فلســـطینی‌ها نتیجه‌ای بهتر از ایران بگیرد. احتمالا تکلیف صدرنشین و تیم دوم این گروه بعد از همان بازی‌های روز اول مشـــخص شـــده است. اما برای ایران، بازی‌های مراحل حذفی مهم‌تر است و شـــاگردان قلعه‌نویی در بازی مقابل هنگ‌کنگ و سپس امارات باید برای مقابله با حریفان قوی‌تر تمرین و خودشان را آماده کنند. ترکیب تیم ملی در بازی فردا شب می‌تواند تغییرهایی نســـبت به بازی اول داشـــته باشد. یک تفاوت قطعی، غیبت شجاع خلیل‌زاده اســـت که مصدومیتش تا چهارشنبه شب برطرف نشده بود و طبیعتا به بازی مقابل هنگ‌کنگ نخواهد رســـید و مجید حســـینی جانشین او خواهد شد. تغییرات احتمالی دیگر را باید در دفاع راست و خط حمله جست‌وجو کنیم. جایی که رامین رضائیان به احتمال زیاد از ابتدا در ترکیب اصلی قرار می‌گیرد و صادق محرمی نیمکت‌نشـــین می‌شود و ســـردار آزمون هم زوج طارمی خواهد بود و کریم انصاری‌فرد از ترکیب اصلی خارج خواهد شد. این احتمال هم وجود دارد که تغییرات بیش از اینها باشد و نفراتی مثل رضا اسدی، شهریار مغانلو، امید ابراهیمی و ... از ابتدا در ترکیب اصلی قرار بگیرند.

یادگیری بازی با کره

با توجه به جدول گروه و مســـیر ایران تا مرحله یک‌هشتم نهایی، هنگ‌کنگ احتمالا سریع‌ترین تیمی است که قبل از کره‌جنوبی مقابل ایـــران قرار می‌گیـــرد و تقابل با این تیم می‌تواند تا حدودی بازی با کـــره و احتمالا با ژاپن در فینال را برای ما شبیه‌سازی کند. این بهترین فرصت برای قلعه‌نویی اســـت تا عیار تیمش را در برابر یک تیم سرعتی بسنجد. واقعیت این اســـت که ایران در بیشتر بازی‌هایش تحت هدایت قلعه‌نویی، در دفاع کمی ضعیف ظاهر شده و این در حالی است که در میان حریفانش، تیم‌های سرعتی هم به چشم نمی‌خوردند، مگر همین تیم هنگ‌کنگ که در تهران، توانست در نیمه دوم دقایقی ما را به زحمت بیندازد و فرصت گل ایجاد کند. ما حتی در برابـــر تیم‌هایی مثل افغانستان و فلسطین هم گل خورده‌ایم و دیگر مدت‌هاست که خبری از آن خط دفاع آهنین و رویایی تیم ملی نیست. جمعه شب، شـــاگردان قلعه‌نویی می‌توانند حمله و دفاع در برابر تیم‌های ســـرعتی را به خوبی تجربه کنند و برای بازی‌های سخت‌تر آینده محکی جدی بخورند.

گزارش

ظهور و سقوط مورینیو در رم

ژوزه مورینیو آمد و نه‌چندان قابل انتظار، نه‌چندان قابل پیش‌بینی به‌عنوان مرد مغلوب، الیمپیکو را ترک کرد؛ پس از ۲ شکست سرنوشت‌ساز مقابل لاتزیو و میلان

ژوزه مورینیو پس از ترک تاتنهام به خوبی از پس اعاده حیثیت خود برآمد و در نخستین فصل حضور موفق شد کنفرانس لیگ اروپا را پشت فرمان اتوبوس به مردمان شهر پیشـــکش کند. جامی که نه سال‌های سال، بلکه در طول تاریخ، رم از لذت لمـــس کردنش عاجز مانده بود و آقای خاص خیلی‌زود مســـیر کســـب افتخار در لیگ اروپا را هم به ساکنان شـــهر ابدی یاد داد؛ البته که در آخرین گام، ناگهان اسب زین شده جالوروسی به گل نشست. ژوزه سال ۲۰۲۱ به‌طور غیرمنتظره‌ای به‌عنوان ســـرمربی رم انتخاب شد و تنها چند روز پس از اخراجش از نیمکت سرمربیگری تاتنهام، تا تابستان ۲۰۲۴ کوله‌بارش را به مقصد پایتخت ایتالیا بست. در فصل اول، ژوزه چندان در رقابت‌های داخلی موفق نبود اما موفقیتش در اروپا به کسب رتبه ششم سری آ پشت سر رقیب همشهری می‌چربید. ســـرمربی ۶۰ ساله از مجموع ۵۵ بازی‌اش در فصلِ نخستینِ حضور در رم را با ۲۹ پیروزی پشت‌سر گذاشت اما مجموع امتیازاتش در سری آ از ۶۳ فراتر نرفت.

حاشیه در متن حضور

دوران حضـــور مورینیـــو در رم، پر از حاشـــیه بود؛ از اعتراض سنگین و فراتر از انتظار به آنتونی تیلور، داور دیدار فینال لیگ اروپا گرفته تا کسب کارت‌های قرمز پرشمار، محرومیت از حضور کنار زمین و سر شاخ شدن با ریز و درشت ارکان فدراسیون و سازمان لیگ فوتبال ایتالیا. با این حال، هواداران رم تا آخرین لحظه از حضور ژوزه روی نیمکت سرمربیگری تیم‌شان حمایت کردند و زمانی که خبر خداحافظی‌اش از پایتخت مخابره شد با حیرت و اشک سرمربی خاص‌شان را بدرقه کردند.

بهتر از این می‌شد رم را هدایت کرد؟

آنها قربانیِ انتقال‌های اشتباهی شدند که برای حضور در کورس فتح اســـکودتو کافی نبود. ژوزه خودش هم تمایل داشت سرمربی رم باقی مانده و قراردادش را در آستانه انقضا، تمدید کند اما ماجرای تمدید قرارداد با سرمربی که پیشنهادات متعددی از جمله هدایت تیم ملی پرتغال را برای باقی ماندن بر مسند هدایت رم، رد کرده بود، طولانی شـــد و در نهایت فریدکین‌ها دست به خودکشی زد. هواداران رم به مدت ۳۶ بازی پیاپی، بلیت‌های حضور در الیمپیکـــو را «جملگی به فروش رفته» دیدند و همه می‌دانستند اگر آقای خاص روی نیمکت رم حضور نداشت، رویای بر تن کردن پیراهن زرد و قرمز به تن دیبالا هم واقعیت نمی‌یافت.

پایان آقای خاص روی نیمکت یک تیم خاص

ژوزه به هر حال در رم هم دســـت از اخلاق و رفتارهای خاص‌اش نکشید و اینجا هم پیکان تیز انتقادش را پس از کسب تنها یک تســـاوی به سمت یک بازیکن خاص گرفت که «به تیم خیانت می‌کرده است»؛ بازیکنی که صدالبته در پنجره نقل‌وانتقالاتی پس از خیانتش هم به فروش نرفت تا جزوی از رختکن تیم باقی بماند! ژوزه در دوران حضور روی نیمکت رم، شانس حضور کنار زمین در ۱۶ بازی را به‌تبع محرومیت از دست داد و در نهایت صبح سه‌شنبه در میان اشک و حسرت دستیارانش با هواداران خداحافظی کرد.

کاش قربانی نشود!

رم این فصل فاصله قابل‌توجهی با کورس فتح اسکودتو دارد و خیلـــی‌زود بی‌خیـــال قهرمانی شـــده اما هنوز فاصله‌اش تا منطقه کسب سهمیه به بیش از ۵ امتیاز نرســـیده و درحالی‌که تیم از نظر پرداخت دســـتمزد سومین تیم گران‌قیمت فوتبال ایتالیا پس از یوونتوس و اینتر است، مالکان این باشـــگاه انتظار نتایج بهتری داشته‌اند. آنها می‌خواســـتند و می‌خواهند در نهایت فصل را به امید حضور در لیگ قهرمانان اروپا به پایان برسانند. حضور آقای خاص در رم به زبان آمار و ارقام، چیزی جز ۱۳۸ بازی، ۶۸ پیروزی، ۴۰ باخت، ۴۹ درصد پیروزی در بازی‌ها و حضور در ۲ فینال متوالی اروپایی نبوده اما تاثیر حضـــور او در پایتخت، پس از حضورش مشخص خواهد شد.

چهره روز

طارمی سرانجام در اینتر!

مهدی طارمی در طول سال گذشته به واسطه عملکرد درخشانی که در تیم پورتو داشت توانست به عنوان آقای گلی لیگ‌برتر پرتغال دست پیدا کند.او سوژه بازار نقل‌وانتقالات تابستانه بود و حتی بحث حضورش در میلان هم به میان آمد و در حالی که تصور می‌شد از ابتدای فصل در سری A ایتالیا به میدان برود و مهاجم میلان باشد اما در نهایت، این انتقال مهم منتفی و در پورتو ماندنی شد ولی نتوانست نیم‌فصل موفقی را در جمع شاگردان سرجیو کونسیسائو پشت سر بگذارد. طارمی در این فصل با وجود آنکه ۲۴ بار برای پورتو (در تمامی رقابت‌ها) به میدان رفته اما توانسته تنها ۶ بار برای پورتویی‌ها گل بزند و ناکام در تکرار عملکرد درخشان خود در فصل گذشته بوده است. با این وجود، همچنان مهدی طارمی سوژه بازار نقل‌وانتقالات است و حالا در بازار زمستانه، مورد توجه است و در ماه‌های گذشته گمانه‌زنی‌های پرشماری درباره پیوستن او به اینتر مطرح شده بود که حالا به نظر می‌رسد ستاره ایرانی بیش از پیش به این انتقال هیجان‌انگیز نزدیک شده است.

ستاره ایرانی با قراردادی (۱+۲) ساله در راه اینتر؟

فابریتزیو رومانو خبرنگار مشهور ایتالیایی بامداد چهارشنبه آخرین خبرها درباره انتقال ستاره ایرانی را پوشش داد و در این باره در صفحه توئیتر خود نوشت: «اینتر به توافق برای جذب مهدی طارمی به عنوان بازیکن آزاد در ماه جولای نزدیک است. قرارداد ۲ ساله با گزینه تمدید برای فصل سوم خواهد بود. بحث درباره جزئیات نهایی پس از جام ملت‌های آسیا انجام خواهد شد تا توافق انجام شود». طارمی این روزها در اردوی تیم ملی حضور دارد و در دیدار اول تیم ملی در جام ملت‌های آسیا عملکرد پرنوسانی داشت اما امیدوار به درخشش در این رقابت‌های مهم است.

ستاره ایرانی تا پایان فصل جاری رقابت‌های باشگاهی تحت قرارداد باشگاه پورتو پرتغال است اما گفته می‌شود اینتری‌ها در تلاش هستند تا بتوانند پیش از شروع فصل جدید، با مدیران باشگاه پرتغالی به توافق برسند و او را در بازار زمستانه به تیم خود منتقل کنند. اینتری‌ها در خط حمله خود لائوتارو مارتینز، مارکوس تورام و مارکو آرناتوویچ را در اختیار دارند اما با این حال گفته می‌شود مسئولان باشگاه ایتالیایی در تلاش برای تقویت خط حمله هستند و می‌خواهند مهدی طارمی را در بازار زمستانه به فهرست‌شان اضافه کنند که باید دید این انتقال هیجان‌انگیز سرانجام رقم خواهد خورد یا تا پایان فصل جاری، طارمی در تیم پورتو خواهد ماند و بعد از پایان قراردادش با باشگاه پرتغالی، او به سراغ انتخاب یک تیم جدید می‌رود.

منبع: فوتبال ۳۶۰

گوشه و کنار مستطیل سبز

یوونتوس، اینتر را رها نمی‌کند

پرونده هفته بیستم سری A، سه‌شنبه شب با پیروزی ۳ بر صفر یوونتوس بر ساسولو به پایان رسید. یوونتوس که به دلیل حضور در جام‌حذفی بازی‌اش دیرتر از سایر بازی‌های لیگ دســـته اول فوتبال برگزار شد، با شلیک از راه دور دوشـــان ولاهوویچ در دقیقه ۱۵ از حریف خود پیش افتاد. ستاره صرب بانوی پیر دومین گل تیمش را هم به نام خود ثبت کرد و این بار با یک ضربه ایستگاهی تماشایی در دقیقه ۳۷. در آخرین دقایق بازی یوونتوس با زدن گل سوم کار حریف را یکسره کرد که این گل را فدریکو کیه‌زا بازیکن تعویضی تیم میزبان روی اشتباه عجیب مدافعان و دروازه‌بان ساسولو در دقیقه ۸۹ به ثمر رساند. به این ترتیب یوونتوس بازی را با نتیجه‌ای قاطع به سود خود به پایان رساند و ۴۹ امتیازی شد تا فاصله‌اش را با اینتر صدرنشین به دو امتیاز کاهش و با تیم سوم جدول، میلان به هفت امتیاز افزایش دهد. در پایان هفته بیستم سری A، اینتر میلان ۵۱ امتیازی صدرنشین است، یوونتوس با ۴۹ امتیاز در رده دوم قرار دارد، میلان ۴۲ امتیازی سوم است و فیورنتینای ۳۴ امتیازی نیز جایگاه چهارم را در اختیار دارد.

دی‌لیخت در فهرست فروش بایرن

رابطه بین ماتیس دی‌لیخت و توماس توخل، سرمربی باواریایی‌ها، پرتنش شده و حتی احتمال جدایی در تابستان نیز منتفی نیست. بدون شک، قضیه دی‌لیخت از مسائل مهم تابستان بعد تیم مدیریت ورزشی بایرن خواهد بود. دی‌لیخت در تابستان ۲۰۲۲ پس از پرداخت ۶۷ میلیون یورو به یوونتوس وارد مونیخ شد. او با امیدهای زیادی وارد بایرن شد و فصل قبل نیز توانست بوندسلیگا را جشن بگیرد ولی او بیش از اندازه مصدوم می‌شود و بعضا درون میدان اشتباهات عجیبی نیز مرتکب می‌شـــود. پیوستن کیم مین جائه به بایرن باعث شد که بازیکن سابق آژاکس در ابتدای فصل نیمکت‌نشین شود. علاوه بر این، او در ماه اکتبر از ناحیه زانو آسیب دید که باعث شد حدود یک ماه و نیم از زمین بازی دور شود. در حالی که زوج کیم و دایو اوپامکانو خود را در قلب دفاع بایرن تثبیت کرده‌اند و بایرن برای فصل بعد به دنبال جذب آرائوخو است، آینده دی‌لیخت بیش از پیش مبهم جلوه می‌کند. با رفتن کیم مین جائه به جام ملت‌های آســـیا دی‌لیخت بار دیگر به ترکیب ثابت بایرن برگشته و فرصتی جدید برای اثبات خود دارد. باید دید او از این شانس چطور استفاده خواهد کرد.

ملی‌پوش برزیلی، شکار ۱۳۰۰ میلیاردی الهلال

الهلال برای تقویت خود در نقل و انتقالات زمستانی، اقدام به جذب ملی‌پوش برزیلی کرد. رنان لودی که همین تابستان و پس از پایان قرارداد قرضی‌اش با ناتینگهام فارست، از اتلتیکو مادرید جدا شد و به المپیک مارسی پیوست، پس از ۶ ماه راهی عربستان شـــد. بازیکنی که ۱۱۸ بار برای روخی بلانکو بازی کرده بود، در پست دفاع چپ بازی می‌کند و در این فصل نیز ۲۳ مرتبه برای المپیک مارســـی به میدان رفت و پس از آنکه مورد توجه الهلال قرار گرفت، به پیشنهاد این باشگاه عربستانی پاسخ مثبت داد. مبلغ انتقال رنان لودی با آپشن ها به ۲۳ میلیون یورو می‌رسد و این یعنی اینکه الهلال برای جذب ملی‌پوش برزیلی، بیش از ۱۳۰۰ میلیارد تومان هزینه کرده است تا این بازیکن به عنوان جانشـــین نیمار، به لیست خارجی‌های این تیم اضافه شود. رنان لودی ۲۵ ساله سابقه ۱۹ بازی برای تیم ملی برزیل را در کارنامه دارد و در آخرین بازی‌های کشـــورش در مقدماتی جـــام جهانی نیز دعوت شـــد و ۸۱ دقیقه نیز مقابل کلمبیا بازی کرد. اما در جـــدال برابر آرژانتین نیمکت‌نشین بود.

توافق پرسپولیس با عبدالکریم حسن کامل شد

باشگاه پرسپولیس پس از چندین مرتبه مذاکره با عبدالکریم حسن مدافع سابق تیم ملی قطر، با این بازیکن به توافق اولیه رسیده است.در همین راستا از باشگاه پرسپولیس خبر می‌رسد سرخپوشان دنبال تأمین منابع مالی برای پیش پرداخت به این بازیکن هستند تا به‌زودی زمینه حضور او در تهران و عقد قرارداد رسمی فراهم شود.

داور سوری بازی ایران و هنگ‌کنگ را سوت می‌زند

حنا حطاب از ســـوریه، به‌عنـــوان داور دیدار تیم‌های ملـــی فوتبال ایران و هنگ‌کنگ در دور دوم از مرحله گروهی جام ملت‌های آسیا ۲۰۲۳ انتخاب شده است. حطاب قضاوت دیدار تیم‌های امید ایران و ازبکستان در انتخابی مسابقات زیر ۲۳ سال قهرمانی آسیا را برعهده داشت که فدراسیون فوتبال به اتهام نشان دادن دو کارت زرد به یک بازیکن و اخراج نکردن او از این داور شکایت کرد. این داور سوری سابقه قضاوت دیدار نساجی - مومبای سیتی در فصل جاری لیگ قهرمانان آسیا را هم در کارنامه دارد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان همدان

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۱۶۰۳۲۶۰۰۹۰۰۱۷۱۶ مورخ ۱۴۰۲/۱۰/۲۶هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک فامنین تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی علی عزیزی فرزند صفر علی بشماره شناسنامه ۱۸۳ صادره از فامنین در یک باب دامداری (پروار بندی) به مساحت ۱۶۰۷,۲۴ متر مربع از پلاک ۱۰۴ اصلی واقع در بخش ۵ همدان حوزه ثبت ملک فامنین اراضی فامنین خریداری ازمالک رسمی حسنعلی خانجانی گردیده است. لذا به منظوراطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض،دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند.بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار اول ۱۴۰۲/۱۰/۲۸ تاریخ انتشار دوم ۱۴۰۲/۱۱/۱۴
م الف ۱۹۲ رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان فامنین - رضا بیات

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای محمد امینی باستناد دو برگ استشهادیه مصدق شده که امضا شهود ان ذیل شناسه یکتا به شماره ۱۴۰۲۰۲۱۵۲۰۶۹۰۰۱۶۹۶ و ۱۴۰۲۰۲۱۵۲۰۶۹۰۰۱۶۹۷ رمز تصدیق ۷۰۹۴۴۷ و ۲۳۹۲۶۵ دفترخانه ۴۹ شهریار رسیده است مدعی فقدان سند مالکیت ششدانگ یک دستگاه آپارتمان به شماره پلاک ۵۸۸۵ فرعی از ۵۰ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۴۲۳۶ فرعی از اصلی مذکور قطعه ۱۰ تفکیکی واقع در طبقه چهارم بمساحت ۱۲۹/۶۳ متر مربع که مقدار ۲/۸۸ متر مربع آن بالکن است بانضمام انباری قطعه ۱۰ تفکیکی بمساحت ۱/۵۶ متر مربع و پارکینگ قطعه ۳ تفکیکی بمساحت ۱۲/۵ متر مربع ذیل دفتر الکترونیکی ۱۴۰۱۲۰۳۰۱۰۵۷۰۱۱۶۳۴ بنام محمد امینی ثبت و سند مالکیت به شماره چاپی ۲۷۳۸۷۱ ج / ۱۴۰۰ صادر و تسلیم شده است و بحکایت ثبت دفتر املاک در رهن نمی باشد بعلت اسباب کشی منزل مفقود گردیده است لذا مراتب به استناد تبصره ذیل ماده ۱۲۰ قانون ثبت در یک نوبت آگهی می گردد تا چنانچه کسی مدعی انجام معامله نسبت به پلاک فوق یا وجود سند مالکیت نزد خود می باشد از تاریخ نشر این آگهی ظرف مدت ده روز اعتراض خود را کتبا به ضمیمه سند مامله به این اداره تسلیم و رسید دریافت نماید و در غیر اینصورت این اداره پس از انقضای مدت مذکور و نرسیدن واخواهی نسبت به صدور سند المثنی طبق مقررات اقدام خواهد نمود.
م الف ۱۱۰۵۱ مهدی ناصری - رئیس واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهریار
از طرف فضل اله لوائی
۲۵۳

آخر هفته
ضمیمه ۷ صبح
پنجشنبه | ۲۸ دی ۱۴۰۲ | شماره ۳۶۹۲

بازیگر؛ پنهان شده در پوست شیر

بهترین بازی‌های ۱۴۰۰ تا به امروز

سینمای ایران از بهمن ۱۳۹۸ تا انتهای ۱۴۰۰ را با کابوس کرونا از سر گذراند و دهه درخشان ۱۳۹۰ این‌گونه فرجام مناسبی پیدا نکرد. کرونا به سادگی سینمای ایران را به دو قسمت تقسیم کرد و سینمای خانگی را به یک عنصر مهم نمایشی و تفریحی برای عموم مردم بدل کرد. وقایع سیاسی هم این انشقاق را دو چندان کرد. اینجا نگاهی داریم به بهترین نقش‌آفرینی‌های دهه جدید. دهه‌هایی که از ۱۴۰۰ آغاز شده. در این نگاه فیلم‌ها و سریال‌ها را در یک ترازو قرار داده‌ایم.

۱ طناز طباطبایی بازی در بی‌رویا. در نقش زنی که در مواجهه با توطئه مشترک همسر و یک دختر مرموز مشاعر خود را از دست می‌دهد و وارد دنیایی ترسناک از بی‌اعتمادی و بی‌ثباتی می‌شود. او در شنای پروانه هم کم نظیر است.

۲ هستی مهدوی. بازی او در سریال آکتور شگفت‌انگیز است. او می‌تواند مجموعه‌ای دلپذیر از زنانگی و اشتیاق و پنهانکاری را به تصویر بکشد.

۳ ویشکا آسایش در روزی روزگاری مریخ. یکی از بهترین نقش‌آفرینی‌های کمیک در یکی از شیرین‌ترین و جاه‌طلبانه‌ترین سناریوهای ممکن. زندگی ایرانی‌ها در چهارصد سال بعد و در مریخ. ویشکا در این سریال کم نظیر است.

۴ الناز شاکردوست در تی‌تی. فیلم در دهه قبل ساخته شده اما سال پیش فرصت اکران آنلاین به دست آورد. در نقش دختری عجیب و غیرمتعارف که خدماتی یک بیمارستان است و در ضمن رحمش را هم اجاره می‌دهد و به یک استاد بلندپایه فیزیک دل می‌بازد. یکی از کامل‌ترین نقش‌آفرینی‌های شاکردوست.

۵ لیلا حاتمی در تصور. بازیگر پنجاه ساله در نقش چند شخصیت متفاوت، شمایل‌های گوناگونی از دختران تهران امروز را عرضه می‌کند. مثل همیشه دقیق و تماشایی و جذاب.

۶ ترانه علیدوستی در تفریق. با آن‌که آثار اضافه وزن بر چهره ترانه مشخص است اما بی‌تردید این بهترین و کامل‌ترین بازی ترانه علیدوستی در کارنامه بازیگری‌اش بوده. این‌که بازیگری از نقش‌آفرینی‌های ناشیانه‌ای مثل دخترک کارگر فیلم چهارشنبه‌سوری به چنین کمالی در بازیگری نزدیک شود جای تحسین دارد.

۷ ژیلا شاهی در پوست شیر. او که با قصر شیرین توانایی‌های خود را بر پرده سینما نشان داده بود در پوست شیر هم یکی از دلایل ملموس بودن و صمیمی بودن این سریال در نزد مخاطب عام شد. او باید خودش را از قالب زن‌های دردمند حق به‌جانب خارج کند.

۸ پریناز ایزدیار در فیلم‌های ملاقات خصوصی و سه کام حبس و سریال جیران. بعد از تماشای ایزدیار در کارها و نقش‌های ممتازی مثل لتیان و سرخپوست، بازی او در ملاقات خصوصی کمی عادی به نظر می‌رسید با این حال ایزدیار از پس این نقش به‌خوبی برآمد. جیران اما همان ایزدیار پر آب و تاب همیشگی را به ملاقاتمان آورد.

۹ هدی زین‌العابدین. بالاخره یک نقش مهم و محوری در سریال رهایم کن به دست آورد و قدرت و توانایی‌های بازیگری خود را به همگان ثابت کرد.

۱۰ پردیس احمدیه. سیر صعودی پردیس احمدیه همچنان ادامه دارد و او هم مثل ژیلا شاهی بازی درخشانی در پوست شیر از خود به یادگار گذاشت. او در نوبت مینا هم بازی پخته‌ای را عرضه کرده بود.

و ادای احترام به بازی خوب ستاره پسیانی در جیران و بازی کمی بیش از حد تحسین شده رعنا آزادی‌ور در زخم‌کاری و البته یادی هم از خانم هدیه بازوند.

۱ امیر جدیدی در فیلم قهرمان. بازی شسته‌رفته و دقیق و پر از ریزه‌کاری جدیدی در یک درام کاملا فرهادی‌وار از نقاط قوت عرصه بازیگری در دو سه سال گذشته بوده است. بی‌شک بهترین بازی سینمایی این دهه.

۲ محسن تنابنده در فیلم قهرمان و سریال رهایم کن. قطب منفی فیلم قهرمان که می‌تواند شمایلی فوق‌العاده جذاب از یک مرد حق به‌جانب پرخاشگر بیافریند و در سریال رهایم کن؛ گریمور و فیلمنامه و کارگردانی سنگ تمام می‌گذارند تا تنابنده یک نقش‌آفرینی فوق‌العاده در اندازه‌های سینمای حادثه‌ای دهه شصت و هفتاد آمریکا را نمایش دهد.

۳ نوید محمدزاده در فیلم تفریق و سریال آکتور. بازی سخت او به‌خصوص در نقش شوهر بیتا نشان می‌دهد که این بازیگر ممتاز سینمای ایران فعلا قصد توقف ندارد و نوید محمدزاده در سریال آکتور. این سریال فرصت را مهیا کرد که با خیال راحت یکی از اعجوبه‌های بازیگری معاصر ایران را تماشا کنیم. او توانست در طول سریال به شکلی زیرپوستی شیمی میان خودش و هانیه توسلی و سپس با هستی مهدوی را به بهترین شکل ممکن به تماشاگر القا کند.

۴ هادی حجازی‌فر در فیلم آتابای. گویی حجازی‌فر همه جان و روان خود را برای این نقش مایه گذاشته است. مردی پخته و همه فن‌حریف که تا مرز یک عشق مردافکن پیش می‌رود و نیمه جان باز می‌گردد.

۵ علیرضا کمالی در سریال پوست شیر. از غافلگیری‌های عرصه بازیگری در دو سه سال گذشته بوده است. پوست شیر او را بسیار محبوب کرد و قیمت و دستمزد این بازیگر ۴۳ ساله را ناگهان چند برابر کرد.

۶ رضا عطاران در سریال دفترچه یادداشت. مرد هزارچهره و قیمتی سینمای کمدی ایران بعد از مدت‌ها درجا زدن، با این سریال توانایی‌های خود به عنوان یک بازیگر ممتاز در عرصه کمدی را دوباره به همگان ثابت کرده است.

۷ حسن معجونی در فیلم جاده خاکی و سریال‌های رهایم کن و دفترچه یادداشت. بازیگر تحصیلکرده سینما با کوله‌باری از تجربیات تئاتری در هر دو سریال و آن تک فیلم می‌تواند مغناطیس‌وار توجه تماشاگر را به سمت خود جلب کند. او قهرمان نقش‌های دوم است.

۸ جواد عزتی. بیش از حد لزوم خودش را در پرتره‌هایی که محمدحسین مهدویان خلق می‌کند محبوس کرده است. در دو فصل زخم کاری و فیلم مرد بازنده. با این حال هنوز هم درجه یک است و هنوز هم به سقف توانایی‌های خود نرسیده است.

۹ مجید یوسفی. از کشف‌های سروش صحت در سریال مگه تموم عمر چندتا بهاره. باهوش و با سرعت انتقال بالا و درک درست از ماهیت یک قطعه کمدی. او آینده بسیار روشنی دارد.

۱۰ هوتن شکیبا. مجموعه درخشش او در فیلم‌های تی‌تی و ابلق و ملاقات خصوصی و ایده‌آل و سریال رهایم کن. او بازیگر پرکاری است هرچند هنوز تماشاگران عام او را در نقش‌های کمدی بیشتر دوست دارند و این چیزی است که او باید با آن کنار بیاید.

و البته بازی خوب سام درخشانی در روزی روزگاری مریخ و بازی چشم‌نواز بهرام رادان در جیران.

روایت

بودجه‌های عجیب در جنگ هشت‌ساله

روایتی از جعفر شیرعلی‌نیا
برگرفته از کانال اختصاصی‌اش در تلگرام

ستاری‌فر، معاون سازمان برنامه و بودجه در کابینه دوم موسوی، درباره دولت و بودجه جنگ می‌گوید: «بخش جنگ از بخش غیرجنگ مطالبات جدی‌تر و همه‌جانبه‌تری داشت که بخش غیرجنگ نمی‌توانست آن‌ها را برآورده کند. برای اولین‌بار در کشور یک واگرایی در زمان جنگ صورت گرفت که بریم خدمت حضرت امام و تعدادی مجوز دریافت و بعد خرج کنیم، چندین‌بار این امر صورت گرفته بود، اما رویه نبود و بعدها شد قاعده که بودجه را رها کنید، خودمان می‌رویم از بالا می‌گیریم. در سال ۶۵ درواقع ۲۵ میلیارد تومان پول داغ به اقتصاد تزریق شد؛ پول چاپ کردند. امام فرمودند دولت و نخست‌وزیری تصمیم بگیرند. بخش جنگ، سازمان مدیریت را تحت فشار قرار دادند که می‌خواهند حمله با امواج نیروی انسانی کنند که نیاز به غذا و لباس و غیره دارند. قرار شد وقتی منابع را دریافت کردند عملکرد و هزینه‌شدن این منابع را گزارش دهند. اما نه‌تنها هیچ گزارشی داده نشد بلکه این میزان پول نیز بازگردانده نشد.» و ادامه می‌دهد: «در سال‌های بعد با بررسی‌هایی که صورت گرفت مشخص شد این مقدار پول در آن زمان باعث تورم شدید در کشور شد. نه‌تنها درمورد اهدافی که گفته بودند خرج نشد بلکه پادگان‌سازی صورت گرفته است. باید توجه داشت در زمان هر جنگی پادگان‌ها موردحمله قرار می‌گیرند و بعد از جنگ اگر در آن زمان ۱۰۰ تا پادگان داشته باشند به ۷۰ تا کاهش می‌یابد، اما در کشور ما بعد از جنگ ظرفیت پادگان‌ها چندین برابر شده بود.» (گزارش سایت رسمی موسسه دین و اقتصاد، سال ۹۴)

تورم سال ۶۴، حدود ۷ درصد است که در سال ۶۵ به حدود ۲۴ درصد می‌رسد. فرماندهان اغلب از تریبون‌های رسمی از دولتِ زمان جنگ درباره عدم توجه به جنگ انتقاد می‌کنند. از سوی دیگر مضمونِ جنگ با دست‌خالی نیز ترویج می‌شود. هرچند حجم حمایت‌ها و کمک‌ها از طرف مقابل و بازبودن دست عراق برای تهیه نیازهای جنگی‌اش قابل‌مقایسه با ایران نیست و ایران با محدودیت‌های بسیار سختی روبه‌رو بوده اما نمی‌توان گفت که کشور با دست خالی جنگیده است. موضوع دیگری که در این سال‌ها به آن زیاد اشاره شده این است که فرماندهان در مقابل درخواست آماده‌سازی نیرو برای اجرای طرح‌های عملیاتی‌شان با این جواب مواجه شده‌اند که ما بند پوتین این‌ها را هم نمی‌توانیم تامین کنیم. در یک موقعیت خاص درباره یک تقاضای خاصِ سپاه چنین جمله‌ای گفته شده اما جالب است که این جمله در روایت‌ها به نمادِ جنگ هشت‌ساله تبدیل می‌شود.

سردار رضایی در گفت‌وگویی که سال ۹۳ با او داشتیم درباره نامه مشهورش در پایان جنگ که آن را طرحی پنج‌ساله برای پیروزی در جنگ می‌دانست، معتقد بود هزینه‌های طرح و امکانات فراوانی که در آن درخواست شده نه تنها برای شکست صدام که برای بیرون کردن آمریکا از خلیج‌فارس هم بود و «نهایتا ۴ میلیارد دلار نمی‌شد.» (سطرهای ناخوانده، مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، ص۹۵) این جملات این‌گونه القا می‌کند که گویا در کشور اراده‌ای برای پرداخت کمتر از ۴ میلیارد دلار برای پیروزی در جنگ وجود نداشته! اما گزارشات جنگی این موضوع را تایید نمی‌کند، به‌عنوان نمونه ۲۰فروردین ۶۷، چند ماه قبل از پایان جنگ، رفیق‌دوست (وزیر سپاه) در جلسه با فرمانده سپاه می‌گوید در دو سه سال گذشته، از چین دو و نیم میلیارد دلار خرید کرده‌ایم: «یک و هشتصد ما خرید کرده‌ایم و بقیه ارتش.» این رقم سوای خرید از سایر کشورهاست. بخش‌های دیگر جلسه این روز هم نشان می‌دهد که دست فرماندهان چندان هم بسته نیست. در یکی از این جلسات، درباره خرید هواپیما از رومانی بحث می‌شود که هر کدام پنج‌ونیم میلیون دلار قیمت دارد. رضایی می‌پرسد: «این‌ها نفت هم از ما قبول می‌کنند؟» یعنی به جای پول، نفت بگیرند؟ احمدپور معاون وزیر سپاه: «بله همه نفتی هستند.» رضایی: «خوب الحمدالله، بخرید، ۱۰۰ تا بخرید ازشان.» یعنی ۵۵۰ میلیون دلار. در همین جلسه از نهایی‌شدن قراردادهایی با برزیل هم صحبت می‌شود. (جلد ۵۴ روزشمار جنگ، مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس سپاه، ص ۷۷۰ تا ۷۸۰)

این‌ها بخشی از هزینه‌های جنگ برای دولت است؛ ...

(این یادداشت سه سال پیش نوشته شده است و یکی از یادداشت‌های کتاب منتشر نشده نکته‌های تاریخی است.)

چگونه بارسا با ژاوی زانو زد؟

شهنام صفاجو | بارسلونا در ال کلاسیکوی فینال سوپرکاپ اسپانیا شکست سختی را مقابل حریف دیرینه تجربه کرد و رئال‌مادرید با مجموعه تیمی باثبات و ستاره‌های باانگیزه جهانی‌اش، رویاهای دوردست کاتالان‌ها را در صحرای عربستان دفن کرد. به‌راستی بارسلونا چگونه با اشتباهات ژاوی در اول پارک ریاض زانو زد؟

سیستم بازی: ژاوی این دیدار بزرگ را در همان جلسات آنالیز بازی باخته بود؛ زمانی که تصمیم گرفت ارنج واکنشی مقابل سیستم بازی رئال طرح‌ریزی کند. او با ترکیب ۲-۴-۴ قدم به این میدان گذاشت؛ با این استراتژی که در میانه زمین مقابل هافبک‌های حریف کم نیاورد. نفر ورودی او در گذر از ۳-۳-۴ سنتی، سرخی روبرتو بود که مشخصاً فاقد توانایی لازم برای ایجاد هارمونی نزد هافبک‌های بارسا بود و هیچ مزاحمتی برای بلینگام و والورده و کروس و شوامنی ایجاد نکرد. ضمن این‌که باعث سردرگمی ۳ هافبک اصلی بارسا (پدری-گوندوغان-دی‌یونگ) هم شده بود؛ نفراتی که البته سایه‌ای از خودشان بودند.

خط دفاع: ژاوی برای چندمین بار در زنجیره خط دفاعی خود دست بُرد و جای آرائوخو و کونده را عوض کرد تا جلوی سرعت وینیسیوس را بگیرد؛ یک فکر ساده که دیگر جواب نمی‌دهد و این بازی نشان داد تیم فنی و آنالیز بارسلونا چقدر از جریان بازی و تحولات رئال‌مادرید طی یک‌سال اخیر دور بوده است.

آفسایدگیری: از عجایب بازی بارسا در باخت بزرگ ال کلاسیکو، استفاده از تاکتیک آفسایدگیری برای کنترل بازیکنان سریع و زهردار حریف بود؛ برنامه‌ای که اصلاً در فلسفه بارسلونا نمی‌گنجد و در همان ۱۰ دقیقه اول هم به‌سختی مجازات شدند تا ۲-۰ عقب بیفتند. استفاده از این تاکتیک غلط حوالی خط میانی زمین آن‌هم مقابل بازیکنان سریعی چون وینیسیوس، رودریگو، والورده و بلینگام، یک خودزنی بزرگ بود.

آرائوخو: این دفاع میانی اروگوئه‌ای با اختلاف بدترین بازیکن میدان بود. او این‌بار مقابل شماره ۷ تکنیکی و سریع برزیلی که به‌تازگی از بند مصدومیت رها شده بود، یک بازنده مطلق بود؛ ۳ بار اساسی جا ماند، پنالتی داد و دقیقه ۷۰ اخراج شد تا همه‌چیز را برای پیروزی بزرگ سپیدها مهیا کند. بازی اجباری و ضعیف آرائوخو نشان داد یک دفاع راست تخصصی چقدر می‌تواند در نتیجه‌گیری یک تیم موثر باشد؛ چیزی که در آن‌سوی زمین شاهدش بودیم.

ژول کونده: او فصل جاری را ضعیف آغاز کرده و در فینال سوپرکاپ، اوج ضعف خود را نشان داد. کونده در نوسان اجباری دفاع میانی به دفاع راست بارسای ژاوی بدجوری گرفتار شده و همه ویژگی‌های خوب خود را از دست داده است. او روی ۴ گل حریف و گل‌های دیگری که رئالی‌ها می‌توانستند بزنند، کمتر از آرائوخو مقصر نبود.

روکه: بارسا روی «ویتور روکه» که با رقم گزاف ۶۰، ۷۰ میلیون یورویی از تیم گمنام پارانائنزه برزیل آمده خیلی مانور داده بود؛ اما این مهاجم جوان در دو بازی سوپرکاپ حتی ۱ دقیقه هم بازی نکرد تا ضعف گلزنی بارسلونا در باکس حریف ادامه‌دار باشد. به این ترتیب طرفداران آبی‌اناری‌ها باید صبر پیشه کنند تا روزی روکه تبدیل به مهاجم محبوب پست ۹ بارسا شود.

گاوی: درست یک‌سال پیش پابلو گاویرا ستاره فینال سوپرکاپ اسپانیا بود؛ جایی که بارسا ۱-۳ رئال مادرید را شکست داد و گاوی روی هر سه گل تیمش نقش داشت؛ اما غیبت او در بازی یکشنبه شب قابل جبران نبود تا ژاوی نشان دهد وابستگی زیادی به تک‌ستاره‌های تیمش دهد؛ چیزی که در اردوی رقیب کمتر شاهد آن هستیم و این اختلاف بزرگ بارسلونا با رئال‌مادرید است.

مارکز: اگرچه لاپورتا و دکو به‌صراحت از ژاوی دفاع کرده و تا پایان فصل تغییر سرمربی بارسا انتظار نمی‌رود؛ اما اگر این ناکامی‌ها ادامه‌دار باشد، راهکار کوتاه‌مدت مدیر فنی تیم، جایگزینی رافا مارکز مکزیکی از تیم دوم بارسلونا است؛ هرچند آنها میشل سرمربی جوان و موفق خیرونا را هم زیرنظر دارند.

نگریرا: هرقدر تیم مدیریتی و فنی بارسلونا پرونده نگریرا را به روی مبارک خود نیاورد، اما حواشی این رسوایی بزرگ کاتالان‌ها را تحت فشار گذاشته است. به‌نظر نمی‌رسد بارسلونا بتواند از عمق این فاجعه داوری به سلامت خارج شود و باید در انتظار تبعات دیگر این رسوایی بزرگ باقی بماند که شاید مهمترین آن کنار گذاشته شدن از لیگ قهرمانان اروپا باشد.

نگاهی به رئال: در رئال‌مادرید آنچه بیش از همه به‌چشم می‌آید، مدیریت درست و ثبات تیمی است. رئالی‌ها فصل جاری را با بحران مصدومیت طولانی بازیکنان اصلی خود آغاز کرده و هر هفته نفر جدیدی را در کلینیک باشگاه دیده‌اند، اما پرز و آنچلوتی زانو نزدند و با مدیریت درست بازیکنان ذخیره، تغییر سیستم آگاهانه به ۲-۲-۴ لوزی و استفاده از ستاره‌های جوان تیم دوم باشگاه، تا این لحظه به همه اهداف ورزشی خود رسیده‌اند. کسب سوپرجام اسپانیا هم انگیزه مضاعفی به آنان خواهد بخشید تا با قدرت بیشتر به راه خود ادامه دهند. آنها به تمام معنا، واژه پلن B را در فوتبال روز دنیا معنی کرده‌اند.

تمدیدها: موفقیت تیم کنونی رئال‌مادرید که تابستان گذشته به‌نظر می‌رسید نیاز به تغییراتی دارد، سران باشگاه را به این نتیجه قطعی رسانده که بهترین تصمیم ممکن، تمدید با بازیکنانی است که در سال آخر قرارداد خود هستند. تونی کروس سردسته این بازیکنان است که تمدید با او قطعی است. نفر بعدی هم ناچو کاپیتان اول تیم است. واسکز و خوسلو هم به احتمال زیاد قراردادشان به مدت یک‌سال تمدید می‌شود.

مودریچ: مورد مودریچ در تمدید قرارداد با رئال مبهم است. البته به نظر می‌رسد پرز تصمیم تمدید یک‌ساله را به خود او سپرده است تا هافبک کروات تا حوالی ۴۰ سالگی در رئال باقی بماند؛ اما در صورت جدایی مودریچ، رئال به جذب یک بازیساز زبده نیاز جدی دارد تا جای خالی ستاره شماره ۱۰ را پُر کند. به نظرم نیکولو بارلا نزدیک‌ترین بازیکن به سبک بازی لوکیتا است؛ اما خرید او از اینترمیلان به این سادگی‌ها نیست. مارسلو بروزوویچ هم شباهت‌هایی به مودریچ دارد، هرچند پست اصلی او بیشتر دفاعی است تا یک بازیساز میانه میدان.

امباپه: هر روز که می‌گذرد، نیاز رئال‌مادرید به امباپه کمتر و کمتر می‌شود. هرچند برنامه اصلی فلورنتینو پرز، افتتاح برنابئوی جدید و پروژه کهکشانی‌های ۲ با کیلیان امباپه است و در نهایت هم او را جذب خواهد کرد؛ اما از نظر تیمی ورود امباپه ترکیب رئال‌مادرید را به‌هم می‌زند و آنچلوتی مجبور می‌شود یکبار دیگر سیستم جدیدی را طراحی و به مرحله اجرا درآورد؛ سیستمی که در آن امباپه محور اصلی تیم و یار آزاد است و به این ترتیب شعاع بازی جود بلینگام و وینیسیوس جونیور کمتر می‌شود. قربانی اصلی هم رودریگو است که شاید بیشتر بازی‌ها را روی نیمکت بنشیند.

اوسیمن: سیستم ۳-۳-۴ رئال به مهاجمی مثل ویکتور اوسیمن نیاز دارد تا در کنار وینی و رودری، خط حمله بی‌نظیری را تشکیل بدهد. مهاجم نیجریه‌ای می‌تواند مثل بنزما مکمل خوبی برای برزیلی‌های رئال باشد و زمانی که نیاز به تغییر باشد هم اندریک ۱۸ ساله یا همین خوسلو، تعویض طلایی نیمه دوم بازی‌های رئال لقب خواهند گرفت. به نظرم اگر امکان خرید اوسیمن که لیبل قیمت ۱۳۰ میلیون یورویی خورده میسر نباشد، لائوتارو مارتینز آرژانتینی بهترین شماره ۹ برای سپیدهای مادریدی است.

خط دفاعی: رئال مادرید در خط دفاعی خود نیاز به بازنگری جدی‌تری دارد. مسئله اول جذب یک دفاع چپ زبده است که به نظر روی آلفونسو دیویس کانادایی به جمع‌بندی نهایی رسیدند. مورد دوم دفاع راست است که کارواخال زیاد مصدوم می‌شود و لوکاس آن صلابت لازم را ندارد. شخصاً معتقدم پدرو پورو از تاتنهام بهترین گزینه ممکن است. البته حواسم به اشرف هست، اما فعلاً از PSG نمی‌توان بازیکنی گرفت! در دفاع میانی هم ضرورت خرید یک مدافع جوان سرزن حس می‌شود. استخدام آنتونیو سیلوا از بنفیکا بهترین تصمیم است و در مرحله بعد می‌توان به بازگشت رافا مارین از آلاوز یا ماریو خیلا از لاتزیو امید داشت.

بدون حرف!: در استمرار مقاله هفته گذشته و تایید همه آن نوشته‌ها، برنده The Best فیفا هم اعلام شد که به‌زعم جهان فوتبال نتیجه نهایی واقعاً شرم‌آور بود. درباره آرای اول مودریچ و والورده به عنوان کاپیتان‌های کروواسی و اروگوئه هم هیچ حرفی ندارم!

باشگاه فیلم

به بازسازی نبردها دلخوشیم

درباره فیلم ناپلئون ساخته جدید و پرهزینه ریدلی اسکات

چیزی از شخصیت ناپلئون می‌فهمیم؟ نه آنچنان. از علت کشورگشایی‌اش چیزی متوجه می‌شویم؟ نه خیلی. پیچیدگی رابطه او با ژوزفین مشخص است؟ نه راستش. فیلم شخصیت‌های جذاب و متنوع دارد؟ نه چندان. از مناسبات سیاسی و اجتماعی دوره پس از انقلاب فرانسه سرنخ‌هایی به‌دستمان می‌آید؟ چه توقعاتی دارید!

ناپلئون می‌تواند شما را در ناامیدی غوطه‌ور کند. چیزی در ردیف مستند داستانی‌های چنل هیستوری که بین لشکرکشی‌های ناپلئون و تلاش مستمرش برای باردار کردن ژوزفین زیبا در رفت‌وآمد است.

مگر این‌که مثل من از گرافیک باشکوه صحنه نبرد واترلو که نیم‌ساعت از زمان فیلم را به خود اختصاص داده سرخوش بشوید و راضی و این‌که اگر اسکات خدای نکرده از دنیا برود هیچکس، مطلقا هیچکس توانایی ساخت چنین تصاویر خارق‌العاده و پرجزئیاتی از یک نبرد کلاسیک قرن نوزدهمی را ندارد. مطلقا. خدا را شکر اسکات هست.

Napoleon.2023 – ۱۵/۵ از ۱۰

جزئیات فیلم:

در ۱۴ اکتبر ۲۰۲۰، ریدلی اسکات همان روزی که فیلمبرداری فیلمش آخرین دوئل به پایان رسید، نام کیت‌بگ را به‌عنوان پروژه بعدی خود برای استودیوی قرن بیستم معرفی کرد و کارگردانی و تهیه‌کنندگی آن را بر اساس فیلمنامه‌ای از دیوید اسکارپا، همکار اسکات در تمام پول‌های جهان برعهده خواهد داشت. واکین فینیکس در نقش رهبر نظامی و سیاسی فرانسه ناپلئون بناپارت به پروژه پیوست و پس از گلادیاتور (۲۰۰۰) او دوباره با این کارگردان همکاری کرد. با این حال، زمانی که قرارداد اسکات با استودیو قرن بیستم تا پایان سال منعقد شد، این پروژه در دسترس دیگر استودیوهای بزرگ قرار گرفت. در ژانویه ۲۰۲۱، استودیو اپل تی وی تعهد خود را برای تأمین مخارج مالی و تولید فیلم اعلام کرد و گفت فیلمبرداری آن نیز در سال ۲۰۲۲ در بریتانیا شروع خواهد شد. اسکات در بیانیه‌ای گفت: «ناپلئون مردی است که من همیشه مجذوب او بوده‌ام، او از ناکجاآباد آمد تا بر همه چیز حکومت کند. اما در تمام مدتی که با همسر زناکارش ژوزفین جنگی عاشقانه داشت، او دنیا را تسخیر کرد تا عشق او را به دست آورد و چون نتوانست، آن را فتح کرد تا او را از بین ببرد و در این راه خود را نابود کرد.»

جودی کومر بازیگر فیلم آخرین دوئل اولین انتخاب اسکات برای ایفای نقش امپراطور ژوزفین بود. او برای بازی در مارس ۲۰۲۱ وارد مذاکره شد و انتخاب در این نقش را در سپتامبر تأیید کرد و گفت: «من فقط از فرصتی برای کار دوباره با ریدلی و تیمش و ایده کار با واکین، کسی که به شدت او را تحسین می‌کنم، استفاده کردم... من بسیار هیجان‌زده هستم که آن دنیا را موشکافی کنم.» در نوامبر، او گفت که نقش او «یک چالش بزرگ دیگر خواهد بود، اما چیزی که من در مورد درام‌های دورانی دوست دارم این نوع دگرگونی است. حتی در حال حاضر، انجام برخی تست‌های لباس و مو برای کیت‌بگ، بسیار هیجان‌انگیز است، زیرا بیرون رفتن از خود و وارد شدن به شخص دیگری بسیار آسان‌تر می‌شود.» در ۴ ژانویه ۲۰۲۲، کامر به دلیل تغییرات زمان‌بندی ناشی از همه‌گیری کووید-۱۹، جدایی خود از فیلم را اعلام کرد. در همان روز ونسا کربی به عنوان جانشین وی معرفی شد. در ۱۸ ژانویه ۲۰۲۲، تهیه‌کننده کوین جی. والش گفت که نام فیلم به ناپلئون تغییر پیدا کرده‌است. در فوریه طاهر رحیم به جمع بازیگران اضافه شد.

● **بهترین فیلم‌های اسکات**: بیگانه (۱۹۷۹)، بلید رانر (۱۹۸۲)، تلما و لوییز (۱۹۹۱)، گلادیاتور (۲۰۰۰)، سقوط شاهین سیاه (۲۰۰۳)، آخرین دوئل (۲۰۲۲)

● **گزیده نقدها:**

بری هرتز از گلوب و میل | ۹۳ از ۱۰۰

برای ناپلئون، اسکات آخرین تکه‌های کوچک وجود خود به عنوان نمایشنامه‌نویس، استراتژیست صحنه و حتی یک کمدین را به عرصه ظهور می‌رساند تا شاهکار اواخر دوران حرفه‌ای خود را ارائه دهد.

راس بونیم از کلایدر | ۸۳ از ۱۰۰

ناپلئون یک فیلم بزرگ است، هم از نظر فیلمنامه‌ای که اسکات توانسته داستانی با چنین ابعادی خلق کند که کمتر از او دیده‌ایم و هم از نظر انتخاب‌های جسورانه و بازی درخشان واکین فینیکس به عنوان نقش اصلی.

جوردن فرلی از توتال فیلم | ۸۰ از ۱۰۰

ناپلئون از نظر وسعت حماسی، در اجرا صمیمی، از منظر روایی هیجان‌انگیز و به‌طور شگفت‌آوری خنده‌دار است؛ حکایت از ظهور تا سقوط امپراطور بدنام فرانسه.

برایان لوری از سی‌ان‌ان | ۶۵ از ۱۰۰

این فیلم اگرچه از نظر فنی عالی است، اثری که احساس می‌کنید در چندین نبرد پیروز شده [منظور روایت چند خرده‌پیرنگ است]، اما -به‌خاطر تعدد روایت- نمی‌تواند در جنگ نهایی به موفقیت برسد.

پیتر دبروژ از ورایتی | ۵۰ از ۱۰۰

به نظر می‌رسد ناپلئون با تراکم زیاد و بدون عجله، بدون اینکه واقعاً -داستانش- عمق پیدا کرده باشد، مصمم است که در طول مدت زمان نه چندان کوتاه خود [فیلم ۱۵۷ دقیقه است]، موضوعات و اتفاقات زیادی را پوشش دهد.

فران هوپفنر از فیلم استیج | ۴۲ از ۱۰۰

ناپلئون یک فیلم کاملا بی‌حاصل نیست، نقاط قوت آن در سکانس‌های نبرد طولانی و ترسناک به چشم می‌خورد. اینجا می‌توانید هیجان اسکات از نمایش این نبرد را احساس کنید؛ ناپلئون بسیار مشتاق است که استراتژی نظامی را توضیح دهد یا یک توپ را در بدن یک سرباز منفجر کند!

پیام‌های برگزیده خوانندگان / پنجشنبه‌ها / پیامک ۰۹۲۰۲۰۰۱۷۰۷

۹۳۲۸۲۴ :براهم جان، دل نگران مرحمتی‌هات شدم. آخه توی مقاله ستون شنبه بازم ردی از مشارلبه نبود. به گوئی لیمو جهیم با کنت کریستال تقدیم به روی ماهش.

۹۳۱۳۳۹ :آخه نه که یه روزهایی، داروی خواب‌آور می‌دم می‌خوابونمت، بعد چاپ مطلب، مدتی به خودش می‌دم بیدار می‌شه!

۹۳۱۳۳۳ :هر روز حداقل دوسه خبر در مورد اتواع جرم اتباع خارجی که اکثرا غیرمجازن منتشر می‌شه. آقایان مسئول که مصلحت نمی‌دونن کاری بکنن، شما حداقل بنویسید و بخوابن مانع ورود غیرمجاز اتباع بشن.

من خودم اتباع غیرمجازم دانش!

۹۰۷۶۴ :چرا به خودروهای خارجی که سال‌ها وارداتش ممنوع بود و تعرفه عـوارض ۱۲۰ درصد انواع مالیات پلاک گذاری، گمرک و هزینه نوسازی به این خودروهای وارداتی می‌بندند که رئیس اداره مالیات با دست‌کم گرفتن شعـور فهم و دانایی مردم، میاد از مالیات بسـتن و پیش‌بینی اخذ مالیات ۲۰۰ میلیارد تومانی از خودروهای لوکس شده فقط در ایران سخن به میان می‌آورد؟ اجازه بدهید مردم بی‌واسطه نقدشان را به دولت بگن تا شاید متوقف کند این رویه بدعت‌وار را.

مـردم بی‌واسطه بگـن؟ امـا ایـن محرمعلی خان ما اونوع از کجاتون دربیار و فلسفه وجودی‌اش چیه اصلا بس؟

۹۱۱۸۴۶ :شکی نیسـت هیچ کس خلاقکار از مادر، زاده نمی‌شود اما اگر زمینه ایجاد خلاق و پرهنری رفع یا لااقل به حداقل برسد، این همه شاهد خلاق و جنایت در جامعه نخواهیم بود و این بسـتگی به این اولیا دارد که احساس مسئولیت کنند که متاسفانه در جامعه ما اینگونه نیسـت. یه امید آن روز. (جمالی لاهیجان)

منظور از اولیا، پدر و مادرامون که نیس؟ آخه نه که تو مدرسه همه‌اش اولیاومونو می‌خواستن؟ فکر کردم نکنه اینم تقصیر اولیا باشه!

۹۰۱۶۳۶ :بلشویی که یک عده دارند در موضوع خودرو ام‌یی‌اند‌زند عاقبت خوبی ندارد. بذارید بازار خودرو و اعصاب و روان مردم به سمت آرامش بره. مشخص کنید خودرو در حیطه مسئولیت وزارت صنعت اقای علی‌آبادی است یا در حیطه اقای خاندوزی؟! اقای فاطمی‌امین استیضاح شد ولی تصمیم گیر اصلی در خودرو نبود که باید می‌بایست می‌بود. دوباره وزیر جدید صنعت به مجلس فراخوانده شده تکه به تکه به بازهم تصمیم‌گیر وزارت صنعت نبود، وزارت اقتصاد عملا بسـت این فضایی خودرو و گرانی خودرو است. آقای رئیسـی باید موضوع خودرو -اعم از تعرفه حقوق گمرکی بر خودرو- را از دست وزارت اقتصاد خارج کند و به وزارت صنعت محول کند.

باشه چشـم. خودم قرار داد تو هیات دولت مطرح می‌کنم!

۹۳۹۱۱۷ :در روزنامه شـما به بعضـی از چهره‌ها به شکل آشکار و بی‌پرده توهین می‌کنید. امیدوارم دیگر در روزنامه شما اتفاق نیفتد. (حسن از اردبیل)

«برادرحسن» و بنویسم؟ (تا حالا شده از خونه مادری، نفرت داشته باشی؟ تازه شدی عین خودم)

۹۳۷۵۰۸ :چطور جناب خوشـنود در قصه ۱۲۷ خود نوشتند نیم‌قرن پیش فیلم پنه‌لوپه کروژ اکران می‌شده؟ باس می‌نوشـت یه فرن!(می‌خواست بنویسد فیلم پنه لوپه با بازی ناتالی‌وود پدکفعه شد فیلم پنه لوپه کروز!)

۹۱۸۱۳۳ :طرفدارهای سـرزمین مادری ۱، عکس از موتورسیکلتی که سـال ۱۳۴۱ مثلا سوار می‌شدن رو نشان بدین.

مشکلت موتورسیکلته یا مدت یا سوار؟!

۹۲۴۵۰۹ :آقای افشار، تیتر روزنامه دنیای اقتصاد در مورد حمله آمریکا و انگلیس به یمن رو خوندم حالم از هرچی روزنامه و خبرنگار به هم خورد. آخه یمن بعد از چند سال جنگ با ائتلاف عربستان و آمریکا، نسخه‌ای پیچیده نشد حالا با به حمله موشکی، نسخه‌ای پیچیده شـد. این همکارات تو روزنامه‌های طرفدار غرب یعنی در کـدوش از شـرایط منطقه و جهان به‌خصوص غرب آسیا در همین حد خبلی حقیر و بی‌تشخیص دارن. اینا چقدر بی‌وجدون. امیدوارم تو یکی اینطور نباشی.

بروجن اشتباهی می‌گیرم نبندیدقتی. حالا بفرما

۹۱۲۸۰۴ :اسـتاد افشار، وایسـین روز نخسـتین ماه آخرین فصل سـال، رادرز دایی عزیـز من آقای دکتر قدیمی است. لطفا پیام تبریک مرا در سـتون خوانندگان درج نمایید. (کوروش فتاحی، تهران)

اول به دکتر قدیمی بگو به نسـخه واسه تیش قلب صابم‌دام و انسداد سیاسی‌اش بنویسه، بعدا

۹۱۰۲۳۵ :روزنامه‌های هفت‌صبح هفته گذشته رامرور می‌کردم و دیدم روزنامه روز مادر، هیچ مطلبی درباره‌اش نداشت. تعجب کردم.

شعام که واسه همه یجی تعجب می‌کنین!

۹۳۶۱۵۸ :امیدوارم روند نگارش سـتون سـرمقاله پنجشنبه‌ها با نوسنده جدید تداوم‌دار باشد.

امیدواری بر جوانان عیب نیس اتفاقا

۹۰۱۹۵۰۶ :آقا ببرام من توی میوه‌فروشی سر خواجه، کار می‌کنم. لیموی اعلا خارشتری درخدمتم.

ولم کن بابا! الان دولا پهنا حساب می‌کنی، زنم دعوام می‌کنه! اتفاقا من هرروز از اونجا خرید می‌کنم، ولی یه بار نمی‌گی تو هممون سینه‌کفتری بدیخ هستی؟ بیا این خودتو بادمجون لهیده‌هارو هم ببر واسه کفترای لاخوت و لاخوتت. حالا حاتم شدی واسـه ما؟! (الا بسه راسی که این براهم ها آخرش گمنام می‌میرها! حتی تو محل خودشون هم یه نفر اونومی‌شناسه! بگو یه نفر!)

۹۰۴۲۴۷ :اسـتاد افشـار، از دلیل اژرجاتون از کوی شاهجرانی پرده بگشایین، دستکم سرسـته.

مدینه گفتی و دادی عذابـم. اما به روز باس داسـتان اخراجمـون از کیهان و داسـتان مون با «برادرحسن» رو بنویسم؟ (تا حالا شده از خونه مادری، نفرت داشته باشی؟ تازه شدی عین خودم)

۹۳۷۵۰۸ :چطور جناب خوشـنود در قصه ۱۲۷ خود نوشتند نیم‌قرن پیش فیلم پنه‌لوپه کروژ اکران می‌شده؟ باس می‌نوشـت یه فرن!(می‌خواست بنویسد فیلم پنه لوپه با بازی ناتالی‌وود پدکفعه شد فیلم پنه لوپه کروز!)

۹۱۸۱۳۳ :طرفدارهای سـرزمین مادری ۱، عکس از موتورسیکلتی که سـال ۱۳۴۱ مثلا سوار می‌شدن رو نشان بدین.

مشکلت موتورسیکلته یا مدت یا سوار؟!

۹۲۴۵۰۹ :آقای افشار، تیتر روزنامه دنیای اقتصاد در مورد حمله آمریکا و انگلیس به یمن رو خوندم حالم از هرچی روزنامه و خبرنگار به هم خورد. آخه یمن بعد از چند سال جنگ با ائتلاف عربستان و آمریکا، نسخه‌ای پیچیده نشد حالا با به حمله موشکی، نسخه‌ای پیچیده شـد. این همکارات تو روزنامه‌های طرفدار غرب یعنی در کـدوش از شـرایط منطقه و جهان به‌خصوص غرب آسیا در همین حد خبلی حقیر و بی‌تشخیص دارن. اینا چقدر بی‌وجدون. امیدوارم تو یکی اینطور نباشی.

بروجن اشتباهی می‌گیرم نبندیدقتی. حالا بفرما

۹۱۲۸۰۴ :اسـتاد افشـار، وایسـین روز نخسـتین ماه آخرین فصل سـال، رادرز دایی عزیـز من آقای دکتر قدیمی است. لطفا پیام تبریک مرا در سـتون خوانندگان درج نمایید. (کوروش فتاحی، تهران)

اول به دکتر قدیمی بگو به نسـخه واسه تیش قلب صابم‌دام و انسداد سیاسی‌اش بنویسه، بعدا

۹۱۰۲۳۵ :روزنامه‌های هفت‌صبح هفته گذشته رامرور می‌کردم و دیدم روزنامه روز مادر، هیچ مطلبی درباره‌اش نداشت. تعجب کردم.

شعام که واسه همه یجی تعجب می‌کنین!

۹۳۶۱۵۸ :امیدوارم روند نگارش سـتون سـرمقاله پنجشنبه‌ها با نوسنده جدید تداوم‌دار باشد.

امیدواری بر جوانان عیب نیس اتفاقا

۹۳۰۴۶۹ :مردم ایسـران دارن بالاترین مالیات را در جهان در شرایط تحریم می‌دهند. از مالیات تورمی ۴۵درصد تا حقوق عوارض گمرکی ۱۲۰درصد بر کالاهای وارداتی مانند خودرو، در جهان تورم ۳درصد و مجموع عوارض تعرفه بر واردات خودرو ۴درصد است. در عراق مجموع عوارض تعرفه بر مالیات حقوق گمرکی بر خودرو، ۵درصد است، مانند لبنان و فلسطین.

الان بالاخره بگو من ماشین خارجی سوار شم یا نه؟!

۹۳۳۳۸۰ :تو از کدوم قصه‌ای که خواسـتنت عادته، نبودت فاجعه، بودت امنیته.

من؟! اتفاقا خواستم فاجعه، نبودنم امنیته و بودنم از روی عادته!

هیچ جا شونه خود آدم نمیشه

هر نوشته‌ای نویسنده‌ای دارد. هر نویسنده‌ای حق دارد اسمش را پای مطلبش ببیند. نوشته‌هایی که در این صفحه می‌خوانید، توئیتهای کپی پیست شده‌ای است که در شبکه‌های اجتماعی دست به دست چرخیده و صاحبش را گم کرده. اگر «شما» نویسنده این آثار هستید، لطفاً عصبانی نشوید. لبخند بزنید و به خواننده‌هایی فکر کنید که با خواندن نوشته‌هایتان لبخند می‌زنند و در دل تحسینتان می‌کنند.

تنها خواهشـی که دارم ازتون اینه که به محض اینکه حس کردید تنوع داغه بچسبونید.

وقتی به نفر برانین هدیه می‌گیره یا بابت چیزی بهتون تبریک میگه، شعور داشته باشید ذوق نشون بدید و تشکر کنید.

این مسئله هیچ ربطی به درونگرا بودن یا برونگرا بودن نداره؛ یه وقتایی نصف شبا به ماشـینایی یا به آهنگ خوبی سکوت کوچه‌رو می‌شکنن گاز میدن میرن که می‌خوام یا‌هرچه بدونم وسـط کوچه داد بزنم وایسین منم ببرین منم میام.

اینکه دوسـتام دائم‌زنم می‌پرسن چه؟ اذیتم می‌کنه. بابا بیذیرین که عوض شدم و این آدم همیشه غمگین خودمم.

هیچ کس انتقادبذیر نیسـت. فقط بعضی‌ها‌یهترادای آن را در می‌آورند و کمتر واکنش نشان می‌دهند.

بیاید قبول کنیم همه‌تون به روز این جمله‌رو شنیدین «آ‌ه! دردسـاتم مثل آهنگا حفظ می‌کردی، الان یه چیزی شده بودی.

رابطه‌م و با آدما قطع می‌کنم ولی به خودشـون اطلاع نمی‌دم که رابطه‌م‌باهاشون قطع کردم و یک تا دو ماه کاری طول می‌کشه بفهمن چه اتفاقی براشون افتاده.

آدما شـبیه خراشـیون ولی اون حرفایی که معمولاً نمی‌زنن:

دیدین وقتی به خارجی فارسـی‌رو غلط غلوط حرف می‌زنه چقدر بانمک میشه؟ اینکارا که ما هم وقتی انگلیسی حرف می‌زنیم به چشم‌اونا همینطوری باشیم.

تخمم‌غاوقتی از مهمونی برمی‌گردن می‌گن: هیچ جا شونه خودم نمیشه.

جدی... بچه بودیم چه‌جوری انقدر راحت دوست پیدا می‌کردیم؟ الان کم مونده دیگه آگهی بزنم.

استرس اینجوریه که می‌تونی اتفاقی نمی‌افته ولی حس می‌کنی که می‌افته.

ماتـو خونه‌مون اصلا به الارم گوشـی اعتقاد نداریم، مامانم کـه از کابینت‌رو محکم کوبیـد به‌هم می‌فهمیم صبح شده.

دیگه هرکی که تا دیروز اوج داشتش را علم اقتصاد این بود که همه تخم‌مرغاتو نه‌تو سبد ندار الان راهکار کسب درآمد دلاری‌رو برات تو کیشن نوشته.

چرا توصف تونواییهاتیکه بچه‌ایستید؟ بازم همون همه شمشیرابی‌بینی.

چیزی که در مورد خصوصـیات متولدین ماه‌های سال که همیشـه تو تن می‌بینم و عجیبه اینه که هیچ کدوم‌شون خصوصیت خیلی منفیای براشون در نظر نگرفتن. پس این همـه عوضی تو کدوم مـاه به دنیا اومدن؟

بارو‌امده‌فاز غمگین گرفته نوشته: «فندک یادگاری دوستم‌مراسبگاری کرد...»؛ سوال من اینه: حالا اگه کتاب فیزیک‌بهت‌داده‌بود‌فیزیکدون‌می‌شدی؟

می‌دونی از چی می‌سـوزم؟ از غریبه تبدیل شدی به دوست، از دوست تبدیل شـدی به عشق و از عشق دوباره تبدیل شدی به غریبه.

من آدم‌فقیری‌ام. بنابراین وقتی میگم اگه چیزی لازم داشتی‌بهم‌بگو‌منظورم‌چیزهاییه که به پول نیاز نداره.مثل عشق و حرفای روحیه‌بخش و انرژی‌مثبت.

از‌قدیم گفتن مرد گریه نمی‌کنه. چرا گفتن. مرد‌فقط آدرس نمی‌پرسه.

تورو خدا این کارت‌وپزیتو‌اتوبخورنخاصت‌شو کمتر کنید بره‌لای‌دندون.

آخرش همه از آبدوگی می‌میریم‌فقط به سری معلم و دانش‌آموز ابتدایی باقی می‌مونن.

دبیرسـتان که بودیم، یک هم‌کلاسی داشتم که وضع مالی‌خوبی نداشتن. همیشه می‌گفت خوبی یولدار نبودن اینه که اگه کسی عاشقت‌بشـه، مطمئنی که‌فقط برای عاشقت نشده که‌اون‌اشتباهش‌به‌کارش‌بیاد.

توخیابون با یکی دعوا‌شد به دسـتش تو کج بود،اومدم ادای آقا‌تخلیری رو در بیارم و با به دسـت باهاش دعوا کردم و به‌دسـتمو اصلا اسـتفاده نمی‌کردم، با اون دسـتی که تو کج بود یه‌دونه کوبید تو سـرم الان سه روزه دنبال آدرس خونه‌همون می‌گردم.

واقعادنیا‌مال‌برونگراهاست، سه‌هزار و پونصد تا‌دمو تو زندگیشون، راه‌میدن بالاخره یکیش خوب درمیاد.

ویدئوتوکال موقع آشـپزی خیلی حال میده، احساس می‌کنی سامان‌گلبرزی.

گفت، ما به غلطی کردیم شماهاول کنید.

ولی من به‌خاطر کسی که دوستش دارم حتی سیگارم ترک می‌کنم چه‌برسه به اخلاقای بدم.

وقتی به نفر‌برانین هدیه می‌گیره یا‌بابت چیزی‌بهتون تبریک میگه، شعور داشته باشید ذوق‌نشون بدید و تشکر کنید.

این مسئله هیچ ربطی به درونگرا‌بودن یا‌برونگرا‌بودن نداره؛ یه‌وقتایی نصف شبا به ماشـینایی یا به آهنگ خوبی سکوت کوچه‌رو می‌شـکنن گاز میدن میرن که‌می‌خوام یا‌هرچه‌بدونم‌وسـط کوچه‌داد بزنم‌وایسین منم‌ببرین منم‌میام.

اینکه دوسـتام‌دائم‌زنم‌می‌پرسن چه؟ اذیتم‌می‌کنه.بابا بپذیرین که‌عوض‌شدم‌و‌این آدم‌همیشه غمگین خودمم.

هیچ کس انتقادپذیر نیسـت. فقط بعضی‌ها‌پتر‌ادای آن را در‌می‌آورند‌و‌کمتر‌واکنش‌نشان‌می‌دهند.

بیاید‌قبول‌کنیم‌همه‌تون‌به‌روز‌این‌جمله‌رو‌شنیدین «آ‌ه! دردسـاتم‌مثل‌آهنگا‌حفظ‌می‌کردی،الان‌یه‌چیزی‌شده‌بودی.

رابطه‌م‌و‌با‌آدما‌قطع‌می‌کنم‌ولی‌به‌خودشـون‌اطلاع نمی‌دم‌که‌رابطه‌م‌باهاشون‌قطع‌کردم‌و‌یک‌تا‌دو‌ماه‌کاری طول‌می‌کشه‌بفهمن‌چه‌اتفاقی‌براشون‌افتاده.

آدما‌شـبیه‌خراشـیون‌ولی‌اون‌حرفایی‌که‌معمولاً نمی‌زنن:

دیدین‌وقتی‌به‌خارجی‌فارسـی‌رو‌غلط‌غلوط‌حرف می‌زنه‌چقدر‌بانمک‌میشه؟‌اینکارا‌که‌ما‌هم‌وقتی‌انگلیسی حرف‌می‌زنیم‌به‌چشم‌اونا‌همینطوری‌باشیم.

تخمم‌غاوقتی‌از‌مهمونی‌برمی‌گردن‌می‌گن:‌هیچ‌جا شونه‌خودم‌نمیشه.

جدی... بچه‌بودیم‌چه‌جوری‌انقدر‌راحت‌دوست‌پیدا می‌کردیم؟‌الان‌کم‌مونده‌دیگه‌آگهی‌بزنم.

استرس‌اینجوریه‌که‌می‌تونی‌اتفاقی‌نمی‌افته‌ولی‌حس می‌کنی‌که‌می‌افته.

ماتـو‌خونه‌مون‌اصلا‌به‌الارم‌گوشـی‌اعتقاد‌نداریم، مامانم‌کـه‌از‌کابینت‌رو‌محکم‌کوبیـد‌به‌هم‌می‌فهمیم صبح‌شده.

دیگه‌هرکی‌که‌تا‌دیروز‌اوج‌داشتش‌را‌علم‌اقتصاد‌این بود‌که‌همه‌تخم‌مرغاتو‌نه‌تو‌سبد‌ندار‌الان‌راهکار‌کسب

قاب

مرتضی کلیلی

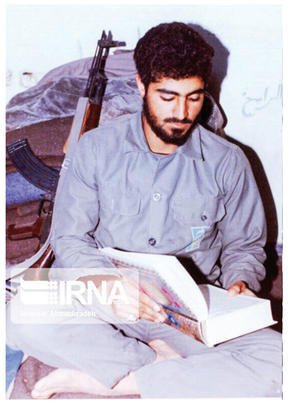

قاب مشاهیر ۱

روزی که یک پرستار، حاج قاسم را دزدید

احمد کاظمی در خاطراتش از شهید سردار سلیمانی چنین نقل می‌کند: قاسم در جنگ فرمانده گردان بود و از ناحیه شکم مورد اصابت ترکش قرار گرفت. برای درمان او و با به مشورت اهالی محل، چون شکمش ترکش خورده بود، از زیر قفسه سینه تا پایین را باز کرده بودند و وضع بدی داشت. ۲۵ یا ۲۶ روز کسی نمی‌دانست قاسم زنده است یا شهید شده. سرانجام شهید موحدی کرمانی، پسر آقای موحدی کرمانی، قاسم را در طبقه سوم یک بیمارستان در مشهد پیدا کرد. پزشک حاج قاسم از منافقان بود و می‌خواست او را بکشد؛ به همین دلیل شکم قاسم را بخیه نزده بود و او دچار عفونت شده بود. یک پرستار بانوی کرمانی به خاطر حس ناسیونالیستی‌اش قاسم را شب‌نزدیده بود. جایی را با دو مریض از طبقه‌ای دیگر عوض کرد و به دکتر گفته بود قاسم را از اینجا برنده. قاسم یک دوره دیگر از ناحیه دست مجروح شد تا می‌گفتیم برو بیمارستان در می‌رفت، فضای ما در جنگ نفسی صحبت می‌کنم که جنگ ما را خودمون آورد و این ملت را آبدیده کرد.(ایرنا)

قاب مشاهیر ۲

داستان سلما، منشی انجمن مطالعات ایرانی در فرانسه؛ سلما کوپومجیان باستان‌شناس ارمنی‌تبار اهل بلغارستان بود که از سال ۱۳۱۴ ساکن ایران شد. او رئیس کتابخانه موزه ملی ایران بود و همرمان ماموریت‌های مهم باستان‌شناسی را در ایران انجام می‌داد. روزی کارمار سفارت، دعوتنامه جشن ایران را برای سلما داد. سلما چون سخنران را نمی‌شناخت، قصد شرکت در این مراسم را نداشت. این داستان می‌توانست در همین جا به پایان برسد اما سرنوشت باعث شد سلما به مراسم برود. او مجذوب سخنران و طراحی که از مشروق‌زمین می‌رزید شده بود. این عشق یکطرفه نبود. محسن مقدم، فرزند مخترع‌الدین‌خان احتساب‌الملک، در اواخر دوران قاجار در سال ۱۲۷۹ در تهران زاده شد. او از بنیانگذاران پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران بود. دوستی سلما و محسن با عشق مشترک به ایران، به عشق بین دو انسان تبدیل شد. به دنبال مخالفت والدین سلما با ازدواج، وی با اصلیی مریض به درد سیاتیک شدیدی مبتلا شد که به درمان نیاز داشت.پس از آن خانواده رضایت خود را اعلام کردند. محسن پس از ازدواج با سلما برای خدمت به مملکت خود بازگشت و هر دو به استخدام وزارت فرهنگ درآمدند. سلما اولین زن در ایران بود که به سمت بازرس فنی اداره باستان‌شناسی رسید. محسن نیز از اولین استادان دانشگاهی رشته باستان‌شناسی در ایران بشمار می‌آید. سلما و محسن صاحب فرزندان صاحب فرزند نشدند؛ آنها اشیای تاریخی موجود در خاندان را فرزندان خود می‌پنداشتند که باید برای نسل‌های بعد نگهداری می‌شدند. تمامی فرزندان ایران اب و خاک وارث یک عمر زندگی عاشقانه سلما و محسن به فرهنگ و هنر ایران شدند.موزه خانه مقدم، عمارتی قاجاری است که منزل خاندان احتساب‌الملک رئیس احتسابیه (شهرداری) تهران و وزیر مختار سوئیس بوده که بعدها در اختیار فرزندش، محسن مقدم قرار گرفت. محسن مقدم اولین استاد ایرانی است که به دریافت نشان لژیون دو نور فرانسه مفتخر شد. او در سال ۱۳۵۱ خانه پدری خود را وقف دانشجویان دانشگاه تهران برای آموزش و پژوهش کرد. مقدم از بنیانگذاران دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران و استاد ممتاز این دانشگاه بود. سلما بیشتر از هر ایرانی عاشق تاریخ و هنر این مملکت بود و زمانی که محسن مقدم یک کاشی ایرانی را به یک همکار آمریکایی هدیه داد، بسیار عصبانی شد و خواستار عودت این کاشی باستانی شد.مطالعات سلما در مورد ساسانیان بود و مطالعات محسن در زمینه باستان‌شناسی ایران.(asheet_of_history)

قاب مشاهیر ۴

تصویری از کمال تبریزی، کارگردان سینما با پرچم یک گروه مسلح فلسطینی؛ سازمان فتح، سازمان مبارز فلسطینی به رهبری یاسر عرفات بود که پس از انقلاب ارتباط گسترده‌ای با انقلابیون داشت. از جمله ارتباط با دانشجویان پیرو خط امام در سفارت آمریکا که در این تصویر پرچم سازمان فتح با عکس یاسر عرفات را در دست دانشجویان می‌بینیم. حاضران در عکس آقایان کمال تبریزی، محمد نعیمی‌پور و شیخ‌الاسلام هستند. کمال تبریزی بعدها به کار کارگردانی پرداخت. نعیمی‌پور عرصه سیاست را دنبال کرد و به مجلس ششم راه یافت و سال‌ها در عرصه‌های مدیریتی و عمرانی فعال بوده است. شیخ‌الاسلام توانست پس از تسخیر سفارت به وزارت خارجه راه یابد و در سمت معاون وزیر، سفیر ایران در سوریه و مشاور وزیر امور خارجه فعالیت کند. او در دوره هفتم مجلس نیز حضور داشت و در سال ۹۸ درگذشت. (انتخاب)

قاب مشاهیر ۳

اردشیر زاهدی در کنار جون فونتین هنرپیشه آمریکایی - دهه ۱۳۵۰.

قاب مشاهیر ۸

تصویری از کمال تبریزی، کارگردان سینما با پرچم یک گروه مسلح فلسطینی؛ سازمان فتح، سازمان مبارز فلسطینی به رهبری یاسر عرفات بود که پس از انقلاب ارتباط گسترده‌ای با انقلابیون داشت. از جمله ارتباط با دانشجویان پیرو خط امام در سفارت آمریکا که در این تصویر پرچم سازمان فتح با عکس یاسر عرفات را در دست دانشجویان می‌بینیم. حاضران در عکس آقایان کمال تبریزی، محمد نعیمی‌پور و شیخ‌الاسلام هستند. کمال تبریزی بعدها به کار کارگردانی پرداخت. نعیمی‌پور عرصه سیاست را دنبال کرد و به مجلس ششم راه یافت و سال‌ها در عرصه‌های مدیریتی و عمرانی فعال بوده است. شیخ‌الاسلام توانست پس از تسخیر سفارت به وزارت خارجه راه یابد و در سمت معاون وزیر، سفیر ایران در سوریه و مشاور وزیر امور خارجه فعالیت کند. او در دوره هفتم مجلس نیز حضور داشت و در سال ۹۸ درگذشت. (انتخاب)

قاب مشاهیر ۸

تصویری از کمال تبریزی، کارگردان سینما با پرچم یک گروه مسلح فلسطینی؛ سازمان فتح، سازمان مبارز فلسطینی به رهبری یاسر عرفات بود که پس از انقلاب ارتباط گسترده‌ای با انقلابیون داشت. از جمله ارتباط با دانشجویان پیرو خط امام در سفارت آمریکا که در این تصویر پرچم سازمان فتح با عکس یاسر عرفات را در دست دانشجویان می‌بینیم. حاضران در عکس آقایان کمال تبریزی، محمد نعیمی‌پور و شیخ‌الاسلام هستند. کمال تبریزی بعدها به کار کارگردانی پرداخت. نعیمی‌پور عرصه سیاست را دنبال کرد و به مجلس ششم راه یافت و سال‌ها در عرصه‌های مدیریتی و عمرانی فعال بوده است. شیخ‌الاسلام توانست پس از تسخیر سفارت به وزارت خارجه راه یابد و در سمت معاون وزیر، سفیر ایران در سوریه و مشاور وزیر امور خارجه فعالیت کند. او در دوره هفتم مجلس نیز حضور داشت و در سال ۹۸ درگذشت. (انتخاب)

قاب

مرتضی کلیلی

قاب مشاهیر ۱

روزی که یک پرستار، حاج قاسم را دزدید

احمد کاظمی در خاطراتش از شهید سردار سلیمانی چنین نقل می‌کند: قاسم در جنگ فرمانده گردان بود و از ناحیه شکم مورد اصابت ترکش قرار گرفت. برای درمان او و با به مشورت اهالی محل، چون شکمش ترکش خورده بود، از زیر قفسه سینه تا پایین را باز کرده بودند و وضع بدی داشت. ۲۵ یا ۲۶ روز کسی نمی‌دانست قاسم زنده است یا شهید شده. سرانجام شهید موحدی کرمانی، پسر آقای موحدی کرمانی، قاسم را در طبقه سوم یک بیمارستان در مشهد پیدا کرد. پزشک حاج قاسم از منافقان بود و می‌خواست او را بکشد؛ به همین دلیل شکم قاسم را بخیه نزده بود و او دچار عفونت شده بود. یک پرستار بانوی کرمانی به خاطر حس ناسیونالیستی‌اش قاسم را شب‌نزدیده بود. جایی را با دو مریض از طبقه‌ای دیگر عوض کرد و به دکتر گفته بود قاسم را از اینجا برنده. قاسم یک دوره دیگر از ناحیه دست مجروح شد تا می‌گفتیم برو بیمارستان در می‌رفت، فضای ما در جنگ نفسی صحبت می‌کنم که جنگ ما را خودمون آورد و این ملت را آبدیده کرد.(ایرنا)

قاب مشاهیر ۲

داستان سلما، منشی انجمن مطالعات ایرانی در فرانسه؛ سلما کوپومجیان باستان‌شناس ارمنی‌تبار اهل بلغارستان بود که از سال ۱۳۱۴ ساکن ایران شد. او رئیس کتابخانه موزه ملی ایران بود و همرمان ماموریت‌های مهم باستان‌شناسی را در ایران انجام می‌داد. روزی کارمار سفارت، دعوتنامه جشن ایران را برای سلما داد. سلما چون سخنران را نمی‌شناخت، قصد شرکت در این مراسم را نداشت. این داستان می‌توانست در همین جا به پایان برسد اما سرنوشت باعث شد سلما به مراسم برود. او مجذوب سخنران و طراحی که از مشروق‌زمین می‌رزید شده بود. این عشق یکطرفه نبود. محسن مقدم، فرزند مخترع‌الدین‌خان احتساب‌الملک، در اواخر دوران قاجار در سال ۱۲۷۹ در تهران زاده شد. او از بنیانگذاران پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران بود. دوستی سلما و محسن با عشق مشترک به ایران، به عشق بین دو انسان تبدیل شد. به دنبال مخالفت والدین سلما با ازدواج، وی با اصلیی مریض به درد سیاتیک شدیدی مبتلا شد که به درمان نیاز داشت.پس از آن خانواده رضایت خود را اعلام کردند. محسن پس از ازدواج با سلما برای خدمت به مملکت خود بازگشت و هر دو به استخدام وزارت فرهنگ درآمدند. سلما اولین زن در ایران بود که به سمت بازرس فنی اداره باستان‌شناسی رسید. محسن نیز از اولین استادان دانشگاهی رشته باستان‌شناسی در ایران بشمار می‌آید. سلما و محسن صاحب فرزندان صاحب فرزند نشدند؛ آنها اشیای تاریخی موجود در خاندان را فرزندان خود می‌پنداشتند که باید برای نسل‌های بعد نگهداری می‌شدند. تمامی فرزندان ایران اب و خاک وارث یک عمر زندگی عاشقانه سلما و محسن به فرهنگ و هنر ایران شدند.موزه خانه مقدم، عمارتی قاجاری است که منزل خاندان احتساب‌الملک رئیس احتسابیه (شهرداری) تهران و وزیر مختار سوئیس بوده که بعدها در اختیار فرزندش، محسن مقدم قرار گرفت. محسن مقدم اولین استاد ایرانی است که به دریافت نشان لژیون دو نور فرانسه مفتخر شد. او در سال ۱۳۵۱ خانه پدری خود را وقف دانشجویان دانشگاه تهران برای آموزش و پژوهش کرد. مقدم از بنیانگذاران دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران و استاد ممتاز این دانشگاه بود. سلما بیشتر از هر ایرانی عاشق تاریخ و هنر این مملکت بود و زمانی که محسن مقدم یک کاشی ایرانی را به یک همکار آمریکایی هدیه داد، بسیار عصبانی شد و خواستار عودت این کاشی باستانی شد.مطالعات سلما در مورد ساسانیان بود و مطالعات محسن در زمینه باستان‌شناسی ایران.(asheet_of_history)

قاب مشاهیر ۴

تصویری از کمال تبریزی، کارگردان سینما با پرچم یک گروه مسلح فلسطینی؛ سازمان فتح، سازمان مبارز فلسطینی به رهبری یاسر عرفات بود که پس از انقلاب ارتباط گسترده‌ای با انقلابیون داشت. از جمله ارتباط با دانشجویان پیرو خط امام در سفارت آمریکا که در این تصویر پرچم سازمان فتح با عکس یاسر عرفات را در دست دانشجویان می‌بینیم. حاضران در عکس آقایان کمال تبریزی، محمد نعیمی‌پور و شیخ‌الاسلام هستند. کمال تبریزی بعدها به کار کارگردانی پرداخت. نعیمی‌پور عرصه سیاست را دنبال کرد و به مجلس ششم راه یافت و سال‌ها در عرصه‌های مدیریتی و عمرانی فعال بوده است. شیخ‌الاسلام توانست پس از تسخیر سفارت به وزارت خارجه راه یابد و در سمت معاون وزیر، سفیر ایران در سوریه و مشاور وزیر امور خارجه فعالیت کند. او در دوره هفتم مجلس نیز حضور داشت و در سال ۹۸ درگذشت. (انتخاب)

قاب مشاهیر ۸

تصویری از کمال تبریزی، کارگردان سینما با پرچم یک گروه مسلح فلسطینی؛ سازمان فتح، سازمان مبارز فلسطینی به رهبری یاسر عرفات بود که پس از انقلاب ارتباط گسترده‌ای با انقلابیون داشت. از جمله ارتباط با دانشجویان پیرو خط امام در سفارت آمریکا که در این تصویر پرچم سازمان فتح با عکس یاسر عرفات را در دست دانشجویان می‌بینیم. حاضران در عکس آقایان کمال تبریزی، محمد نعیمی‌پور و شیخ‌الاسلام هستند. کمال تبریزی بعدها به کار کارگردانی پرداخت. نعیمی‌پور عرصه سیاست را دنبال کرد و به مجلس ششم راه یافت و سال‌ها در عرصه‌های مدیریتی و عمرانی فعال بوده است. شیخ‌الاسلام توانست پس از تسخیر سفارت به وزارت خارجه راه یابد و در سمت معاون وزیر، سفیر ایران در سوریه و مشاور وزیر امور خارجه فعالیت کند. او در دوره هفتم مجلس نیز حضور داشت و در سال ۹۸ درگذشت. (انتخاب)

قاب

مرتضی کلیلی

قاب مشاهیر ۱

روزی که یک پرستار، حاج قاسم را دزدید

احمد کاظمی در خاطراتش از شهید سردار سلیمانی چنین نقل می‌کند: قاسم در جنگ فرمانده گردان بود و از ناحیه شکم مورد اصابت ترکش قرار گرفت. برای درمان او و با به مشورت اهالی محل، چون شکمش ترکش خورده بود، از زیر قفسه سینه تا پایین را باز کرده بودند و وضع بدی داشت. ۲۵ یا ۲۶ روز کسی نمی‌دانست قاسم زنده است یا شهید شده. سرانجام شهید موحدی کرمانی، پسر آقای موحدی کرمانی، قاسم را در طبقه سوم یک بیمارستان در مشهد پیدا کرد. پزشک حاج قاسم از منافقان بود و می‌خواست او را بکشد؛ به همین دلیل شکم قاسم را بخیه نزده بود و او دچار عفونت شده بود. یک پرستار بانوی کرمانی به خاطر حس ناسیونالیستی‌اش قاسم را شب‌نزدیده بود. جایی را با دو مریض از طبقه‌ای دیگر عوض کرد و به دکتر گفته بود قاسم را از اینجا برنده. قاسم یک دوره دیگر از ناحیه دست مجروح شد تا می‌گفتیم برو بیمارستان در می‌رفت، فضای ما در جنگ نفسی صحبت می‌

سوژه هفته
تاک‌شو

پنجشنبه | ۲۸ دی ۱۴۰۲ | شماره ۳۶۹۲

ابراهیم افشار

تاک‌شو، پاک‌شو

۱ اولین‌بار که پسر موفرفری رفسنجانی در صداوسیما آفتابی شد، کسی نمی‌دانست که او عاشق جانگداز لیورپول است. هیچکس نمی‌دانست که او در کودکی بارها و بارها ترکیب تیم مورد علاقه‌اش را با مدادرنگی‌هایش چیده و لیورپول را از قصد برنده کرده است. کسی نمی‌دانست که او به لطف عزت‌نفس و آگاهی و سوادش چه کولاکی خواهد کرد و چه خط بطلانی بر سر گزارشگران خودی و نخودی خواهد کشید که به لطف پارتی و لابی و با صداهای نخراشیده و نتراشیده، سر از تلویزیون درآورده بودند. کسی نمی‌دانست که او آنقدر خواهد درخشید که از ستاره‌های تاپ مملکتش هم سلبریتی‌تر خواهد شد. کسی هیچ نمی‌دانست. جرقه ظهور عادل ابتدا توسط یک داور فوتبال زده شد و او به لطف زبان‌دانی‌اش سر از استودیوهای صداوسیما درآورد. اگر آن داور آن روز آن فیلم داوری را برای ترجمه به این بچه خوش‌ذوق انگلیسی‌فهم نمی‌داد، شاید تلویزیون ایران از صدای او محروم می‌ماند. در آن روزهای دشوار دهه هفتاد که عطاخان سال‌ها بود به دست قطب‌زاده در تبعید خانگی به‌سر می‌برد و دیگر کلاهش هم سمت ساختمان‌های ارگ و جام‌جم می‌افتاد از آنجا رد نمی‌شد، برنامه محقر ورزش تلویزیون چندسالی بود که به دست فراکسیون سیدامیر حسینی اداره می‌شد. آن روزها محمودحداد از سردبیران کیهان ورزشی در اولین سال‌های بعد از انقلاب همراه با حسینی به ساختمان صداوسیما رفته بود و برنامه‌هایی برای المپیک آتلانتا ۱۹۹۶ و مسابقات فوتبال یورو ۹۶ به میزبانی انگلیس تهیه کرده بودند. محمود از قهقهه‌های بلندش در تحریریه کیهان‌ورزشی دست کشیده و با فراکسیون فارغ‌التحصیلان دانشکده‌عالی ورزش که حالا هرکدام‌شان پست‌های کلان سازمان ورزش را در اختیار گرفته بودند بُر خورده و در کنار رفیقش امیر حسینی تهیه‌کننده برنامه‌های ورزشی شبکه یک شده بود و برنامه تحلیلی «در قلمرو ورزش» را می‌ساخت که مرکب از مصاحبه و میزگرد بود و چهارشنبه‌ها جریانات روز ورزش را از زبان کارشناسان خودی بررسی می‌کرد. در همین برنامه بود که روزی از روزها صدای گزارشگر تپل جوانی آمد که خودش می‌گفت آنقدر عاشق فوتبال بوده که در استادیوم‌ها تخمه می‌فروخته است. خیابانی آن روزها فقط صدایش می‌آمد و هنوز تصویرش پخش نمی‌شد. سیاست‌های تلویزیون ایران در آن سال‌ها براین مبنا بود که از گزارشگران خود «بچه‌معروف» نسازد. چندماه بعد از المپیک آتلانتا بود که سیدامیر حسینی دبیرکل کمیته المپیک شد و با حداد از تلویزیون به کمیته رفتند. اما یاد محمود ماند که یک روز در برنامه قلمرو ورزش که موضوع داوری‌های فوتبال حاد شده بود، اتفاقی رخ داد که منجر به ظهور یک پدیده کرمانی شد و تلویزیون و فوتبال ایران تا سال‌های سال از چهره و صدایش تغذیه کردند. آن روزها برنامه در قلمرو ورزش، بخشی نیز به تحلیل داوری اختصاص داده بود که در آنجا ویدئوهای داوری را با نریشن پخش می‌کرد. یک روز غیاثی از داوران قدیمی خبر داد که برادرش از خارج نواری فرستاده که شامل نکته‌های آموزشی‌ست و در آن روزهای حساس چقدر می‌تواند به داد برنامه‌شان برسد. یک نوار «وی‌اچ‌اس» بود که باید ترجمه می‌شد و غیاثی در مذاکره با حداد از جوانی خوش‌ذوق و زبان‌دان گفت که انگلیسی‌اش عالی‌ست و به‌شدت واله فوتبال است. غیاثی نوار را برای ترجمه به عادل داد و وقتی نوار ترجمه شده به تلویزیون رسید، حداد آن را برد توی باکس ضبط‌صدا که عادل بیاید روی نوار صحبت کند و ضبط شود. عادل صدایش محشر درآمد و نوار که در برنامه قلمرو ورزش پخش شد، مردم برای اولین‌بار صدای جذاب جوان دانشجوی لیورپولی را شنیدند و دیگر نامش توی دفتر بزرگان رفت. یک‌سال بعد پسر موفرفری رفسنجانی عاشق لیورپول پا در تلویزیون گذاشت و برنامه نودش را با حداقل امکانات و با الگوگیری از یک برنامه تلویزیونی ایتالیایی آغاز کرد. عادل آن روزها در ابرار ورزشی مطلب می‌نوشت و همان روزها که پایش برای ترجمه متن داوری به جام‌جم باز شده بود، اردشیر لارودی به‌عنوان سردبیر ابرار ورزشی بارها و بارها سفارش‌اش را به قلمرویی‌ها کرد. از خوش‌ذوقی و اطلاعات جامع‌اش گفت و از اینکه می‌تواند پدیده شود. چشم اردشیر همچنان که در کشف توپچی‌های زمین‌های خاکی، عیار بود در کشف اهل‌رسانه هم ملاک بود.

۲ توی روزهای دربه‌دری که روزنامه‌مان تعطیل شده بود و دیگر سرسوزنی پول توی قلک عشیره‌ای‌مان نبود و داشتیم از خرده‌صدقه‌هایی که برای رفع قضا و بلا جمع کرده بودیم، استفاده می‌کردیم، عدل خدا زد به کمرمان و پیشنهاد سردبیری مجله سروش را پذیرفتیم. سفره خالی، جای ناز و نوز نداشت. گردانندگان آن موسسه -که یک زمانی مجله‌شان نوردیدگان نسل‌نو بود اما اعتبارشان را از دست داده بودند- دیگر از انتشار یک نشریه داغان و کاملا مسدود و از رونق افتاده مدل دهه‌شصتی خسته شده و کار نو می‌خواستند. چنین شد که با تلفیقی از بچه‌های چلچراغ و بعضی خرده‌قلم‌زنان ناشی و خسته خود مجله، تیمی بستیم و راه افتادیم. آنجا که حضور علی میرمیرانی و شهرام فرهنگی، عادل فردوسی‌پور و کامران نجف‌زاده تا دخترکان چلچراغ -مریم و شیما- و البته طراحی‌های بدیع هومن که پیراهن بزم مجله را ترگل و ورگل می‌کرد، تیمی جذاب دور هم جمع شدند و البته یکی دوسال بعد بساط‌مان از هم پاشید.

۳ من بدبخت در سروش، یالقوزترین سردبیر جهان بودم اما از محصولات آنجا هنوز چشمم دنبال دستخط‌های مشترک‌مان با عادل هست که در یک مصاحبه مکتوب مفصل «بازجویی‌طور»، جیک و پوکش را ریختیم روی آب و در روز چاپ، بیش از نصف گفت‌وگو سانسور شد. آنجا فهمیدم که او در جایگاه عاشق جانگداز لیورپول هیچ اطلاعاتی از نیم‌قرن اول فوتبال ایران ندارد و هیچ نوع دلبستگی به قرمز و آبی نیز. پسری که بعدها سخت‌گیرها نتوانستند از دو سه دهه قله‌نشینی‌اش -به ویژه در این جامعه تب‌آلود و مغشوش فوتبال ما که هیچکس را در آن ساحل آرامشی نیست و همه در لجن‌مالی همدیگر کورس گذاشته‌اند- هیچ سوءسابقه‌ای پیدا کنند. بگذارید او مازوخیسم فوتبال داشته باشد. آدم اگر بتواند خودش را چنین واکسینه کند که هیچ تَرکشی از شلیک‌کنندگان تیر ملامت، به جسم و جانش اصابت نکند، دُردانه است.

۴ تولید آدم‌های باکلاس و پاکیزه‌ای مثل عادل در جامعه‌ای مثل سوئیس هیچ جای سپاسی ندارد اما تولید یک قهرمان یا مصلح یا حتی یک جنگجوی خویشتندارِ عاشق در یک جامعه جنگ‌زده یا بحران‌زده، پروسه پیچیده‌ای می‌طلبد و نیاز به ریاضت‌های غریبی دارد. بگذر از آدم‌های کوتوله‌ای که توی رسانه‌ها -به‌ویژه تلویزیون- ریخته است. من اگر قرار باشد که او و افسانه‌ای مثل آقای بهمنش را ناچارانه در یک ترازو بگذارم او را انتخاب خواهم کرد. درست است که سواد ادبی و دایره‌لغات و سلطه بهمنش بر ادبیات، از او بیشتر بود و طبیعتا نگاهش به تاریخ ایران و ورزش ایران از عادل جامع‌تر بود اما بنا به دلایلی که پیش خودم محفوظ است عادل را همه جانبه‌تر، به‌روزتر و حتی پاکیزه‌تر می‌دانم. آقای بهمنش آن روزها که دبیر فدراسیون کشتی شد در مقابل وسوسه‌های یک پست، کم آورد اما این محصول شیرین رفسنجانی حداقلش تا حالا که خودش را برای پست‌مُست نفروخته است. من هیچ‌وقت آن صورت مستاصل آقای بهمنش در پشت‌دَخل آن قنادی از یادم نخواهد رفت که به حکم قطب‌زاده از صحنه رسانه فید شده بود و شکسته‌دلی‌هایش دیگر التیام نیافت. عطا اگر «پاواروتی» این مملکت بود عادل نیز برای خودش «باغچه‌بان» فوتبال بود. اگر تمامیت‌خواهی مدیران این زمانه چنان است که با افتادن از روی دنده چپ، می‌توانند پاواروتی‌ها و باغچه‌بان‌ها را بسوزانند و پیر کنند، بگذار ما نیز به الهه فوتبالی پناه ببریم که عادل را رستگار کرده است. پس در این روزگار تخریب‌کننده اگر کسی بتواند قواعدبازی را بلد باشد و خود را در مقابل ویروس‌های کشنده، قرنطینه کند بگذارید دورسرش بگردیم. کسی که انگیزه‌ها و آرمان‌ها و بدوبدوهایش را زنده نگه دارد. این خود نکته‌ای بسیار سمبلیک است که بفهمی در روزگاری که فقط به آدم، دارای خوی فرعونی و حسود میدان می‌دهد کسی که خودش را نبازد و با رویاهایش زندگی کند مرحبا دارد. مرحبا دارد از اینکه در گذر از این همه گردنه طی بیست سی سال، اشباع نشود و سر نزند به صحرا و بیابان، از دستِ زبان‌نفهم‌ها و گزمگان، و در مناسبات اجتماعی‌اش خفه‌خون نگیرد. من او را با تمام گلگی‌هایم به بهمنش و تاری و روشن‌زاده و مانوک و شفیع و جهانگیر و جواد ترجیح داده‌ام.

مهدی افخمی

ژانگولرهای الکی

چند روز پیش از سرکار که برمی‌گشتم روی موتور توی تونل توحید یک هامر دیدم. نمی‌دانم چند تا هامر وارد ایران شده است اما یکیش برای رضا رشیدپور بود که مهمان‌هایش را برای گفت‌وگو با هامر به استودیو می‌آورد. ژانگولر نقش مهمی در تاک‌شوهای ایرانی دارد. الان که هر بلاگر با دنبال‌کننده‌های بیش از یک میلیون خودشان رسانه هستند و از طرفی یوتیوبرهایی هستند که یک برنامه کامل تلویزیونی را در تعریف قدیم تولید می‌کنند، بدون هیچ محدودیت و با نهایت خلاقیت این زلم‌زیمبوهایی که در شبکه نمایش خانگی است و آن‌هم از فیلتر ساترا رد می‌شود، باید بریزیم دور! تلویزیون که برای عصر پارینه‌سنگی و همان هسته سخت دوست‌داشتنی خودش برنامه می‌سازد و می‌شود سیدخندان و این طرف هم مداوم در هر تاک‌شو یا رضا شفیعی‌جم است یا نصرالله رادش که... آنقدر مردم را تهدید کرده‌اند که ناگزیر به دیدن خزعبلات هستند اما مطمئنم جوان‌ترها از این مشنگ‌ها و جفنگ‌ها گذشته‌اند و محتوای به‌روز و بدون سانسور و باب‌طبع خودشان را می‌بینند. کمتر از یک ماه پیش بود که جلیلی آقای واقعی یا کیک را آورد تا آمار مخاطبانش را بالا ببرد. نمی‌دانم شما سند تحول صداوسیما را خوانده‌اید. از دیدن موضوعاتی که برای آقایان مهم است خنده‌تان می‌گیرد. در این سند حتی صحبت از مردم و ذائقه آنها نیست. ژانگولر جدید استاد مدیری هم آوردن یک تلویزیون بزرگ در برنامه اسکارش و نشان دادن خنده‌های بی‌محابای الیکا است که تلویزیون روزی سانسور کرده یا نشان دادن ناخن‌خشکی نیکخواه! حق هم دارند! چیزهای ممنوعه نشان می‌دهند به مدد همان مدیرانی که روزی مدیر شبکه ... بودند. یک روز به ساختمان ... می‌روند و در جلسه شورا طرح شرکت می‌کنند و عکسی با جناب مدیر و کیف‌کش‌هایش می‌گیرند و مجوزشان برقرار می‌شود و آقای دیانی اسنوا می‌شود اسپانسر همان تلویزیون گنده که وسط صحبت می‌آید! تا حالا دیدید جیمی فالون از این کارها بکند؟ گندی که آقای ... سر برنامه شب‌های مافیا زد و نشان دادند که پشت صحنه زد و بند است و حتی صدای شفیعی‌جم و آهنگی را که درآورد نشان از روراستی تولیدکنندگان به‌اصطلاح رئالیتی‌شو را داشت. اینها همه باخته‌اند و خودشان خبر ندارند. کافی است فقط کمی در باز بشود و مردم انبوه تولیدات را ببینند. همانطور که بالاخره قبول کردند مجری‌شان با کت و دامن جلوی دوربین بیاید. یکبار هم رشیدپور سحر قریشی را دعوت کرده بود و آن‌موقع آدم‌ها فهمیدند با چه اعجوبه‌ای طرف هستند. میرمیرانی در توشات، تاک‌شوی اخیرش مرتضی امینی‌تبار را دعوت کرده است و از او سوال‌های فلسفی می‌پرسد و امینی‌تبار هم از دست‌های سنگین رعنا آزادی‌ور می‌گوید که چقدر در پیشرفتش موثر بوده است. حق هم دارد. از افاغنه بودنش می‌گوید که چقدر رنج‌کشیده که مگر آقاجون! زندگی بی‌رنج و محنت است یا با اصغر سمسارزاده گدایی فقر می‌کند تا برنامه‌اش دیده شود. ۹۰ تنها برنامه تلویزیونی بود که تاک‌شوهای دیدنی داشت. وقتی همه چیز در چارچوب تعریف شده بود و صحبت از فوتبال بود و فردوسی‌پور به‌خوبی دست روی نقاط پرابهام داستان می‌گذاشت اما در فوتبال ۳۶۰ بیشتر شیلنگ‌تخته می‌اندازد و با همایون مرغ سحر می‌خواند! کامان من! تو این نبودی! «و بعد تصمیم گرفتیم با سحر...» شاید مخاطب اینها را بخواهد اما تو به اصول خودت پایبند باش! یا برای برنامه کاپ آسیا که پژمان جمشیدی را آورده است که کارشان با عادل‌خان تیکه بار هم کردن است که یکی چون پژمان منتظری اهل خانواده است و نه مثل جمشیدی شر و شیطون! این ته نکات دوستان است که به ورطه سطحی‌نگری افتاده‌اند. از بین سینمایی‌ها که نگویم برایتان که مجله فیلم امروز با علی مصفا و زهرا داوودنژاد مصاحبه گرفته بود و میکروفن‌هایشان را چک نکرده بود و صدای مهمان به بدترین شکل ممکن پخش می‌شود و جالب‌تر اینکه این ویدئوها را بارگذاری کرده بود. من خودم از طرف هوشنگ گلمکانی و شاهین شجری کهن دچار شرم نیابتی شدم. فیلم‌نیوز کمی بهتر است و سوالاتش کمی تخصصی است و برنامه در یوتیوب آپلود می‌شود اما آنقدر در صفحه‌اش تبلیغات می‌گذارد که آنفالوش کردم. برنامه ۳۵ برنامه‌ای بود که آن ابتدا که جیرانی از تلویزیون زده بود بیرون، ساخته شد و چقدر خوب و به‌جا بود. آنجا از زبان نعمت‌الله شنیدم که اصغر فرهادی چطور طرح آنها را دزدیده و روزگار جوانی را ساخته است. با فروتنی و با هیچ بغض و کینه نعمت‌الله این را می‌گوید و برخورد فرهادی را بیان می‌کند. این یعنی برنامه. گفتن چندتا راز مگو که مردم خبر ندارند که جذابیت تاک‌شو دوچندان شود. هر چند جیرانی با آن نقل‌قول که مانع بازی فردین در دهه ۷۰ شده است از چشمم افتاد. درست است که مشاور به‌شدت افتضاحی بوده است اما مجری خوبی است آن‌هم برای تاک‌شوهای سینمایی. باقی برنامه‌ها نامشان را نیاوریم بهتر است. تاک‌شوهای یوتیوب را ببینید. درست است که ماشین خوب نمی‌توانید سوار بشوید اما محتوای خوب و باکیفیت با کمی سختی در دسترس‌تان است. تن به زباله‌سازها ندهید.

رضا فراهانی

ببخشید شما؟

۱ ببخشید شما؟ این نام برنامه‌ای بود که مهران مدیریِ هنوز بازاری‌نشده برای تلویزیون ساخت. اولین تاک‌شویی بود که من را پای تلویزیون می‌نشاند و هر بار من را برای دیدن مهمان بعدی به‌وجد می‌آورد. در روزهایی که اینستاگرام و فیسبوک نبود تا بتوانیم با چند کلیک به دنیای شخصی بازیگرها، فوتبالیست‌ها، مجری‌ها و سایر چهره‌ها سرک بکشیم، این برنامه «ببخشید شما؟» بود که عصای قورت‌داده را از حلقوم بازیگران و فوتبالیست‌ها و مجریان بیرون می‌کشید و یخ‌شان را باز می‌کرد و لایه‌های پنهانی از آنها را با زبان خودشان به بیننده نشان می‌داد! من هر شب منتظر می‌ماندم تا ببینم مثلا فردوسی‌پور هم مثل من به قرمه‌سبزی علاقه دارد یا مثل برادرم طرفدار قیمه است! یا سامان گلریز اصلا زن دارد و اگر دارد شب‌ها در خانه‌شان کدام‌یک آشپزی می‌کنند و... هرچند با گذشت زمان فهمیدم که این خرده‌اطلاعات نه مفید هستند نه مهم اما آن‌وقت‌ها برای یک پسرک ده ساله دانستن چیزهای بیشتر از زندگی چهره‌های مشهور یک فضیلت رقابتی بود برای حرف زدن در جمع‌های سبز خانوادگی یا زنگ تفریح‌های مدرسه. مهران مدیری آن‌وقت‌ها یک قدم از همه جلوتر بود، چیزهایی را می‌دید و می‌ساخت که کسی نمی‌دید و نمی‌ساخت! حالا اما با «اسکار» روند ناامیدکننده‌ای را در پیش گرفته و به‌نظر می‌رسد در حال جمع کردن آخرین سکه‌ها از اعتبارش است و به‌زودی به جمع آنهایی می‌پیوندد که دیگر هیچ جذابیتی برای مخاطب ندارد.

۲ چند قسمت از برنامه «دوشات» علی میرمیرانی را دیده‌ام و اگر متهم به داشتن سندروم «نق بی‌قرار» نمی‌شوم، اجازه بدهید از این برنامه خوشم نیامده باشد. در مورد میرمیرانی و برنامه‌اش مدام این احساس را دارم که دلش می‌خواهد چیزهایی را بپرسد و جواب‌هایی را بگیرد که بشود از آن کلیپ یک دقیقه‌ای برای ریلز اینستاگرام استخراج کرد! گاهی پر از شعار و دور از دنیای واقعی است و خیلی‌وقت‌ها هیچ حرف تازه‌ای برای مخاطب ندارد. البته یک قسمت پخش‌نشده با رفیق عزیز ما احسان جان‌محمدی دارد که لابد این تلخی را خواهد شست و خواهد برد. تا آن روز منتظر می‌مانم هرچند در کلیت حرف‌ها تغییری ایجاد نخواهد شد.

۳ خودم یکبار در یک برنامه تاک‌شو در یک مجموعه بزرگ آموزشی دعوت شدم و یک ساعتی گپ زدم! بعدتر وقتی فیلمش را دیدم دلم می‌خواست زودتر تمام شود و هیچ فرد دیگری آن را نبیند، گویی فضای تاک‌شوها این است که تو را می‌برد در جایگاه پند و اندرز دادن و پرموت کردن خود و یکهو به‌خودت می‌آیی می‌بینی چیزهایی گفتی که از خودت نیست و تصویری از خودت و کارت و دوستانت ساختی که با واقعیت کیلومترها فاصله دارد!

حمید رستمی

اینجا فقط من سوال می‌کنم!

۱ عمر «تاک‌شو»ها در ایران چندان دراز نیست و البته یکی از جذابیت‌های عمده این برنامه‌ها که اجرای زنده است، به دلیل ملاحظات نظارتی در ایران رعایت نمی‌شود ولی با این حال باز هم خیلی از مصاحبه‌هایی از این دست، دیدنی‌تر و شنیدنی‌تر از بسیاری از برنامه‌های دیگر جلوه می‌کند و هر موقع یک شخص معروف با معلومات و گزیده‌گوی روبه‌روی یک مجری کاربلد می‌نشیند که تحت‌تاثیر نام و آوازه مهمان قرار نگرفته و تبدیل به گوش مفتی برای شنیدن درددل‌هایش نشود و بتواند به‌موقع از بین حرف‌های طرف مقابل سوالات چالشی خود را درآورده و مهمان را در مسیری قرار دهد که شفاف‌تر و دقیق‌تر به تک‌تک سوالاتش جواب دهد یقیناً برنامه جذابی برای مخاطبان خواهد شد و بخش‌های مهمش به سرعت در شبکه‌های اجتماعی وایرال شده و دست به دست خواهد چرخید.

۲ یکی از نخستین تاک‌شوهای ایرانی برنامه صندلی داغ مرحوم منوچهر نوذری بود که بعدها با اجرای داریوش کاردان و احمد نجفی از مسیرش منحرف شد و نه مجریان آن کاریزمای خاص نوذری در مواجهه با مهمانان را داشتند و نه دعوت‌شدگان به برنامه جذابیت آنچنانی برای مخاطبان که یک ساعت پای حرف‌هایش نشسته و خوشه‌چین تجربیات سال‌های گذشته کسی باشند که خود آنچنان هم که باید آدم موفقی نیست. اما در همان برهه رضا رشیدپور برنامه‌های عبور شیشه‌ای، شب شیشه‌ای و مثلث شیشه‌ای سه‌گانه گفت‌وگو محور ساخت که در روزگار خود در غیاب شبکه‌های ریز و درشت اجتماعی حسابی سروصدا کرده و آدم‌های معروف برای نشستن روی صندلی این برنامه‌ها سردست می‌شکستند و یکی از عوامل مهم اشتهار رشیدپور بود به‌گونه‌ای که حتی آدم‌های مهم سیاسی هم با فراغ‌بال پیش‌رویش نشسته و تخلیه اطلاعاتی می‌شدند. همه این‌ها حواشی زیادی برای برنامه رقم زد تا بعد از ۳ فصل دیگر ادامه پیدا نکند. الگویی که بعدها فرزاد حسنی در کوله‌پشتی از آن برای شهرت برنامه‌اش استفاده کرد و احسان علیخانی هم برنامه ماه عسل را بر پایه چنین تفکری ساخت با این تفاوت که مهمان‌هایش چندان نامدار نبودند و او در طول همان برنامه تلاش خود را برای برجسته کردن کارهایشان صورت می‌داد.

۳ یکی از مهمترین و طولانی‌ترین برنامه‌هایی که تمرکز عمده‌اش روی تاک‌شو بود، برنامه خندوانه (رامبد جوان) بود که حاوی بخش‌هایی دیگر از جمله استندآپ کمدی، گزارش میدانی و مسابقه بود ولی چنان محیط خوب و صمیمی با حضور تماشاگران و عروسک جناب‌خان با صدای محمد بحرانی مهیا کرده بود که هر کس به‌عنوان مهمان راهی آن برنامه می‌شد انگار به یک جمع خانوادگی صمیمی راه پیدا می‌کرد که به‌راحتی می‌توانست سفره دلش را باز کند و به یک معاشرت جمعی برسد. رامبد با نهایت ادب و احترام، میزبان بزرگان حوزه‌های مختلف می‌شد و به تناسب وزن و جایگاه اجتماعی فرد از او میزبانی می‌کرد و سوالات خود را به‌گونه‌ای طرح می‌کرد که گاه تبدیل به یک کلاس آموزشی و مشاوره‌ای می‌شد و در کنار آن موسیقی جنوبی جناب‌خان شور و اشتیاق زائدالوصفی به تاک‌شو داده و مانع از آن می‌شد که برنامه از ریتم بیفتد و به دایره ملال گرفتار شود. حضور چهره‌هایی چون علی نصیریان در این برنامه آنچنان جذاب بود که بعد از سال‌ها دیدنش خالی از لطف نیست. یکی از بهترین قسمت‌های این برنامه حضور جمشید مشایخی با همسرش گیتی رئوفی به‌عنوان مهمان بود که بعد از گذشت چند دقیقه گیتی خانم چنان عرصه را از رامبد و استاد مشایخی ربوده بود که خود تبدیل به ستاره مصاحبه شده و جذابیت‌های خاص خودش در سخنوری و تعریف خاطرات بامزه را به رخ می‌کشید و مشایخی در حد تایید گفته‌های همسرش در برنامه حضور داشت و رامبد هم از این ساختارشکنی بدون برنامه‌ریزی حسابی لذت می‌برد.

۴ یکی از عامه‌پسندترین تاک‌شوهای ایرانی را مهران مدیری برای دورهمی عرضه کرد که بخش زیادی از بازیگران معروف سریال‌های تلویزیونی و موسیقی عامه‌پسند را دعوت و در مورد گذشته‌شان سوالاتی طرح می‌کرد که تیم اتاق فکر برنامه در اختیارش می‌گذاشتند و کاریزمای شخصی مدیری هم کمک می‌کرد که مهمانان حتی در مورد سوالات خصوصی از قبیل «عاشق شدید؟» یا «چجوری با هم ازدواج کردید؟ و اول چه کسی پیشنهاد داد؟» هم چندان مقاومت نکنند و روایتی در حد وسع پخش از شبکه رسمی صداوسیما ارائه دهند و لحظات خوشی برای مخاطبان که پای گیرنده‌ها نشسته‌اند و علاقه‌مند به چنین مباحثی هستند پدید آورند هر چند در سری‌های بعدی بخش زیادی از سوالات از پیش معلوم بود و بیننده نهایت هیجانش در این خلاصه می‌شد که ببینیم حالا این آدم چجوری عاشق شده است و نکته چندان کاربردی و آموزشی از نیم‌ساعت مصاحبه عایدش نمی‌شد.

۵ یکی از مهمترین مزیت‌های تاک‌شوها معلومات بالا و تسلط کامل مجری به حوزه مورد بحث است که در تاک‌شو ۳۵ (فریدون جیرانی) شاهد آن بودیم. او که با حافظه فوق‌العاده قوی و کاملا کلاسه‌بندی شده روبه‌روی اهالی سینما قرار می‌گرفت مصاحبه تاریخی ماندگار از شروع کار و چگونگی پیشرفت و نقش‌آفرینی‌اش در پروژه‌های مختلف صورت می‌داد تا برای سال‌های بعد تبدیل به یک تاریخ شفاهی کاملاً قابل استناد برای نسل‌های بعدی باشد. جیرانی چنان در این کار مهارت، دقت، هوش و نکته‌سنجی داشت که گاهی حتی روایت‌های اشتباه را تصحیح می‌کرد و به‌طور کامل بدون اینکه ذهن مهمان را مغشوش کرده و او را از روند مصاحبه دور یا میل به حرف زدن را پایین بیاورد او را به مسیر خاصی که علاقه داشت سوق می‌داد.

۶ برنامه هم رفیق سوژه متفاوتی برای یک تاک‌شو انتخاب کرده بود و حضور تیمی قوی در پشت صحنه برنامه به رهبری سروش صحت نوید یک برنامه جذاب و دیدنی را برای مخاطب می‌داد که تکیه بیش از حد بر روی جذابیت‌های فردی خاص شهاب حسینی کار دستشان داد و بعد از یک فصل ادامه پیدا نکرد. شاید شهاب حسینی در حوزه بازیگری برای خود وزنه‌ای بسیار معتبر محسوب شود و یا چون کارش را با مجری‌گری شروع کرده به فوت و فن کار واقف باشد ولی اجرایش در برنامه هم‌رفیق چنگی به‌دل نزد و چیزی به برنامه اضافه نکرده و در کارنامه خود حسینی هم نکته برجسته‌ای محسوب نمی‌شود. اینکه مهمانان هر کدام با بهترین دوستشان به محل ضبط برنامه دعوت شوند و در اواسط برنامه ایشان هم به جمع اضافه شود و سوال جواب ادامه پیدا کند شاید روی کاغذ ایده جذابی باشد و اصلاً چرخیدن حول‌محور رفاقت برای یک برنامه گفت‌وگومحور ایده درخشانی تلقی گردد اما در اجرا آنچه شاهد بودیم یک‌سری سوالات تکراری بود که حتی تقدم و تأخرش هم به‌صورت کامل رعایت می‌شد و شهاب حسینی فقط وظیفه خواندن آن سوالات و بر زبان آوردنش را به عهده داشت و دخالت چندانی در رهبری مصاحبه از خود بروز نداده و بیشتر محو تماشای حرف زدن مهمانان و شوخی‌هایشان با هم می‌شد و اگر از روی بخت و اقبال دعوت‌شوندگان آدم‌های بامزه‌ای بودند ۴ تا خاطره خوب تعریف می‌کردند وگرنه که همه منتظر بخش‌های موسیقی و اجرای زنده گروه بمرانی می‌شدند.

۷ همین دیروز گفت‌وگوی پژمان جمشیدی با جواد نکونام را که می‌دیدم این هم‌سنگ و هم‌وزن بودن دو طرف و نوع تعامل‌شان در سوال‌ها و جواب‌ها به‌راحتی عیان بود و تبدیل به نقطه قوت مصاحبه می‌شد که از هوش عادل فردوسی‌پور برای انتخاب دقیقش می‌گفت. شاید اگر به‌جای جمشیدی خود فردوسی‌پور مجری برنامه بود به‌شدت از جذابیت مصاحبه کاسته می‌شد ولی هم‌ردیف بودن دو نفر و وجود خاطرات مشترک و حضور در فضاهای مشترک باعث شده که یک ساعت مصاحبه رنگ تکرار نگیرد و حتی نظرات فوتبالی‌شان هم بسیار کارشناسانه‌تر باشد و نکته‌ای به اطلاعات مخاطب اضافه کند.

مرجان فاطمی

تلویزیون قدرشان را ندانست

برای ما که تعریف‌مان از اجرا، با تماشای مجری‌های جدی و عصاقورت‌داده‌ای که حتی در ملموس‌ترین حالت ممکن هم تغییری در استایل‌شان ایجاد نمی‌شد، شکل گرفت، پدیده اجرای برنامه تا مدت‌ها به‌عنوان امری قانونمند با چارچوبی ویژه تلقی می‌شد؛ چارچوبی محکم که وقتی اواخر دهه هفتاد تا حدودی در ساختار آن تغییر ایجاد شد نمی‌توانستیم باورش کنیم. وقتی تاک‌شوها به میدان آمدند و مجری‌های جدید با لباس‌های اسپرت و رنگی مقابل‌مان قرار گرفتند و به‌جای استفاده از جملات سفت‌وسخت، شروع کردند به شیوه خودمان حرف زدن، یک‌جورهایی احساس آرامش کردیم. حالا دیگر مرز میان زندگی معمولی ما با شیوه لباس پوشیدن و گپ و گفت مجری‌های تلویزیونی آنقدرها زیاد نبود. می‌شد دور هم نشست، تخمه شکست و برنامه‌ای را با اجرای آنها تماشا کرد و حتی خندید.

در واقع تاک‌شوها از یک‌جایی به‌بعد جزئی از زندگی مردم شدند و شاید حتی بتوان گفت در بعضی خانواده‌ها جای سریال‌های تلویزیونی را هم گرفتند. آنهایی که شیوه کار و زندگی‌شان طوری نبود که بتوانند هر شب سریالی را دنبال کنند، برایشان راحت‌تر بود بنشینند تاک‌شوها را ببینند و یک ساعتی از حال‌وهوای زندگی عادی دور شوند. آنها نه از تاک‌شوها عقب می‌ماندند و نه اگر یکی دو شب به‌شان سر نمی‌زدند، چیزی را از دست نمی‌دادند.

در ایران تا اواسط دهه نود انواع و اقسام تاک‌شو روی آنتن رفت اما به جرات می‌توان گفت که «خندوانه» با اجرای رامبد جوان، نقطه عطف مهمی در این زمینه شد. هیچ تاک‌شویی تا قبل از «خندوانه» نتوانسته بود تا این‌حد مخاطبان را دورهم جمع کند و روی سبک زندگی آنها اثر بگذارد. بخش مهمی از این موفقیت به دلیل اجرای خود رامبد جوان بود؛ مجری که به‌راحتی می‌توانست با جدی‌ترین شخصیت‌ها شوخی کند و از آنها سوال‌هایی بپرسد که هیچ‌کس پیش از آن فکرش را هم نمی‌کرد. ورود جناب‌خان با اینکه اوایل ریسک بزرگی به‌حساب می‌آمد اما رفته‌رفته به یکی از عوامل موفقیت این برنامه بدل شد. جالب این بود که از یک‌جایی به‌بعد دیگر کسی او را یک عروسک به‌حساب نمی‌آورد و چنان هویتی به‌دست آورده بود که حتی آنهایی که تلویزیون تماشا نمی‌کردند هم به خوبی درباره زندگی و علایقش می‌دانستند.

خندوانه پرقدرت ادامه پیدا کرد تا اینکه پای «دورهمی» به میدان آمد. مهران مدیری، ستاره مطرح کمدی که مخاطبان با سریال‌هایش خاطرات زیادی داشتند، حالا قرار بود به جایگاه مجری قدم بگذارد و تاکشویی متفاوت تولید کند. «دورهمی» به‌خصوص در دوره‌های اول به یکی از اتفاق‌های مهم تلویزیون بدل شد. «خندوانه» و «دورهمی» بدون اینکه رقابتی داشته باشند کنار هم پیش رفتند و تلویزیون در آن دوره توانست مخاطبان زیادی جلب کند.

دوران جذابیت تاک‌شوهای تلویزیونی با حذف این دو برنامه به پایان رسید و هنوز که هنوز است کسی نتوانسته برنامه‌ای بسازد که جای آنها را پر کند. درواقع تلویزیون مخاطبان تاکشوهای جذابش را دودستی تقدیم شبکه نمایش خانگی کرد و خودش کرکره‌ها را پایین کشید.

تاک‌شوهای شبانه تلویزیونی ضعیف شدند و از سوی دیگر در شبکه نمایش خانگی، در کنار رشد تاک‌شوها، مسابقه‌ها هم قدرت بیشتری گرفتند. در این دوره بود که «مافیا» و «جوکر» و... چنان اهمیتی برای مردم پیدا کردند که در هر محفلی رد و نشانی از آنها یافت می‌شد.

حالا کماکان قدرت در دست شبکه نمایش خانگی است و این روزها «اسکار» با اجرای مهران مدیری به‌عنوان یک مسابقه‌ای که به‌خاطر شیوه اجرای مدیری و پیشینه‌ای که از او سراغ داریم تا حدی به تاک‌شو هم پهلو می‌زند به میدان آمده؛ اثری که در همین دو قسمت ابتدایی با وجود ضعف‌هایی که دارد، توانسته جای خودش را بین مردم باز کند. هنوز معلوم نیست چه سرنوشتی خواهد داشت و اصلا با این دست‌فرمان به‌جای خوبی می‌رسد یا نه! مهم این است که مدیری بعد از «دورهمی» حالا مخاطبان را در نقطه‌ای دیگر به سمت خود کشیده است.